
ژوندون
اطلاعات او کلتور
پنجشنبه ۲۷قوس ۱۳۵۴ ـ
۱۵ ذیحـــجه ۱۳۹۵ ـ ۱۸
دسامبر ۱۹۷۵
شماره ۳۹
سال ۲۷
قیمت ۱۳ افغانی

بناغلی رئیس دولت وصدراعظم فرمودند.

ما باید همواره به عمق وحقیقت سنن انسانی دین مقدس اسلام توجه کنیم

پیام بناغلی محمدداود رئیس‌دولت وصدراعظم بمناسبت عیدسعید اضحی ۲۱ قوس ۵٤

خواهران وبرادران عزیز :

این عید سعید اضحی‌رابه‌همهٔ شما هموطنان‌گرامی به برادران پشتو نستانی وبلوچ و به کافه مسلمانان جهان از صمیم قلب مبارکبادمیگویم.

مفهوم واقعی چنین روزهای فرخنده ومتبرکاین است که‌ما باید همواره به‌عمق و حقیقت سنن‌انسانی دین مقدس اسلام توجه کنیم وبدانیم که جهاد ماعلیه‌ظلم ،تبعیض ونابرابری پایان ناپذیر است واین هدفها بـر آورده‌نمیگردد، مگراینکه مادر شروع هر کاری باید بجهاد بانفسهای خویش برخیزیمو باو رکنیم که‌بزرگترین قربانی ها، قربان شدن در راه عقیده وایمان ،درراه آزادی، شرف وحیثیت‌انسانی است .

اکنون که ماهمه درقبال جامعه خود وجامعهٔانسانی مسوولیت هایی داریم باید بدون‌شك وتردید متیقن باشیم که رسالت اشخا صـدارای عقیده وایمان درتمام اعصار جستجوو کشف راه هائیست که بتواند سعادت عمومی‌یك جامعه راضمانت کنـدوتنها در سعاد ت عمومیست که سعادت‌فردتضمین شد ه‌میتواند.

آرزوی من‌این است که‌بهمهٔ‌ماتوان آن‌نصب‌گردد که بااحسا سات برادری وبرابـری و صمیمیت بتوانیم درراه‌تعالی وطن عزیزخویش‌خدمت نمائیم ودر راه رضای خدای بزرگ(ج) وجهاد بانفسهای خویش مؤفق وسر خـر وگردیم.

درخاتمه یکبار دیگر این عیدسعید اضحی رابه هموطنان عزیز وکافهٔ مسلمانان جها ن ازصمیم قلب تبریك میگو یم وسعا دت‌شمانراتمنا دارم .



بناغلی رئیس دولت وصدراعظم پس ازنماز عید با معاونان صدارت عظمی مصافحه فرموده تبریکیه آنان رامی پذیرند.



بناغلی‌محمدداؤدرئیس دولت وصدراعظم‌وبناغلی‌پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی حین امضاء پرو توکول‌تمدید معاهده بیطرفی وعدم تجاوز متقا بلـه بین افغانستان واتحاد شوروی.

اختصار وقایع مهم هفته

بناغلی محمدداود رئیس دولت وصدراعـظم نماز عیدسعیداضحی راساعت ۹ صبح ۲۱قوس درمسجد ارگ ریاست جمهوری به امامـت خطیب مسجد ارگ جمهوری اداء کردند .

رهبرملی مابعدازادای نمازبرای رفاه وآرامی ملت مسلمان ونجیب افغان وترقی افغانستان عزیز درپرتو نظام جمهوری وپیشرفت وتعالی عالم اسلام دعا نمودند .

• • •

دوره دوم مذاکرات بناغلی محمدداودرئیس دولت وصدراعظم‌وبناغلی پودگورنی صدرهیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی کـه بـه تعقیب مذاکرات ۱۸ قوس زعمای دوکشور روز ۱۹ قوس نیزسه ساعت رادربرگرفت درفضای نهایت صمیمانه ودوستانه انجام یافت .

بعدازختم‌مذاکرات بناغلی محمدداود رئیس دولت وصدراعظم‌وبناغلی پودگورنی صدرهیأت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد شوروی پروتوکول تمدید معاهدهٔ بیطرفی وعدم تجاوز متقابلـه بین افغانستان واتحاد شوروی را برای مدت ده سال دیگر امضاء کردند .

اعلامیه مشترك افغانستان و اتحاد شوروی درختم مسافرت بناغلی ن.و. پودگورنی صدر هیأت شورای عالی اتحـاد جما هیر شوروی سوسیالیستی در جمهوریت افغانستان بتاریخ ۱۹قوس ۱۳۵٤ مطابق ۱۰ دسامبر ۱۹۷۵ در کابل وماسکو صادر گردید .

• • •

ازطرف بناغلی محمدداود رئیس دولـت و صدراعظم ساعت هشت شب ۱۹ قوس‌ضیافتی به افتخاربناغلی نیکولای پودگورنی صدرهیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در تالار وزارت امور خارجه ترتیب گردیده بود.

• • •

بناغلی محمدداود رئیس دولت وصدراعظم ساعت یك‌ونیم‌بعدازظهرروز ۱۹قوس‌درضیافتی اشتراك نمودند که ازطرف بناغلی نیکـولای پودگورنی صدر هیات رئیسهٔ شورای عالـی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به افتخار شان درقصر چهلستون ترتیب شده بود.

• • •

بناغلی نیکولای پودگورنی صدر هـیأ ت رئیسهٔ شورای عا لی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پس ا ز یـك مسافرت رسمی ودوستانه ازکشور ماعصرروز۱۹قوس ازکابل عازم مسکو گردیدند .

بناغلی محمدداود رئیس دولت وصدراعظم مهمان محترم شان بناغلی پودگورنی راازقصر چهلستون تامیدان هوایی بین المللی کابـل همراهی نمودند .



بناغلی رئیس دولت وصدراعظم هنگا م‌مصافحه بابناغلی پودگورنی صدر هیـا ت رئیسه شورای عالی اتحاد جما هیر شوروی‌سوسیالیستی درقصر ریاست جمهور ی .

پیک ژوندون

دولت جمهوری افغانستان بر پروگرامهای‌معارف تجدیدنظر نموده وآنهارااصلاح خواهد کرد برای امحای بیسوادی عمومی وایجادتحول‌فرهنگی درمملکت براساس فــرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود ونسل جوان را بـاتقوی وباروحیهٔ وطن پرستی وخدمـت بمـردم پرورش خواهد داد .

ازبیانات رئیس دولت وصدراعظم

پنجشنبه ۲۷ قوس ۱۳۵٤ـ ۱۵ذیحجه ۱۳۹۵ـ۱۸ دسامبر ۱۹۷۵

امتحانات سالانه

امتحا نات سالانه مکاتب‌سردسیر به‌پایان رسید وشاگر دان با اعـلام نتایج امتحان ثمره یکسال کار وـ فعالیت شانرا اخذ کردند.

نتایج که‌برای عده از آنها مطلو ب است ورضایت بخش وبرای عده‌هم تلخ ونا مطلوب .واین بخا طرسهل انگاری وعدم پیگیری در آمو زشـ دروس وفرا گیری بهتر ویا عوا مل گونه گون دیگر میبا شد.

قدر مسلم اینست که موفقیـت د ر هر کار بستگی به‌سعی و تلا شـ دوامدار، دارد. پیروزی چیزی‌نیست که‌خود بخودی بسراغ آدم بیا یـد بلکه سعی وزحمت زیادرا ایجا ب میکند وچه بسا که همین طعم تلخ عدم مو فقیت درهای پیرو زی وـ موفقیت رادر برابر انسان میگشاید.

وشخصی رابه کار بیشتر وتلاش متداوم وامیداردودربرابر آزمون‌های آینده بشکل جدی تر قرار مید هد..

در مو فقیت شاگرد، علاوه‌برکار وکوشش خودش شیوه آمـو ز شـ تدوین پرو گرام های منظم وبهتـر درسی، فراهم آوری تسهیلات مزید درامور درسی وممد درسی وبالاخره تجربه، مربیون ونحوه آموزش‌تاثیر فوق‌العاده وبسزایی داردبدینتر تیب اگر آموزگار مو فق باشد وپروگرام های درسی رابوجه‌مطلوب وشایسنه تطبیق کند، لابد شاگرد مو فـق خواهد بود ونتیجه مثبت بد سـت خواهد آورد.

بدینگو نه هر قدر میزان‌کامیابی دریك صنف ویا مکتب بیشتر باشد بهمان پیمانه مر بیون وشا گردان درپیشبرد دروس مو فق بوده اندو بلنـد ز فتـن گـراف مـو فقیت شاگردان ،محصول سعی‌و کو شش هردو جانب میباشد.

از قرار معلوم نتایج امتحا نات سالانه امسال مکاتب ولا یا ت سرد سیر کشور بسیار مو فقیت آمیزو مطلوب بوده است ویکعتداد زیـاد شاگردان بانتایج خوب‌به صنف‌های بلندتر ترفیع نموده اندکه البته‌این نتیجه گیری مثبت در اثر تطبیـق ریفورم های تعلیمی جدید معا رف بدست آمده است‌بخصو ص که‌نحوه تدریسی وطرز امتحان برای‌متعلمان صنف دوازدهم شکل تازه دا شتـه است .بهمین اسا س برای‌متعلمان که‌در امتحا نات صنف دوازدهـم موفق‌شده اندوخواهش‌شمو ل رادر پوهنتون دارند،نیز تسهیلات فراهم گردیدکه‌ازهمه‌مهمتر تعیین‌رشته‌های اختصا صی پوهنځی های ساینس واجتما عیات درامتحان کا نکور می باشد. درینصو رت‌علا قه‌ودلچسپی محصل ازیکطر ف واستعداد او در رشته های متذکره از طرف دیگـر به‌نحوی بهتری محك زده میشود .

البته این تجویز تازه پو هنتو ن نیز یکنوع ریفورم‌درزمینه امتحان‌کانکور پوهنتون ودر نهایت تعیین رشتـه مورد علاقه محصل بیك شکل بهتر میباشد.

امید واریم با تطبیق تدریجـی ریفورم های تعلیمی ،معارف‌مابیشتر ازپیش گامهای مؤثر در راه آمو زش بهتر وتعمیم تعلیم وتر بیه در کشور بردارد .

خبرهفته

باساس مشی دولت جمهوری برای دوصدو بیست خانواده بی زمین دیگر دروادی هلمند زمین توزیع گردیده است .

منبع علاوه کرد همچنان توزیع زمین بـرای نه صدوهشتاد خانواده دیگردر پروژه‌انکشاف وادی هلمند ادامه دارد .

به‌ارزش‌چارده ملیون وسه‌صدوهشتادوهفت هزارافغانی کود کیمیاوی وگندم اصلاح شـده ازماه عقرب تا۱۵قوس امسال به‌زارعین ولایت پروان طورقرضه تـوزیع شده است .

یك منبع نمایندگی بانك انکشاف زراعتی درولایت پروان‌گفت‌که به منظور بلند رفتـن سطح حاصلات زراعتی یك هزارویکصدوشصت تن‌کود وبیش ازیکصدوبیست وپنج تن گندم اصلاح شده بذری برای استفاده درکشت تیر ماهی بدسترس زارعین گذاشته شده است .

• • •

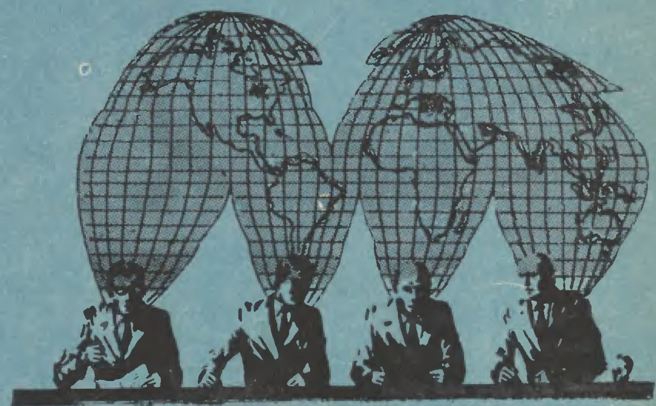
دوکوپراتیف زراعتی بمنظور جمع آوری و صدور محصولات زراعتی روز ۱۸ قـوس در ولسوالی سنگ چارك توسط والی جوز جان افتتاح شد .

یك منبع آن ولایت گفت: این کوپراتیف هاباساس قانون کوپراتیف ها تشکیل شـده است .

کوپراتیف تکزار بسرمایه ابتدایی دوصـد هزار افغانی وبعضویت نود باغدار وکوپراتیف اتفاق به سرمایه ابتدایی دوصدونود وهفـت هزار افغانی باشمولیت دو صدوهفده عضـو تشکیل گردیده است .

منبع افزودکوپراتیف هامطابق بر اساسنامه فعلابصدور کشمش پرداخته ودر آینده بـه صادرات سایر محصـولات زراعتـی مبادرت می ورزند .

ښاغلی محمدگل نجیب والی جوزجان هنگام افتتاح کوپراتیف ها گفت ولسوالی سنگچارك ازلحاظ تولید کشمش ومحصولات زراعتی غنی بوده وسالانه مقدار زیاد تولیدات آن در بازار هاعرضه میگرددکه باتاسیس کوپراتیف ها زمینه بیشتر مفاد مولدین متصور است .



وقایع مهم سیاسی هفته

ازشفیع را حل

سفر رئیس جمهور فرانسه به مصر

سفر (ژیسکارددستن) رئیس جمهور فرانسه به مصر که روز چهار شنبه پایان یافت برای طرفین مثمر ثمر واقع گردیده وتا ثیرات طویل المدت آن بر سیاست شرق میانه احساس خواهد گردید.

برای مصر این سفر دارای چندین نتیجه ی مثبت بود که توقع آن قبل ازآغاز سفر برده نمیشد. رئیس جمهور فرانسه که برای اولین بار به یکی از ممالك عربی شرق میانه و همسایه اسرائیل به سفر پرداخت به انور سادات رئیس جمهور مصر وعده داد تادر قسمت تاسیس فابریکات تولید اسلحه همکاری نماید.

مبصرین سیاسی اظهار عقیده می کنندکه مصر به کمك عربستان سعودی ،کویت، بحرین وفدراسیون امارات عربی یك هزار مليون دالر سرمایه رابرای تاسیس فابریکات تولید اسلحه تخصیص خواهد داد برای مصر این فابریکات نه تنها کار بیشتر پیدا خواهد کرد بلکه خود مصر رااز نظر اسلحه متکی بخود ساخته وهم زمینه صادرات رابه سایر ممالك شرق میانه میسر خواهد گردانید.

اگر چه نوعیت اسلحه ومقدار آن هنوز تثبیت نگردیده اما مسلم است که مصر به ساختن آن نوع اسلحه علاقمند است که از یکطرف احتیاجات خود آنرا مرفوع ساخته بتواند واز جانب دیگر ازاسلحه ایکه اسراییل میسازد عقب نماند.

چون عجالتا کمك نظامی اتحاد شوروی به مصر قطع شده است بعضی ها باین عقیده اندکه بعید نخواهد بودکه روزی مصر طیارات (مگ -۲۱) خود را باماشین های (دیسالت) فرانسوی ویا «رولز رایس» برتانوی قوت بدهد درجهان غرب شاید فرانسه یگانه مملکتی بوده باشد که حاضر شد فابریکات سلاح سازی به مصر بدهد.

نگاه سیاسی

از نظر سیاسی نیز سفر رئیس جمهور فرانسه به مصر حایزاهمیت میباشد باتمام فشاریکه امریکا بالای اسراییل برای تخلیه سینا آورد مصر توانست صرف یك برپنج شبه جزیره سینا را ازحلقوم اسراییل اشغالگربدر آورد. اما هنوز همچهار برپنج حصه سینا بدست اسراییل است ومصر چارهٔ جز این ندارد که دیپلوماسی اشرا بتمام شدت برای تخلیه کردن تمام سینا ازدست اسراییل بکار بیاندازد.

چون انتخابات ریاست جمهوری امریکا پیشرو است دیپلوماسی امریکا درمورد حل معضلات شرق میانه نظر به گذشتن بطی السیر گردیده وبگمان اغلب تااخیر سال آینده عیسوی کدام ابتکار باقوت در آن دیده نخواهد شد.

دیپلوماسی مصر وفرانسه متوجه اینست تاوضع صلح را حفظ نماید ولی درعین زمان ازموقف ممالك عربی باتمام معنی پشتیبانی میکند در اثر سفر ژیسکاردستن مصر توانست دیالوگ جدید رانه تنها بین قاهره وپاریس بلکه بین ممالك عربی و فرانسه که عضو بازار مشترك اروپا نیز میباشد آغاز نماید دیالوگ قبلی اعراب ودول اروپای غربی درمرحله اول به ناکامی انجامید.

فایده فرانسه

درتمام این معاملات مفاد حاصله فرانسه هم ازنظر مادی وهم ازنظر نفوذروز افزون نباید بدیده قلیل دیده شود فرانسه دربین دول غربی اولین مملکتی است که اززمان دوگول فقید باینطرف قوت ممالك عربی را مطمح نظر داشته است هم از نظر نفت و پول وهم از نظر وسعت مارکیت ممالك عربی به مراتب قویتر از اسراییل اند برای اسلحه تولیدی فرانسه واشیای صنعتی آن بهتراز ممالك عربی مارکیتی در دنیا وجود ندارد اعراب امروز باپول نقد معامله میکنند. سخت متوجه انکشاف ممالك خوداندودرمراودات خودمملکتی راترجیح میدهند که مشکلات سیاسی شانرا فهمیده واز آنها پشتیبانی نماید.

فرانسه در چند ماه اخیر این پشتیبانی اشرا به چند شکل تبارز داد:

* کورد ومورویل را برای میانجیگری صلح به لبنان فرستاد.
* وزیر خارجه فرانسه باياسر عرفات رهبر فلسطینی ها ملاقات نمود.
* بر خلاف امریکا ودیگر ممالك غربی ،عکس العمل ضعیف در مورد تصمیم ملل متحد مبنی برمساوی قرار دادن صهیونیزم باتبعیض نژادی نشان داد.
* موقف فلسطین ها را در مورد حق تاسیس یك دولت فلسطینی تایید نمود.

پیام بخوانندگان

وقتیکه من قدمهای بنیادی واساسی میگویم، همه چیزآن متناسب به امکانات مالی وهمکاری مردم افغانستان است .ازینرو این طوراطمینان دادن که دریك روز یا یکسال یاچند سال همه مشکلات حل می گردد ، مبالغه کرده خواهیم بود واگرشما هم فکر کنیدکه دریکسال مملکت آباد میشود مبالغه خواهد بود .

پس سعادت یك مملکت مربوط بهمت عالی مردم آن است .اگر نزد مردم آن یك ایدیالوژی ویك مفکوره ملی توام باخود گذری ، حس فداکاری وایثار موجود باشد بدانید که آن ملت به یاری خدای بزرگ روزی به هدف نهایی خود خواهد رسید .

باید بدانیم دراین دنیاییکه ماوشمازیست میکنیم، یك ملت نمیتواند بحال فقر ، فلاکت وغربت بسر ببرد .

امروز هر فردیکه خودرا ، اولاد این خاك میداند وذره عشق وعلاقه بوطن دارد وظیفه اساسی ، ایمانی و وجدانی اوست که برای سعادت افغانستان به طیب خاطر قربانی دهد ، تانسلهای آینده سر فراز و آسوده زندگی کرده بتواند ، تااین نسل ، برای سعادت ملی ،خود راقربان نکند ، تااین نسل از خود غرضی ها وخود خواهی هانگذردوتاروزیکه بحیث یك برادر بدون تبعیض ،بحیث یك ملت دورهم جمع نشوند ومتحد نشوند تاآنزمان سر نوشت شان خوار وزار خواهد بود .

جوانان عزیز !

برای شما خطاب میکنم !

برای اینکه سر نوشت آینده این وطن بدست شماست !

اگر خواسته باشید یا نخواسته باشیدقهرآ مکلف هستید سر نوشت آینده این خاك را بدست خود بگیرید .

پس ای جوانان عزیز !.

ای فرزندان عزیز ! خودراآماده خدمت سازید ووقتی شایسته خدمت شده میتوانید که علم بیاموزید صاحب یك ایدیالوژی ملی ووحدت فکر وعمل باشید .

برادران ! ایدیالوژی های وارد شده هیچگاه به تنهایی بدرد یك ملت نمی خورد ، ملت مرد وقهرمان ، آن ملتی است که از آن همه ایدیا لوژی هاازهمه دنیا چیزهای بهتری که موافق به عنعنات ملی ، منافع ملی ومعتقدات دینی آن باشد استخراج و جمع آوری نموده بفکر ودماغ خود برای خویشتن ووطن خویش ایدیالوژی نوی راخلق کند که درپرتو آن راه سعادت واعتلاء رابه پیماید .

فرزندان عزیز !

بازهم برای شما میگویم واین راکاملا به قلب خود داشته باشید که خواسته باشید یانه. سرنوشت این ملت قهرا بدست شماست . خوشا بحال ملتی که جوانان فهمیده ، بادین و ایمان داشته باشد . لذا به شما جوانان میگویم که وظایف نهایت سنگین دارید و باید مسئولیت خودرا درین راه خوب احساس کنید، چه کسی که مسئولیت راقبول نمی تواند آنرا نیز انجام داده نمی تواند . پس شما باید به آینده وطن تان فکر کنید ، محرومیتهای کشور را مطالعه کنید ،درد های افغانستان را بدانید ، این وطن برای خوش گذرانی یك طبقه خلق نشده است. چه زندگی یك ملت مربوط به یك طبقه خاص نیست بلکه مربوط به قاطبه مردم آنست که ملت را تشکیل میدهد تا وقتیکه ملت راضی نباشد ،از حکومت پشتیبانی نکند هیچ زمامدار هیچ حکومت وهیچ دولتی حتی سنگی رابالای سنگی گذاشته نخواهد توانست . شما یقین داشته باشید که امروز بزرگترین و مقدسترین وظیفه انقلاب دولت جمهوری اینست و خواهد بودکه ماچطور وبه چه صورت برای قاطبه ملت خویش خدمت کرده و شکل زندگی شانرا بهتر کرده میتوانیم ، هدف ماهدف مقدس است واینکار دشوار از قدرت یك شخص بیرون است . وقتی این هدف عالی برآورده شده میتواند که هدف خود، درد خود ومقصد خودرا تشخیص کرده بتوانیم وبدون تبعیض بحیث برادر وبرابر به سر منزل مقصود برسیم .



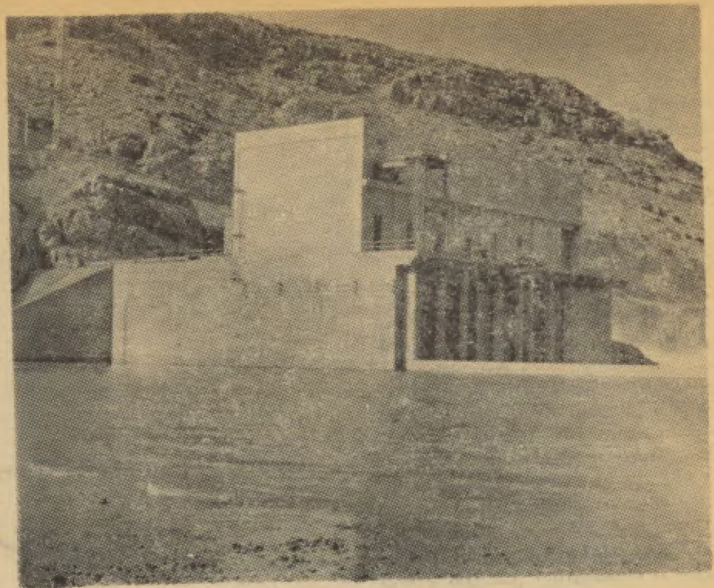




درین شماره

شرح عکس روی جلد رالطفا به صفحه ١٧ مطالعه فرمائید.

عکس روی جلد شماره گذشته از سرار



دور نمایی ازدستگاه تو لیدی برق کجکی

از گل احمد زهاب نوری

کجکی

به ظرفیت تولیدی ۴۹۵۰۰ کیلو وات برق

سرازین شماره، هر هفته دری بیکی ازپروژه های بر ق می زنیم و گزارش های جالبی در باره موقعیت مقدار تو لید و تا ثیر اقتصادی آنها برای شما گرد می آوریم ...

دستگاه برق آبی کجکی، بربالای دریای هلمند قرار دارد. آب دریا در قسمت کجکی به حد اعظمی مقدار خود میرسد، کاسه بند ذخیره آب کجکی فعلا بیش ازیك ملیاردوهشت صد ملیون متر مکعب آب دارد.

دستگاه برق کجکی از لحاظ اقتصادی ارزش زیادی دارد، ازنیروی برق این پروژه در ولایات هلمند و کندهار استفاده به عمل می آید.

برق کجکی درانکشاف صنایع تولیدی رامستهلاکی این دو ولایت نقش مهمی دارد، چه در پهلوی تنویر این دومنطقه زمینه بکارافتادن فابریکات رابه حد اعظمی تولید فراهم ساخته واز نصب و مصرف ماشین های تولید برق دیزلی جلوگیری می کند.

یك منبع ریاست عمومی واحد آب وبرق دربرابر سوالی پیرامون پروژه برق کجکی گفت.

ـ کار مونتاژ ونصب توربینهای این دستگاه دو سال قبل مطابق پروگرام انکشافی دولت آغاز گردیده بود که ظرفیت تولیدی نهایی آن به سی وسه هزار کیلو وات درآن پیش بینی شده است.

منبع افزود:

ـ درقدم اول تمدید لین برق تامرکز ولایات کندهار و هلمند برای استفاده فابریکات صنالعتی وتنویر این دومحل به طول دوصدونزده ـ کیلو متر شامل پروگرام است. که درآینده نزدیك تکمیل و فعال می گردد.

به قول همین منبع مصارف مجموعی پروژه برق کجکی در ساحه تمدید لینهای آن، تامرکز هلمند وکندهار به بیست و چهار ملیون دالر یا سه صدو هفتاد ملیون افغانی می رسد.

منبع علاوه کرد:

با فعال شدن دو توربین برق کجکی پروژه مذکور آغاز به کار نموده ومصارف آن توسط دولت جمهوری افغانستان وایالات متحده امریکا پرداخته شده است.

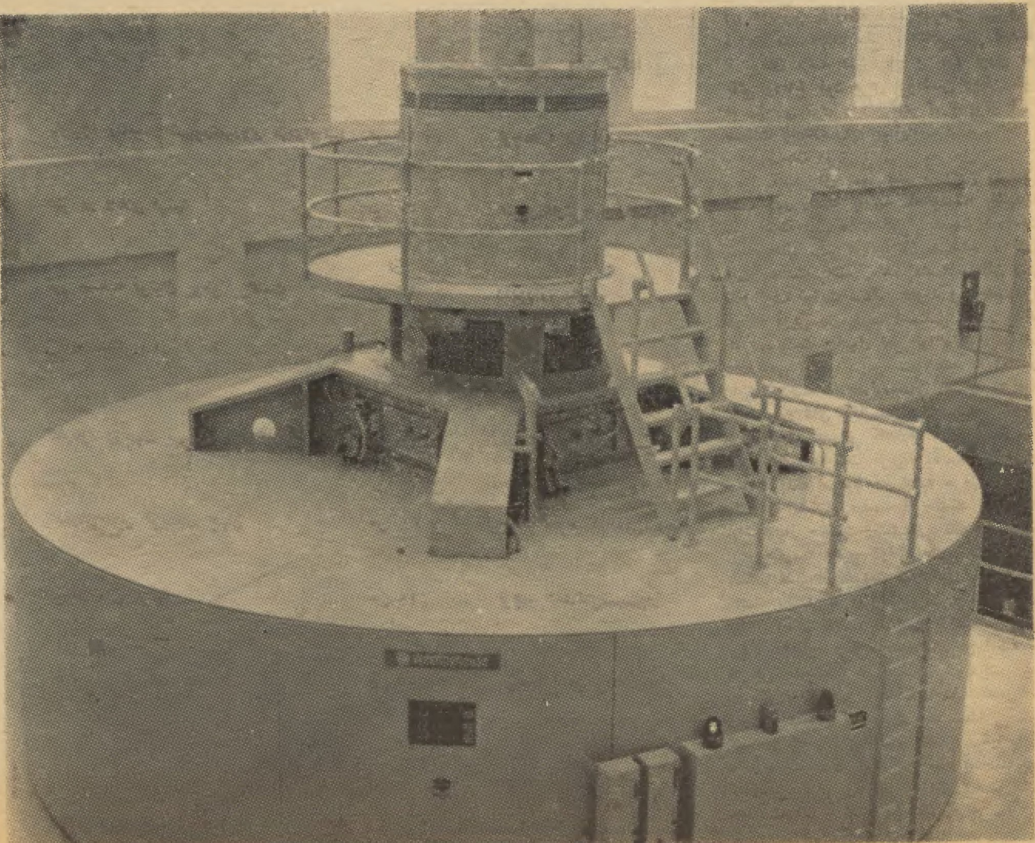
چهارده ملیون دالر مصارف اسعاری این پروژه، از چوکات قرضه ای اداره انکشافی امریکا ویکصدوهشتادوشش ملیون افغانی مصارف داخلی آن، ازبودجه انکشافی دولت تمویل میگردد.

منبع علاوه کرد

ـ البته نصب و بکار انداختن توربین سوم این پروژه نیز شامل پروگرام ماست، که با فعال شدن توربین سوم کجکی، ظرفیت نهایی تولیدی آن به چهل و نه هزاروپنج صد کیلو وات برق میرسد.

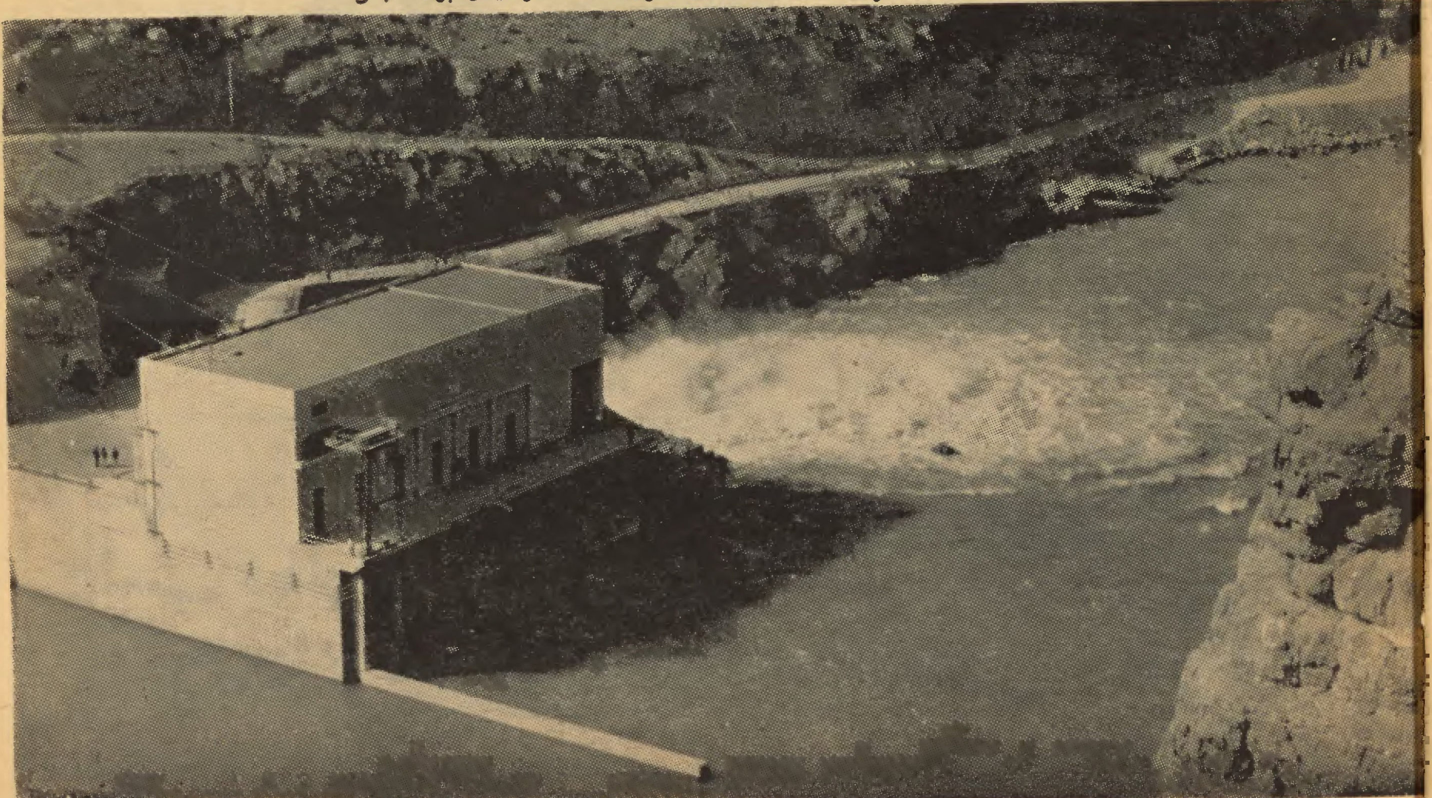
منبع درمورد، انرژی برق در کشور گفت.

ـ پروژه های تولیدی برق از لحاظ اقتصادی تاثیرات مثبتی بر انکشاف سریع کشور دارد. دولت بادر نظر داشت جنبه های اقتصادی پلانهایی پیرامون منابع انرژی برق دارد، تابا استفاده اعظمی ازین منابع درراه بهبود اقتصاد جامعه وفعال ساختن دستگاه های تولیدی استفاده گردد.



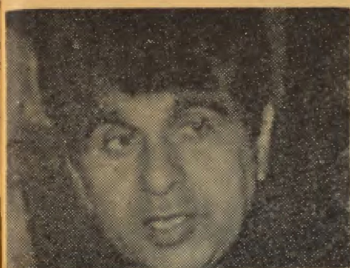
یکی از توربین های دستگاه تو لیدی بر ق کجکی که ظرفیت ۱۶۵۰۰ کیلوات برق را دارد.

گوشه از قسمت های کنترول دستگاه تو لیدی برق کجکی



منظره از دستگاه تو لیدی برق کجکی

بقیه در صفحه ۶۲



دلیپ کمار درفلم مدهوتی



دلیپ کمار پدر تراژیدی‌سینمای هند



دلیپ کمار

از فلم فیر

ترجمه خان آقا سرور

نوشته بگرام سنگهه

دلیپ کمار کیست و در طول عمر هنری‌اش در کدام فلمها روی پرده آمده است

اوکه دراوایل بمعاش سی‌ی پنج کلدارشاگرد یك کانتین بود، چگونه به‌سینما راه یافت ... روزی کف شناسی برا یـــش پیشگویی کرد که اکتور معرو فـی‌خواهی شد ...

آوان کود کی اش چگونه گذ شت ودرآینده چه میخواست بشود .

عمرهنری دلیپ کمار «یوسف ـ خان» چهره تراژیدی سینمای هند گرچه وارد سی ویکمین سال خود گردید، ولی هر گاه ازنخستین ، فلمش (جواربهاتا) که در سا ل، ۱۹٤٤ به‌بازار آمد آخرین فلمشـــ «سگینه مهاتو»هنرش را بر رسـی نماییم در هر فلم ودر هر قا لـب خویش در خشیده و توانسته است‌با توفیق کامل جایی برایش در قلبها بدست آورد .

دلیپ کمار که در فلمهـا ی ، اخیرش عموما تخنیك واحسا سـ دیالیتیك رادر هم آمیخته ومر کـب تحسین آفرینی ، راخلق نموده ، است ، در هر کجا ییکه نا می از هنر بازیگری وپاهنر پیشه بمیـان می‌آید اسم دلیپ کمار در میا نهمه مقام اول را حایز بوده واز هـــر طرفی بااحترام بی حدو حصر ی، یاد می‌شود .

ستاره های دیگر سینمای هنـد بمقایسه دلیپ کمار که هر گـــاه توفیق یابند و بتوانند دید ن چهره هایشان رابرای مد تی قا بـــل پذیرش همگانی نگهدا رند ، بدون شك در طول این مدت سی‌و یـــك سال تعداد فلمهای شان از شماره نودو پنج‌فلم تجاوز میکرد . ولـــی دلیپ کمار که درپهلوی جمع آوری پول نام و شهرت خودرا نیزهمواره ازنظردور نداشته است ، تا حال ، در کمتر از پنجاه فلم روی پرده آمده است .

زیرا وی همواره ازسیل پیشنهادات فلمسازان تنها وتنها به آنا نـــی جـواب مثبت می گفت که سنار یو ویاداستان فلمش میتوا نست چنگی بدل این سمبول ترا ژیدی بـز ند ، و غلط نخواهد بـود ، اگر بگو ییم فلمـی که ببازار می آمـد و رو ی ریکلام آن دلیپ کمار نو شته‌میبود مردم برای دیدن آن‌فلم سرو دست می شکستند ، کـه این رش تما شا ـ



دلیپ کمار در مسابقه کر کـــت دربمبی

چیان بخاطر آن نبود که فلمی ر ا می نگرند ، بلکه عمله ایشا ن‌ازآن بودکه بتوانند دلیپ کمار را یکبار دیگر به‌بینند .

فلمهاییکه در سال ها ی ۱۹٤۰ مانند «دوشهید ، انداز ، دیدار، داغ نیادور ومد هو متی» ازین هنرپیشه ببازار آمد ، در هر فر صتی بـــه منزله سر مشق ستار گان‌بیشمار، سینمای هند بوده و از هر قسمت تمثیلی این فلمها استفاده مــــی برند . چنا نچه همین امروزچهره های تازه به شهرت رسیده سینمای هند مانند « راجیش کهنه و امیتا بچن» نیز از مکتب دلیپ کمـــار به افتخار کامل پیروی می نمایند.

اگر چه‌فلمهای (ترانه ، امر،فوت پات یهودی، لیدر ،دل دیادر دلیا، سنگهرش وداستان) نتوا نســـت آنطوریکه انتظار برده می شد برای بازیگر رول اول افتخارا ت فو ق‌ـ العاده یی بار آورد و با زار عایدات بــرای سازنده گا نش بـــد ست بیاورد ولی با آنهم نه‌تنها د لیپ از تمثیل خود دراین فلمها نارا ضی نیست ، بلکه فلمها یش هم‌توانست مصرف فلم رابایك دستمزد کمتر بجیب سازنده فلم سرازیر سازد. مگر فلمهایی چون «آن ، ارو ن ـ کهتولا ، مغل اعظم و انداز»توانست برای مد تی بیشتر از هفتادو پنج



۳ ـ دلیپ وویجنتی ما لا در فلم‌نیادور

هفته روی وترین یك سینما بــه نمایش باشد .

دلیپ کمار که خوش دارد،همیشه تنها باشد و بزندگی قسما تراژیدی خودش بیندیشد توانسته اســـت درین او اخــــر تـــرا ژیـد ی راطوری بازآفرینی کند که عیـــن حقیقت است نه باز تابی‌یی ازحقیقت که در فلمهای قدیمی اش آنقـــدر مسحور کننده نبود، زیرا چنا نکـه خودش هم می گوید تجارب طبیعی حیات کمتر در هنر بازیگری قدیمه اش دخیل بوده است .

دلیپ کمار که در رولها یش در واقع‌زند گی می کند ،حتی در دو، رول مختلف مانند (رام اور شیام) آنقدر دقیق‌تمثیل نموده است ، که واقعا دو شخص جدا گانه یی بـوده اند که‌ابدا بیکدیگر شبا هت‌نداشته وندارند ، که‌مثال های زنده یـی ازین‌قبیل تمثیل احساسی وریالیستک وی رادر کلمه فلمهایش‌ومخصوصا «سگینه مهاتو ، مسا فر، دیوداس گنگاو جمنا » و غیره بـو ضا حـت تام مشا هده شده می تواند .

دلیپ کمار که سینمارا میخواهد نمایشگر داستانهای غیـــــر از موضوعات مرو جی‌و میان تهی‌بوده طرفداران زیادی داشته‌وهنوزهم‌دارد پس نبایدخودرابسایه دیوارکناره‌گیر ازنظر ها ناپدید نموده وزیبنده ، نخواهد بود که میوه هنر ش را از هوا خواها ن ودو ستدارا ن، هنرش دریغ دارد .

این است فلمهای دلیپ کمـار که‌از سال ۱۹٤٤ باینطرف رو ی پرده آمده است باسم همباز یـان این بازیگر بی رقیب .

۱ ـ جوار بها تا ۱۹٤٤ ـ مرید الله ، شمیم
۲ ـ پراتیما ۱۹٤٥ ـ سورن لتا
۳ ـ میلن ۱۹٤٦ ـ میرامسیرا، رنجنا
٤ ـ جگنو ۱۹٤۷ نور جهان
٥ ـ انو کهاپیار ۱۹٤۸ نورجهان نرگس ، نالینی جیونت
٦ ـ گهر کی عزت ۱۹٤۸ ممتاز شانتی
۷ ـ میله ۱۹٤۸ نر گس
۸ ـندیا کی پار ۱۹٤۸ کا منی کوشل
۹ ـ شهید ۱۹٤۸ کا منی‌کوشل، لتاچتنیس
۱۰ ـ انداز ۱۹٤۹ نر گس ، راجکپور
۱۱ ـ شبنم ۱۹٤۹ کا منی‌کوشل
۱۲ ـ آرزو ۱۹٥۰ نر گــس ، منور سلطا ن
۱۳ـ بابل ۱۹٥۰ نر گس
۱٤ ـ جو گن ۱۹٥۱ نرگس
۱٥ ـ دیدار ۱۹٥۱ نر گــس، آشوك کمار
۱٦ ـ هل چل ۱۹٥۱ نر گس
۱۷ ـ ترانه ۱۹٥۱ مدهو بالا

۱۸ـ آن ۱۹٥۲
نادره- نمی
۱۹ـ داغ ۱۹٥۲
نمی- اوشاکرن
۲۰ـ سنگدل ۱۹٥۲
مدهوبالا
۲۱ـ شکست ۱۹٥۳
نالینی جیونت
۲۲ـ امر ۱۹٥٤
مدهوبالا ـنمی
۲۳ـ فوت پات ۱۹٥٤
مینا کماری
۲٤ـ آزاد ۱۹٥٥
میناکماری
۲٥ـ دیوداس ۱۹٥٥
سچیتراس ـ ویجنتی مالا
۲٦ـ انسانیت ۱۹٥٥
بینارای ـ دیـوانند
۲۷ـ اورن کهتولا ۱۹٥٥
نمی
۲۸ـ مسافر ۱۹٥۷
سچیتراس
۲۹ـ نیادور ۱۹٥۷
ویجنتی مـالا
۳۰ـ مدهومتی ۱۹٥۸
ویجنتی مـالا

بقیه در صفحه ٤۸



دلیپ و سایره در صحنه یی از فلم‌سگینه مهاتو



لحظاتیکه باید شاگرد نتیجه ئی یکساله را ببیند .



یکی ازشاگردان درس هایش راتکرارمیکند.

از :گ ،سراب

هیجان امتحان پایان یافت

در شهر ،همه جاسخن از امتحان بود••• جوا نان از امتحان گفتگو داشتند ••• سالخور دگان، پدران ومادران نیز،برامتحان چشم دوخته بودند ••• برامتحان فرزندان شان ••• روز های امتحان فرار سید•••در صحن لیسه ها هیاهو بپاشد •.•

راستی امتحان هیجان عجیبی دارد ••• آنها ییکه درس خوانده اند ،آن هاییکه زحمت کشیده اند وآن هاییکه درطی روزهای دراز سال باز یگوشی کرده اند••• همه‌گرد می‌آیند ،برپشته میز های امتحان می‌نشینند ••• قلم‌بدست می گیرند و در آزمون پایان سال ،آنچه اندو خته اند ،بار دیگر ،بازگو می کنند •••

در امتحانات سالانهٔ مکاتب ولیسه ها، امسال یک انتظام بیسابقهٔ دیده می شد ، جوانان درپای ماه‌های تحصیل ،راضی به نظرمی رسیدند واین از اعتماد به نفس‌شان بود، از اعتماد به‌زحمات وحاصل شان‌حکایت میکرد وبالاخره از نتیجهٔ سیستم تد ریس بهتری که در سال های‌اخیر رویکار آمد•••

یک منبع وزارت‌معارف دربرابر پرسشی گفت :

ـباتطبیق ریفورم بنیادی دولت جمهوری افغا نستان ،معارف در کشور یا مفهوم وسیعی و بانتایج سود مندی موقع خدمت یافت ،همگانی شد، برروش استاد وشاگرد تاثیر انداخت ودرس بمفهوم درس ودانش آموز بمنظور فرا گرفتن دانش درلیسه هاو مکاتب آمدند•••

منبع می افزاید :

ـبا تطبیق قسمتی از پرو گرام ها ی ریفورم معارف درطی سال تعلیمی که پایان یافت ،نحوهٔ امتحان و تدریس ،استفا ده اعظمی ازوقت وبکار افتادن قوهٔ استعداد و ابتکار شاگرد ،قناعت بخش بود •توسط مکاتب ابتدایی و ارتقای دورهٔ آن ازشش صنف به هشت صنف امسال مرحلهٔ دیگری را پیمود و بیشتر مکاتب ابتدایی دارای صنوف ارتقایی هشتم شدند ،که البته این امردر بلندبردن سطح دانش وفکر اطفال مؤثر ونهایت سودمند است •

منبع افزود :

ـدر ساحهٔ معلمان‌مکاتب ابتدایی که‌اساس تحصیل جوانان را تشکیل میدهد ،نیز وزارت معارف توجه داشت ،بکار گماشتن معلمان ورزیده و مجرب در مکاتب ابتدایی برای رهنمایی درست‌شاگردان یکی ازاهداف این وزارت بود •

منبع علاوه میکند :

ـدر ساحهٔ لیسه ها، به اساس ریفورم معارف ،رشته های ساینس و اجتما عیات در صنوف دوازدهم تعیین شد و ازشاگردان بعضی لیسه های مرکز که شقوق ساینس و اجتما عیات آن ها جدا گردیده ،امتحان اختصا صی طوری گرفته شد ،که هرگروپ از متعلمان رشتهٔ ساینس ،مضا مین مربوط و هرگروپ از شا گردان رشتهٔ اجتما عیات مضامین اختصا صی خودرا امتحان دادند•••

منبع میگوید :

ـالبته هدف از تعیین رشته در صنوف دوازدهم این است ،تا جوانان در پایان تحصیلات ثانوی ،به شقوقی که استعداد و علاقه دارند ،رهنمایی‌و تشویق گردند•••

منبع وزارت معارف در پاسخ پرسشی دیگری میگوید :

ـکانکور پو هنتون که درین روز هاادامه دارد ،بصورت اختصا صی به دو قسمت ساینس و اجتماعات صورت می گیرد و جوانان مطابق ذوق و معلومات خود در قسمت مورد نظر حصه می گیرند •••

یک منبع ریاست تدر یسات ابتدایی وزارت معارف میگوید:

ـامتحان مکاتب ابتدایی مرکز وقسمتی از ولایات سرد سیر پایان یافت وشاگردان فعلا از رخصتی های زمستانی خود استفاده میکنند •••

... لیسه هانیز روز های آخرامتحان را سپری کردند . یکی ا ز شاگردان لیسه رابعهٔ بلخی در پایان امتحان تاریخ ،گفت:

ـانگیزهٔ رقابت بین دختران در صنف و درس خواندن بصورت صحیح و بالا خره امتحان حقیقی سبب شده‌بود ،تاتمام شب هارا تالحظه های‌پاین شب به‌درس خواندن بگذرانم •••البته مانند من سایر دخترانی که آرزوی کامیابی را داشتند ،سر سختانه به تلاشس آموختن درس‌های شان بودند•••

وی افزود :

ـروی همرفته در امتحانات امسال ارزیابی درست ،برای گزینش شاگردان لایق و بااستعداد ،صورت گرفت سوالات امتحان طوری تنظیم شده بود ،تا مقدار آموزش شاگردان ،از آنچه که‌درطی سال خوانده بودند ،بررسی شده بتواند .

یک منبع لیسه نادریه گفت :

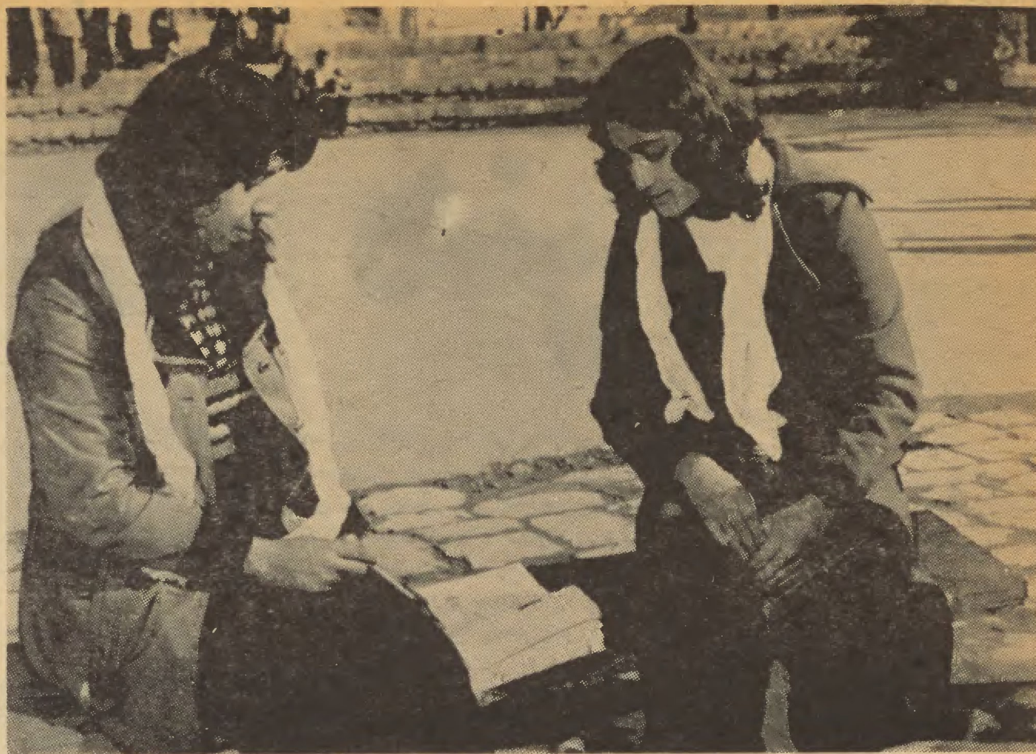
ـشاگردان روز های آخر امتحان را میگذرانند و مابرای اینکه به سرعت بتوانیم نتایج عمومی را بدست بیاوریم وبه فارغان موقع اشتراک در کانکور را بدهیم ،ارزیابی نمرات را رویدست داریم .نتایج امسال قناعت بخش است و ازعلاقمندی شاگردان حکایت میکند .

لیسهٔ حبیبیه امسال دو گروپ فارغان دارد ،دررشته های اختصاصی ساینس و اجتماعیات .

یکی از شاگردان این لیسه در آخرین‌روز امتحان میگوید :

ـدرسال های قبل وقتی کانکور رامدنظر می گرفتیم ، بادلهرهٔ عجیبی روبرو میشدیم اما امسال آنطور نیست ،چه هر دسته‌می توانند ،مطابق معلومات خود در رشتهٔ اختصاصی کانکور شرکت نمایند ...

درین روزها هیجان امتحان لیسه ها در شهرکابل پایان یافته است و روز های استراحت و تعطیل را شاگردان آغاز نموده‌اند ...



آمادگی برای امتحان، همه شاگردانرا به‌خود مصروف ساخته است .

یکی از استادان لیسه جمهوریت در مورد سوالات امتحان گفت:

ـالبته امتحان یک ارزیابی است ،که منظور ازتحصیل دانش آموزی است ،که استاد از زحمات یکسالهٔ خود میکند ومنظور از امتحان این نیست که شاگردباید فقط برای امتحان درس بخواند وبس ... بلکه این مرام درطی سال تعلیمی بر آورده می شود ...



شاید اینها همه با پیروزی وموفقیت امتحان راسپری کرده باشد .

دامریکی په پوهنتونونو کښې

دمتین ژباړه

گرافیک هنر

څوکاله دمخه یو امریکایی هنری منقد دپوهنتون دمحصلینو دگرافیك آثارو دنندارتون له کتنی نه وروسته دهغوی دهنری استعـدا دو نـــو او ابتکا رونو دستاینی په باب یوه‌مقاله ولیکله او افسوس یی ځرگند کړچه ولی له دو مره ذوق او ابتکار سره سره چه نوموړی‌محصلین یی‌دگرافیك هنر په باره کښې ځرگندوی دهغوی دهنر ارځښت ته پوره پا ملرنه نه کیږی . دغـه انتقاد نن هـم تر یوی اندازی پوری مصداق لری . ددی‌سره سره دهغو ذوق لرونکو هنر مندانو شمیر چه په دی ځانگه کښې فارغ التحصیل کیږی ورځ په ورځ‌زیاتیږی معمولا هغه کسان چه په امریکی‌کښې دگرافیك هنر په ځانگه کښې کار کوی ضرو ری یو هنتو ن لیدلی اود ښکلیو هنرونو په ځانگه کښـــــی لیسانس او یا دلیسانس نه پور تـه تحصیلات‌لری. دوی غالبادلیتوگرافی، حکاکی ، سیلك اسکرین او سترچاپ او دعکاسی دټولو تکتیکونو په ځیر دگرافیك په ټولو ځانگو کښې‌پراخه معلومات او پوره تجربی لری. اوس نو وگورو چه دغه هنر مندان ترکومی اندازی پوری کولی شی چه په خپل کار او هنر کښې بر یا لی شی ؟



دشمالی کار و لینا دپو هنتون یو زده کوونکی دلرگی په نقشی کـــار کوی .
صفحه ۱۲

دپیژندنی سره علاقه یوه داســی پدیده نه ده چه دامریکی په یـــوی خاصی برخی پوری مخصو ص وی‌خو یو داسی مشکل دی چه دامریکـــی دگرافیك زیات هنر مندان ورســـره مخا مخ دی ، پرته له هغـو مشکلاتو چه دپوهنتون یو ماهر ورسره مخامخ دی په زړه پوری ټکی هغه زیـــات وړاندی تگ دی چه په دی ځانگه‌کښې له هنر څخه په وروستیو کلونوکښې لاس ته راغلی دی . له ۱۹٤۰کلونو څخه را په دیخوا ۆ چه دگرافیـــك ځانگه دامریکی دپو هنتو نو نـــو ددرسی پرو گرام دیوی برخی بڼـه غوره کړه . دهغو هلو ځلو په نتیجه کښې چه دگرافیك هنرونو دننداری او دخورا ښو نمونو دراټو لو لو او ساتلو دپاره وشوی ددغـــی دو ری دچاپی کارونو په سل گونو نمو نی پاتی دی .

ددوهمی جهانی جگړی نه وروسته په امریکی کښې ددغه هنر په‌وړاندی تگ کښې خورا اغیزمن عامل دسر بازانو دزده کړی دخزانی دمرستـی قانون دی چه دهغه په اساس‌یوزیات شمیر هنر مندان چه دجگړی په علت یی دخپلی زده کړی جریان پـــری کړی ۆ دنوموړی قانون دښیگڼوڅخه په استفادی سره پو هنتو نونو تـه راستانه شول او په خپلی علاقی وړ ځانگه کښې یی زده کړی تـه دوام ورکړ ، ددغه پرو گرام داجرا په‌نتیجه کښې دچاپ او گرافیك یوزیات‌شمیر کار پیژندونکو دزده کړی له سر ته رسولو وروسته په لیسو اوپوهنتو- نونو کښې په تدریس پیل وکړ .

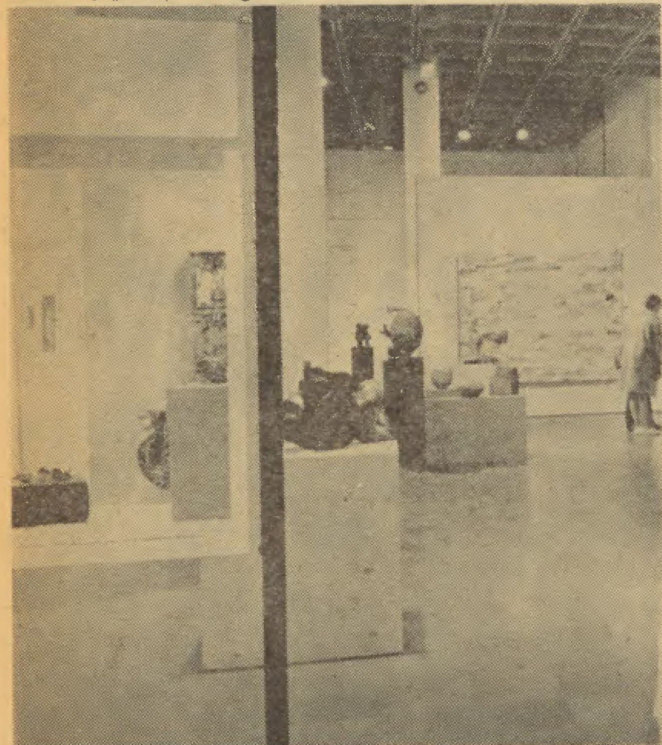
دچاپ هنر ۱۲ کاله مخکښې په چټکی سره وده وکړه چه همدا اوس هم دوام لری. دغه پرله پسی پراختیا دتکنولوژی دیر مختگو نو په مرسته سرته ورسیده او دخلکو پا ملرنه یی نوموړی هنرته را واړو له او ځرنگه چه په نورو هیوادو کښې هم‌گرافیك هنر پر مختللی یو لړ بین المللی‌لوبی په ترتیب سره جوړ یږی او دزده کوونکو هنر مندانو، عقایدو،کتابونو او هغو مجلو دراکړی ورکړی‌پروگرام عملی کیږی چه په گرافیك پـــوری تړلی وی .

دگرافیك دهنر سره دخلکودعلاقی دپارولو په اثر په ترتیب ســره لـه پوهنتو نونو څخه دنوموړی‌هنـــر دبیلو بیلو اړخونو په باره کښـــی پوښتنی کیږی او ورځ په ورځ دهغو کسانو شمیر زیاتیږی چه دچاپ او گرافیك په نندارتو نونو کښې گډون کوی .

له دی امله داسی معلومیږی چـه دیخوا په خلاف دخلکو له ناحیی‌څخه دگرافیك دهنر خواته پا ملرنه مخ په زیا تیدو ده .

ددغه هر کلی له لاری دی چه‌دنوموړی هنر په برخه کښې دهنری ځانگو یو زیات شمیر داوطلبان دگرافیـــك هنرونو په ځانگه کښې خپل نومونه لیکی او وروسته بیا په هماغـــه ځانگه کښې دلوړو علمی درجـــو داخیستلو دپاره خپلو زده کړو تـه دوام ور کوی . ننني زده کوونکـــی دپخوا زمانی دزده کوونکو په‌نسبت زیات امکانات لری او دپوهنتون په انتخاب کښې نه یوازی دزده کـــړو ځانگو ته بلکه داز مو ینځایونـــو دوسایلو ډول او ځرنگوالی ته هـم پاملرنه کوی .

دیو معتبره پوهنتون په یـــوه گرافیك ستودیو کښې یوه کتنـــه ځرگندوی چه په دی ستو دیـــو کښې دلیتو گرافی ،حکاکی، او په‌زړه پوری چاپ دپاره دچاپ له وروستیو وسایلو څخه استفاده کیږی. نوموړی زیاتی چاپ خانی دسترو چاپی‌کارونو دسرته رسولو قدرت لری او دچاپ دماشین ټول ډولونه له لاســـی ماشینونو نه نیولی تر اتو مـــات ماشینو نو پوری‌لری، په دغوستدیو- گانو کښې دغه راز دتور قلم په‌وسیله یا دلیتو گرافی او یا دسیلك‌دسکرین په روش دعکس دچاپولو وسایـــل شته په بل عبارت په دغو چاپخانو کښې هم‌دکلیشی‌جوړولو عصـری وسایل شته او هم دعکس اخیستلو دوروستی سیستم ماشینونه ، اوزده



دنوی مکسیکو دپو هنتون دزده‌کوونکو دچاپی‌آثارو دکالنی‌نندارتون یوه منظره

ژوندون

کوونکی دواړه طریقی زده کــوی . معمولا په پوهنتونونو کښی دچاپ ډول نوی او پخوانی وسایل په یو سالون کښی ږدی، په داسی حــال کښی چه پخوا په کار گاوو کښی د چاپ دسیستم یو ډول وجود در لود اوزده کوونکی دچـاپ د ډول ډول روشونو دیا دولو دپاره له یوی کار خانی نه بلی کارخانی ته .

په نوی سیستم سره یعنی په یو سالون کښی دچــــاپ دډول ډول رو شونو ، دستگاوو او ما شینو نو په راتو لولو سره زده کوونکی یــو دبل سره دټولوگرافیك هنرونوارتباط عملا رك کوی او دټو لوماشینو نــو د کاردطرز سره بلدیږی .

دگرافیك هنر زده کوونکو او ددی فن ماهرانــو ډول ډول عصــری او ازمایشی طریقی او روشونه یو دبل سره ونښلول او دهغو له ترکیـــب څخه خورا په زړه پوری آثار منځ ته راوړی . دا روحیه دهغه څه سره چه په پنځلسمه او شپاړسمه پیړی کی یی وجود در لود او دهغه په نتیجه کښی دچاپ بیلو بیلو شکلونو تکامل وموند ورته والی لری .

په هماغی دوره کښی ؤ چه دچاپی تورو اختراع په لرگی او فلز باندی دحکاکی دهنر سره یو ځای شوه او دکتاب دچاپ نوی هنر منځ ته راغی اوبالاخره دکتاب دخپرولو دستـــر صنعت دپیدایښت سبب شو، البته دتکنو لوژی بدلو نونه په همدی ځای پای ته ونه رسیدل ، څکه ورو، ورو دگرافیك دچاپ دهنر مند او ماهــر دخلاقه فکر ځای دعکاسی ډول ډول ماشینونو او وسایلو ونیو دعکاســی دپیدایښت نه مخکښی یو زیات شمیر گرافیك هنر مندان د«کار داستاد یا کسبگر» په نامه یا دیدل او دهغوی کار دهنر مندانو د آثارو کاپی کو ل او ښکاره کول وو دغه هنر مندان په واقعیت کښی دماشینونو په ځیر وو او کار یی یوازی تقلید په ژوره توگه کاپی کول ؤ او خلاقه اړخ یی نه درلود خو ددوی له جملی نه یو لږ شمیر یی گرافیك هنر مندان ؤ چه کیدای شی هغوی دچاپ او دهمردیفو مجسمی جوړولو دپخوانیو استا دانو په نوم وپیژنو ، په دی ترځ کښی دپخوانیو استا دانو په جمله کښی یو شمیر نور هم وو چه دگرافیك هنرونو په ځانگو کښی یی مهارت تر لاسه کړی ؤ . زموږ په وخت کښی چه دهنر منـــد خلاقه قدرت دگرافیك هنرونو پـــه ځانگه کښی دتکنو لوژی دنویـــو بدلو نونو څخه دگټی اخیستلوسره یو ځای شوی دی دچاپ په کار کی یی زیاته اغیزه کړی او هغه یی په مخ بیولی دی . دغه تحول له پوهنتونونو نه برته په بل هیڅ ځای کښی دیادونی وړنه دی او داسی معلومیږی چـــه ددغه پر مختگ هیجان دپنځلسمی او شپاړسمی پیړی دوختونو د شوږ او هیجان په ځیر دی چه بشـــر هڅه کوی دارتباطونو نوی وسایل منـــځ ته راوړی .

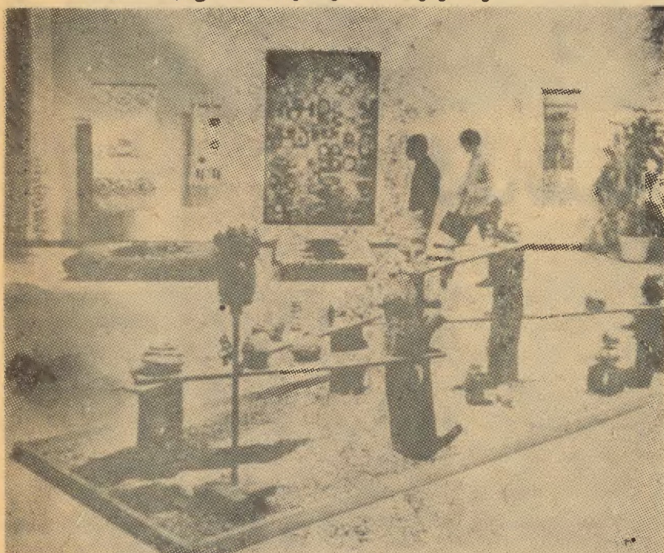
داوسنی چاپ هنر مندان پـــــه څلورو فنی طریقو سره کار کوی . ستر چاپ، حکاکی ، لیتو گرافی او سیلك اسکرین چه هره یوه دگرافیك هنر دبیلو بیلو بر خو له نظره خاص ارځښت او اهمیت لری . شك نه شته چه دچاپ، مرکب، دستگاوو اودچاپ دوسایلو په ځانگه کښی دتکنولوژی پرمختگو نو هریوه دچاپ دهنر مند دکار افق او دنظر ساحه زیاته کړی ده .

هنری منقدانو چه پخـوا دزده کوونکو دچاپی گرافیك دکارونـــو ارزښت ته دخلکودپا ملرنی دنشتوالی له امله گیله کوله اوس له هر ډو ل شك او تردید نه پرته داخبره منی چه په دی برخه کښی زیات پر مختگو نه ترلاسه شوی دی . څکه تقریبـــــا دامریکی په ټولو هنری پو هنتونونو اوگالریو کښی د زده کوونکو چاپی کارونه ننداری ته وړاندی کیږی او داسی ځایونه جوړ شوی دی چه دغه ډول هنری آثارونه یی دنندارتون بڼه ورکړی ده او هغه پلوری . په زیاتو هغو گالریو کښی چه پخوا دنقا شی او مجسمی جوړ ولو آثار پلورل کیدل اوس چاپی هنری آثار پلورل کیږ ی خو دا تصور باید ونه کړو چـــــه دبریا لیتوب دغه اندازه به کافی وی بلکه دگرافیك دځانگی دزده کوونکو دهنری کارونو دښودنی دپاره نو ی لاری ولټولی شی څکه هرڅومره چه استعداد لرونکی او ذوق لرونکـــی زده کوونکی زیات تشویق شی ، په ښه و جهه کولی شی چه نوی آثار منځ ته راوړی . په امریکی کښی ورځ په ورځ خلك دچاپ آثارو ته دیوی هنری ځانگی په نامه زیاته پا ملرنه کوی اوددغه ډول اثرونو بازارتودیږی په داسی وخت کښی چه نقا شان او مجسمه جوړ وونکی دخپلو آثارودپاره

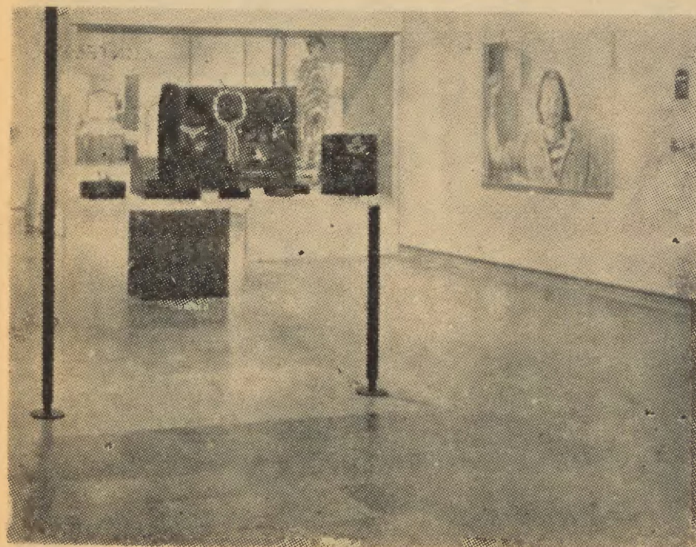
پاتی په ٤٨ مخکی



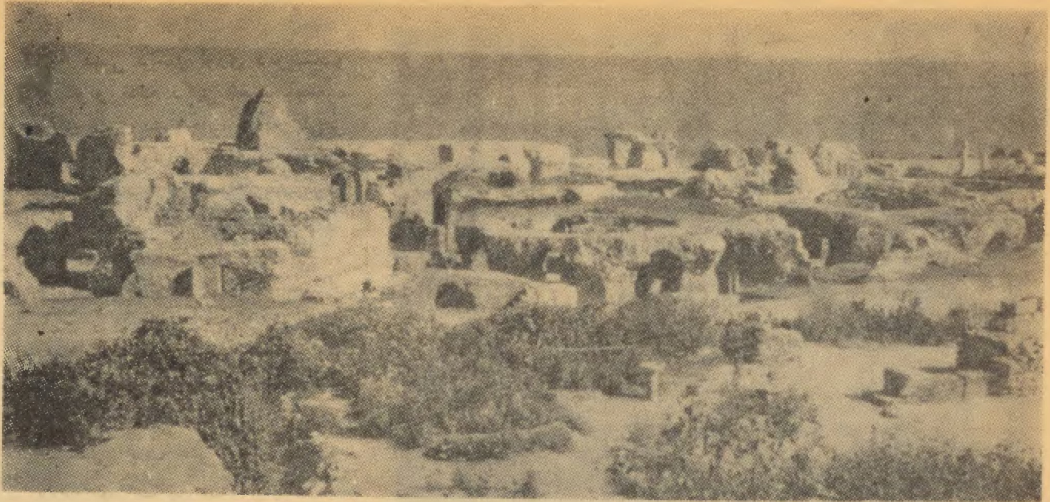
دسیاټل په ښار کښی دواشنگټن دپوهنتون دهنرونو په پوهنځی کښی دځلور گونو کار خانو دیوی کارخانی یوه منظره



دفلوریدا دپوهنتون په گالری کښی دهنری نندارتون یوه څنډه .



دفلوریدا دپو هنتون دهنری نندارتون یوه بله منظره



شهر تاریخی کار تاژکه زمانی مرکزتمدن‌فنیقی هارا می ساخت .

کاوش برای دریافت گذشته‌های دور

ترجمه : رهپو

در ژرفای یکصد و چهل فتی بحیرهٔ ایـژن که کمی ازسواحل ترکیه فاصله داشته وان رابنام کوه ((یامسی‌اوا)) می خوانند غواصان بالباس های‌ضدآب درجستجوی لاشهٔ کشتی رومی آرند.

بعد از اینکه لاشهٔ کشتی‌شکسته را توسط یك کمرهٔ تلویز ونی بدقت دیدنـد از ان عکاسی نموده برای دریافت عکس روشنتر از رو شنایی انداز های‌قوی‌و کمره هاییکه برپایه های افقی سواربود، کار گرفتند .

بعد ترپس از آنکه خاك وگل را ازروی این آثار تـوسط فشار آب عـقب زدنـد، کاو شگران بدرون کشتی راه یافتند.

درعین حال اشیای مهم وپر ارزش‌توسط بالونی به‌کشتی یی که درسطح آب به‌همین منظور قرار داشت انتقال داده شد .

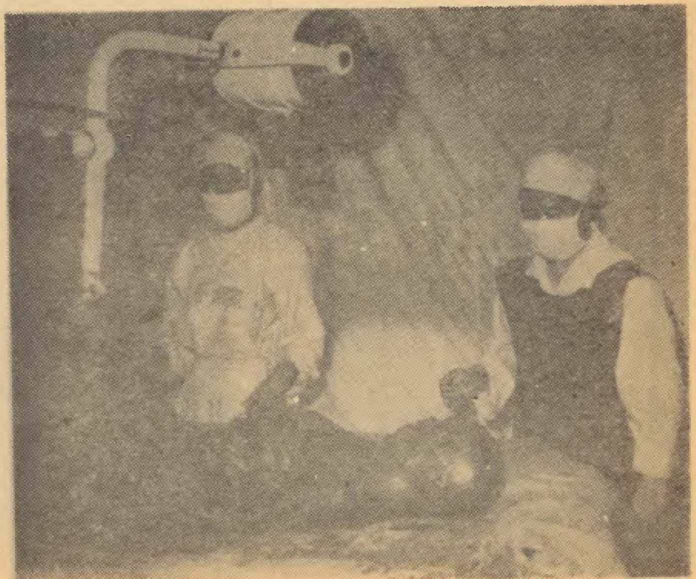
کشتی های غرق‌شده‌ومواد فاصلهٔ دیروزی میتواند دریچه های مطمئنی برای شناخت زندگی دیروزی بشریت بروی کاو شگـران دانش باستا نشناسی ،بازکند .باستانشناسی آنطوریکه طبیعت این دانش میخواهد آهسته آهسته و باحوصلـه زیاد ردپـای گذشته را دنبال میکند ولی این دانشهـم بتازگی دروسط انقلاب نوی‌قرار دارد .

دیگر مطالعهٔ تاریخ،تنهادرتابوت دربسته فرما نروایان پارینه که زمانی مردان وزنان بافرو شکوه بودند دربند نمی‌ماند .امروز باستا نشناسان سعی میکنند :یك تصـویر کامل وتمام نهایی شهرهای کهن واجتماعات گذشته ـ مخصو صا روش زندگی طبقـات عادی مردم ـدران جوامع را، بیرون بکشد.

داکتر ویلیام کواز موزیم پو هنتـــون پنسلوا نیامی نویسد که :

((مادیگر تمام توجه خودرا در معابـــد باشکوه وقصرهای بابرج های‌بلند متمر کز نمی سازیم .اکنون ماعلاقمندی زیادبه‌شناخت رفتار تمام‌افراد جامعه و چگونگی اقتصـاد آنان داریم .))

این برخورد تازه به‌صورت چاره ناپذیر رزم‌جدید رادر باستا نشناسی بمیان آورد‌که میتوان آنرا «باستانشناسی جدید » خوانـد که ساحهٔ وسیعتر رادر بر میگیرد. بـرای پرده برداشتن از زندگی گذشتگان ،دانش بشری وسایل‌نوی چون: کمپیوتر ـمحا سبه ذره ای ،وحتی کمرهای که براقمار مصنوعی نصب است در خدمت دارد که بوسیلهٔ آن به صورت دقیقتر وعالی‌تر تصویر زندگـی کهن جوامع بشری راکشید .



جسد مردپیری که ۲۰۰۰ سال عمردارد .

همچنان دانش چون:روانشناسی ،جا معه شناسی و دیگران نیزدراین راه خـدمـت سترگی انجام میدهند .

برخی از باستا نشنا سان درلابلای خاك هابه کاوش‌نمی پردازند .آنان تر جیـح میدهند تا صورت‌نسبی‌آبدات تاریخی ،سنگ قبور وبازمانده های جوامع ابتدائی چـون: زندگی ابروژن ها (بومیان آسترالیایی.م.) و جنگل نشینان بوتسوانا را ازنزدیك مطالعه کنند .

شیوه‌های جدید وکشف های نوبـــه باستا نشناسان اجازه میدهد تابروی برخی عقاید ونظریات گذشتگان دراین رشته خط بطلان بکشند .تئوری های مبنی براینکه‌فلان جای ((گهوارهٔ تمدن))بود وفلز کاری‌و شهر نشینی رابه سایرنقاط انتشار دادزیرحملات شدید قرار دارد .

عقیدهٔ قدیمی مبنی براینکه سر خپوستان امریکایی زیرتاثیر طبیعت نا مساعد زندگی کوچیکری داشتند نادرست میباشد، کشفیات اخیر در امریکای لاتین نشان داده که جوامع ((می‌یان وانکان)) بمراتب از دولت هـای کنونی دران منطقه ، باشکوه تر وعظیـــم تربودند .

باستا نشناسی جدید باخود نقد های‌هم بهمراه آورده است .

ولی باستا نشناسی جدید و کهن یـك فرضیهٔ واحد را حمایه میکنند وآن اینکـه: انسان کنونی‌باید ازاشتیبا هات گذشتگانش درس عبرت‌بگیرد وآن‌راتکرار نکنند .توسط تحلیل این پدیده که جوامع کهن چگو نه با مشکلاتی چون :آلودگی- تکثرنفـوس ـ کمبود منابع‌ـمسالهٔ جنگ وغیره دسـت و پنجه نرم‌کردند میتوان راه حل‌های بـــه مشکلات موجود یافت .جیمیس هیل باستان شناس میگوید:

((اگر گذشته راخوب تشریح کنیم .آینده رامیتوان پیشس بین‌بود))

این تشریح و توصیف باکشف آغـاز میگردد .

درسال های‌اخیر دانشمندان فزیك بـرای باستا نشناسان وسایل جدید برای پرده بر داشتن ازگذشته اختراع کرده اند. عکاسی هوایی که توسط کمرهاییکه در برابر طول امواج مختلف عکس العمل نشان میدهـد تغییرات کوچك درتحقیق و کاوش را دربر گرفته‌وساختمان های باستا نی راکه در دل زمین پنهان باشد علامه گذاری می کنـد. دانشمندان فضای که‌در جسجوی منابع جدید درزمین‌اند به دنبال مناطق کهن و باستانـی نیزمی گردند .

ماشین های ساده نشاند هندهٔ فلزات، قدرت‌ان رادارند تااشیای فلزی راکه درعمق

۳فتی‌پنهان شده‌باشد نشان بدهند ۰هفته پیش یك‌دلال نیویارکی‌توسط آله نشاندهنده فلزکه آن‌راخودش هنگام‌تفریح درخانه‌ساخته بود توانست تایك‌مجسمهٔ مفرغی ((هادریان)) امپراتور روم‌رادر بحیره گالیلی کشف کند۰

الیزابت رالف وگروه همکارش از موزیم پو هنتون پنسلوانیا باوسیلهٔ مجهز تری‌که بنام ((نمایش دهندهٔ مغناطیس)) یاد می شود اکنون درشهر قدیمی سیباریس یونان به کاوش مشغول اند۰

انستیتوت تحقیقا تی ستانفورد مشغول تجربه راداری اندکه شعاع مستقیما به‌زمین می‌تابند ۰انعکاس این شعاع اندازه وشکل گنجینه های تاریخی راکه زیر هزاران‌خروار خاك غنوده‌اند نشان میدهد ۰

اکنون باستانشناسی در محدوده کا وش بروی زمین دربند نمانده وبسوی کشفیات زیر دریایی‌روی آورده اند ۰

جورج باس بیش‌از پانزده سال است که‌روی لاشه های‌ویران کشتی های‌قدیمی که تا۱۲۰۰ سال پیش ازمیلاد می‌رسد دربحیره مدیترانه مشغول کاوش است ۰

اودریافت که بسیاری اموال کشتی های غرق‌شده دروضع بسیارعالی دست نخو رده مانده اند۰ این باستان شناس ٤١ ساله می گویدکه:

((خود کشتی هاساحه ای گسترده برای کاوش باستانی بکارمی رود۰ هرچیز که درآنزمان ساخته شده بود اکنون می توان دراینگونه کشتی‌ها یافت ۰جای شگفتی‌است که‌اشیا درزیر آب نسبت برویزمین محفوظ ترمانده اند ۰))

شیوه های که‌باس در تحقیقات زیر دریایی خود انجام میدهد ازشیوه های‌کاوش خشکه تقلید شده است ۰

برای برهنه کردن اشیا ازگل ولای‌هوای زیر فشار زیاد بکار می‌رود۰برای انتقال‌اشیا ازیك بالون کار می‌گیرند ۰نقشه های به اصطلاح ((هوایی)) توسط زیر دریایی ها یا غواصانیکه حامل کمره‌اند تکمیل میگردد۰

از آلات نشاند هنده فلز نیزکار گرفته میشود دستگاه تلفون زیر دریایی همیشه هیات تحقیقاتی را باسطح آب پیوند می دهد ۰

بزر گترین کشفی که در ساحهٔ شناخت آثار باستانی بمیان آمده شیوهٔ بکار بردن کاربن ١٤ برای تعین عمر اشیای قدیمی است ۰این روش‌توسط ولیارد لیبی کیمیادان پوهنتون شیکاگو کشف شد ۰

این شیوه‌برای تعیین عمر اشیایی که‌زمانی زنده بودند بکارمی رود۰ موجودات زندهٔ حیوانی ونباتی هنگام حیات مقدارکم رادیو اکتیف از کاربن معروف به‌کاربن ١٤ می گیرند ۰هنگامیکه می میرنداین عملیه پایان می‌یابد و ایزوتوپ های رادیو اکتیف با

سرعت ثابت شروع به پوسید گی میکند۰ چون‌این کاهش دریك مدت معین صورت می‌گیرد توسط اندازه گیری آن می توان عمرش مرده راحساب کرد ۰

امروز این شیوه هم توسعه یافته و هم رشدنموده است ۰

پو هنتون اریزونا توسط این شیوه‌تعیین کردند که عمرحلقه‌های یافت شده در سرحد بین کالیفرنیا و نوادا تا۵٤۰۰ پیش ازمیلاد می‌رسد ۰

ولی دانشمندان عقیده دارندکه این‌شیوه هم دارای اشتباهات است زیرا موجودیت دربن ١٤ دراتمو سفیر نظربه گذشت زمان کم وبیش میشود . واین هم بسته به تکاثف توسعه فضایی ونیرو مندی میدان مقنا طیسی زمین می‌باشد ۰

شیوهٔ دیگر تعیین عمرموجودات زنده در طبیعت به امینواسید هابستگی دارد۰ در موجودات زنده‌به اصطلاح علمی امینواسید ها ((دست‌چپی)) می باشند و هنگا میکه‌موجود زنده می‌میرد به‌سوی‌خصلت ((دست راستی)) می گرایند۰ نسبت این‌دوعملیه عمرش را تعیین می‌کند ۰بااین شیوه اسکلت هائی که درسان دیاگو کشف‌شده است حساب گردید عمر هرکدام به ٤٨۰۰۰ سال رسید درحالیکه باستا نشناسان عقیده دارند که اولین بار انسان زمانی پابه امریکاگذاردکه تنگه بیرنگ بین سایبریا والاسکا بمیان نیامده بود که این‌مدت بین۲۰ هزارتا ۳۰هزار سال پیش می‌شود ۰به همین دلیل بسیاری ازدانشمندان عقیده دارند که مطالعه باشیوهٔ امینوا سید هنوز در مرحلهٔ تجربی قرار دارد ۰

بانهم شواهدی وجوددارد که‌آمدن امریکاییان رابه این‌قاره پیشتر ازوقت قبول شده‌نشان می‌دهد این شواهد درکشف نوی که در درهٔ اویلاجنوب پتزبورگ در ایالات متحده‌صورت گرفته است بدست آمد۰ دریك مغارهٔ سنگی آنان موفق به‌کشف افرازکارو زغال های که دریك اجاق‌سوخته بود گردیدند ۰این اشیا پس ازمطالعه دقیق معلوم‌شد که ١٤٢٢٥ سال عمرداشته ونشان می دهد که در دره اویلاقدیمترین باشندهٔ نیمکرهٔ غربی زند گی میکرد۰ همچنان اجاق آتش دیگر کشف کردند که ۳۰۰سال کهن تراست اگر این تعیین عمرتایید گردد تاریخ‌قبلی که ۲۰هزار سال پیش از میلاد مسیح بود مورد شك قرارمی گیردزیرا دانشمندان عقیده دارند که مهاجرت ازسایبریا ازطریق تنگه بیر نگ هزاران سال‌را در برگرفت ۰

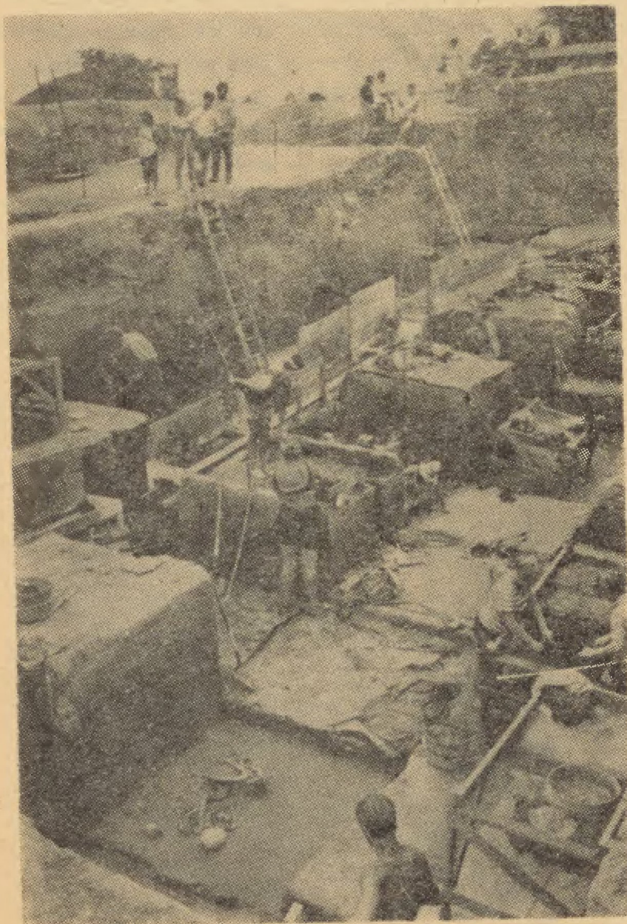
دربیر ون از لابراتوار تعیین نمودن عمر اشیابه شیوهٔ دیگر صورت می گیرد ۰این شیوه بیشتر در تعیین عمر اشیای سفالی و ظروف گلی بکار می رود و بنام ((حرارت سنجی)) یادمی شود ۰

بااین شیوه ازلحظه ای‌که حرارت درداش

لطفاً ورق بزنید



این دختر مومیایی شده ازپای شل بود



در شهر کامپزویل ، باستانشناسان پرده‌ازروی تاریخ بومیان امریکابرمی دارند .

ظروف‌گلی درگرفته تاکنون توسط جـــر یان رادیو اکتیف معلوم می‌شود. توسط گـــرم کردن نمونه این ظروف وبکار بـــردن آلات مجهز دانشمندان عقیده دارند که تاریـــــخ دقیق ساختن ظروف گلی تعیین شده‌میتواند.

باستا نشناسان پو هنتون پنسلوا نیـــا بابکار بردن این‌شیوه در دره بان چیانـــگ واقع‌تایلند که بیش ازمدت ده‌سال اســـت درانجا مشغول کاوش‌اند به‌این نتیجه‌رسیده اندکه برخی ظروف انجا ۳۵۰۰ سال پیش ازمسیح ساخته شده است .

به این ترتیب آلات مفرغی کـــه در بـــان چیانگ ساخته شده ۵۰۰ سال قبل تـــراز اشیای مفرغی است که درشرق میانه ساخته شده است .

اکنون فکر میشود که‌ممکن عصرمفرغ در جنوب شرق آسیا طلوع کرده باشد نـــه در شرق‌میانه .ولی چستر گورمان رئیس‌هیات باستا نشناسی عقیده دارد که‌امکان داردعصر مفرغ در نقاط مختلف دنیاجدا ازهم بمیـــان آمده‌باشد .

شواهد بیشتر زمانی به دست‌آمد کـــــه شیوه تعیین عمرتوسط کاربن ۱٤ را در اروپا بکاربردند .بااین روش فهمیده شدکه برخی آثار در انگلستان وجزیزه نمای ایریان،کهن تراز اهرام مصر وغیره می‌باشد .ولی برخی دانشمندان می‌گویند که ((روی نتایج تجربی نمی توان حکم قاطع صادر کرد.))

در امریکای شمالی‌اکنون باستا نشناسان مشغول مطالعهٔ تغییرات اجتماعی جوا مـــع مختلف اند.لویس بنفورد از پو هنتـــون نیو مکسیکو برای‌یافتن ردپای این تغییرات سفری به الاسکا کرد تاببیند که مردمـــان اسکیمو با استخوان های اضافی و مـــواد افضله چه میکند .این‌کار اسکیمو ها از٦۰ هزار سال به‌اینطرف تغییر نیافته است . بنفورد عقیده دارد که بامقایسه استخـــوان های کنونی بامواد بدست آمده تاریخی‌میتوان تغییرات اجتماعی را اندازه گیری‌کرد .

به‌صورت مثال اگر جوامع در مرحله ای رسیده باشد که مغز استخوان راکه مـــواد غذائی کم‌دارد خورده باشند چنین معلوم می شود که جامعه‌روز های سختی را از لحـــاظ کمبود موادغذائی می‌گذارند .هم چنان‌ازطرز بکار بردن استخوان هامی توان تغییـــرا ت اجتماعی در جوامع‌اسکیمورا حدس زد .

جستجو برای کشف آثار باستانی بـــا مطالبی که بیان شد بسنده نمی کـــنـــد . متخصصان عقیده دارند که باید روی تخـــم های غله هاییکه دربخش های باستانی‌کشف شده کارصورت بگیرد تاتاثرات محیطـــی و شیوهٔ زرع آنان کشف گردد .

نمونهٔ خوب‌باستاشناسی جدید را میتوان در مزرعه جواری ایلونیزدیدکه توسط داکتر ستورات سترو وراز پوهنتون نارت ویسترن صورت می گیرد .

این‌جاغنی ترین‌آثار سر خپو ستـــا ن پیش از میلادرا در بردارد .دریك محل‌آثار زندگی ۱٤ تمدن که‌روی هم‌قرار دارد کشف شده است .

دراینجا آلات وافراز قرون مختلف گرد آمده است .تاریخ هرتمدن از ۱۰۰۰ بعـــد میلاد تا۸ هزار پیش ازمیلاد می رســـد در اینجا دانشمندان رشته های مختلف مانـــنـــد نبات شناسی - حیوان شناســـی - کیمیـــا احصائیه وغیره مشغول جمع آ و ر ی ارقام اند.

همچنان محل دیگری در کنار در یـــای سند هوای ویر جنیا زیر کاوش دا کتـــر ویلیام گاردنر ازپو هنتون کاتولیك واشنگتن می‌باشد. دراینجا نیز نمونه های اززندگـــی مردمان بومی امریکا کشف‌شده‌است.

((مردمان اصلی امریکا که‌به‌سرخپو ستان معروف اند، خشن، نامنظم ولوده نبودند،آنان زندگی ثابت وعالی بدون اینکه ازتکنولو ژی کار بگیرد داشتند))

باشندگان او لیهٔ این قاره همیشه در لبهٔ چقوری مرگ ناشی ازگر سنگی ویا ویرانی قرار نداشته وهمیشه مجبور نبودند و قت زیادی خودرا به شکار برای بدست آو ردن غـذا بگذرانند.

اکنون نیزه هاییکه توسط گاردنر کشف شده نشان میدهد که‌بومیان اصلی امریکاوقت اضافی زیادتری نسبت به کارگران فعلـــی داشتند.

بومیان شمال امریکا به پایهٔ تمدن بومیان غرب امریکا نرسیدند . درشمال گواتیـــما لا گروهی از باستا نشنا سان بر هبری داکتر کوموفق به تحقیـــق همه جانبه دربارهٔ شهر تایکال که‌ساحهٔ ۲۲۲ میل رادر بر گر فتـــه ومجتمع عالی دهنشینان باقصر های عا لـــی

بقیه در صفحه ٥٦

نقشه ای‌که کار تحقیق رادر عمق بحرنشان میدهد .

هیات باستانشناسی مشغو ل پرده برداشتن از روی تاریخ کهن

نوشته از: پیروز مند کوه گدا

ترس دختران از گپ و سخن مردم

سهمگیر ی دخترا ن در فعالیت های اجتماعی نمایند گی از بـــی باکی آنها نمی کند دختران بـــه پشتیبانی و تشو یق بیشتر مردم احتیاج دارند .

در پرو گرا م هنری پو هنـځی ساینس که در ادیتوریوم پو هنتون بر پا شده بود چهره پر در خششی دربخشها ی مو سیقی ونمایشنامه نمایان گشت .

که‌با استقبال پـرشـور تما شاـ گران مواجه گردید ونقش خودرا به بهترین صور تی به پیش بر د.

نا مش خد یجه است ومحصـل سال دوم پوهنځی ساینس بوده و رشته کیمیا و بیو لو ژی را دنبال میکند.

این چهره هنر ی شیر ین کلام با قد بلند وبا ریك و خـــو شـ ترکیبش سخت گیر است‌ومسحور



خدیجه دختریکه همیشه میکوشدتا بر نمایشنامه ها و کنسرتهـــای پوهنتون سهم بگیرد .

کننده‌است معرفی این چهره بـــه خوانندگان محتر م ژوندو ن‌وتشویق بیشتر اوبه ادامه سهم گیر ی در فعالیت های هنری آینده پو هنتون اساس گفت و شنو دی را میسازد که‌باوی صور ت گر فته است .

بروز مو عود پس از معر فی، خودش آ هسته و آرام بر چو کی نشست به پاسخ دادن پر سش هاآماده گردید .

نخست خواستم تا از اشتراك خود در پرو گرام های مو سیقـیو نمایشنا مه پو هنځی خود و هـــم پیرامو ن سهمگیر ی د ختـرا ن‌در فعالیت های سود مند ا جتما عـی گپ‌بزنند .

به آرامی‌و متانت گفت:من برای آن‌در بخشهای مو سیقی و نمایش نامه‌فا کو لته خود اشترا ك کردم‌تا نخست راه ناهموار و دشوار سهم گیری فعالانه دختر ان را به ایـــن گونه فعالیت های سو دمنداجتماعی هموار سازم و از سوی د یگـــر تشویق خانواده و علاقه خودم بـــه حیث یك محصل پو هنتو ن انگیزه بـــود کـــه بمو جب سهمگیری من ورونق نمایشا ت پو هنځی گردید.

پیغله خد یجه پر سش دیگرم‌را چنین پاسخ‌گفت:برای اینکه دختران افغان در انکشا ف همگا نی کشور سهم سازنده شانرا بازی کرده‌ودر پاره کردن زنجیر های اسار ت ،که سالها دخترا ن وزنا ن ما را د ر کنج خانه نشانده رهنمود هـــای رهبر انقلاب جمهو ری را مشعل راه شان قرار دهندونیك بدانندکه با مردان حقوق ومسوو لیت مشتر ك دارندو میهن شان از آنها کار می خواهد و کاربراستی ، وا قعی و صمیمانه چه کار وتلا ش یکجایی زنان ومردان کشور می توا نـــد خسارا ت حالات رکود گذ شته‌را بوجه شایسته ای جبران نماید.

دوشیز ه خد یجه که از فارغان لیسه ملالی است در کنسر تهاو کنفرا نسها ی مکتبش همیشـــه اشترا ك دا شت وحالا بحیث یك دختر پو هنتو نی ، نما یشـــات فاکو لته اش را دل پذیر سا ختـــه بود.

میگوید: بر گز اری برنامه های هنری در ردیف درس درپو هنتون ومکتبها برای شا گردان بسیار ـ سود مند است چه این کار هـــم استعداد نهفته جوانا ن را شگوفان میسازد وهم خستگی درس ر ارفع ساخته زمینه تفر یح سالمی رابرای همه فراهم میسازد .



خدیجه میخواهد تا ترس های که‌مانع پیشرفت زن است ا زمیـــان بردارد .

روز ششم نوا مبر بالشوی تیاتر کا نون بزرگ رقص با لت درشوروی ازدواج دو هنر مند دلبا ختـــه را اعلام داشت .

نادیزدا پاولو وا هنر پیشــه جوان ومشهور رقص با لت رو ل عمده رادر بالت «گیسلی» به عهده داشت. درین نمایشنا مه او لیـن بار باپاولووا شخصی حصه داشت که امروز شریك زندگی او یعنـــی چسلاو جور دیف است.

قضیه طوریست که درآن چندروز قبل ازآغاز تمرینات نما یشنا مـه گیسیلی در بلشوی تیاتر پاولو وا باچسلاو جوردیف ر قا ص معرو ف تیاتر که بیستو هفت سا ل عمر ودر هنر تیا تر هم سـا بقه طولانی رادارا است ازدواج کرد.

مراسم عقد نکاح این دو هنر – پیشه بااستعداد شوروی در یکی از



رو ز ششــم نوا مبـر پاو لووا عوض تمرین ومشق هنری به پا ی میز عقد نشست و باین صور ت، زندگی نوی راآغاز کرد.

ازمنابع شوروی

پاولووا رقاصه مشهور کرد

قصور که برای برگزاری همچومراسم درمسکو وجود دارد برپاشد .

پاولو وا قبل ازاینکه در رقص بالت بمقام پروفیسوری نایل آ ید به شهرت رسیده ومحبو بیت اودر جهان هنر نزدمردم شوروی ثا بت وآشکار بود .

این رقاصه قبل ازدریا فـــت جایزه ممتاز هنری(گراندپریکس) که از اشترا ك دردو مین مسابقات بین المللی بالت حاصل کرده بود، سه سال تمام به حیث هنر پیشه، معرو ف جا ی در عا لم هنر دا شت او، همیشـــه بـه حیث اولیـن



پا و لو وا با شو هر ش جـوردیف در نمایشنا مه «گیسیلی» در حال رقص بالت .

هابود به‌حیث قهرمان در یك‌نمایش نامه‌دیگر با لت به نام(دردسر زیاد برای هیچ) کار میکند مو زیك این نمایشنا مه را کمپو زیتور معرو ف شوروی تایخون کیرنیکوف بعهد ه دارد . قرار است این نمایشنا مه که درآن هنر مندان مشهـــو ری مصروف کار استند درماه دسا مبر برای او لین بار روی پرده بیا ید به‌نمایش گذاشته شود .

پاولووا دربخش های بسیـــار حسا س نما یش نا مه به رقص می پردازد شو هر ش یاچسلاوجوردیف مردمو فق این نمایشنا مه است.



٤ ــ پاو لووا وجوردیف بعد از طی مراسم رسمی به تبـریکا ت صمیمانه یکی از دوستان جـواب میدهد .

پاو لووا در بلشوی تیاتر ازطر ف تما شا چیا ن استقبـــا ل می شود .

مترجم ــ ارشادی

...ور شوروی ازدواج ...کرد

هنرپیشه یاد می شد ودر دنیا ی هنر هنرش تابند گی خاصی‌داشت بعدا وقتی پاولو وا باکمپنی مشهور بلشویه به‌همکاری بر خاست سفری بامریکا کرد ودر فلم مشتـــر ك شوروی، امریکابنام «پرنده آبی»،که توسط جور ج غفور دایر کت شـده بود حصه گر فت چون پاو لو وا ، درین فلم‌ماهرانه رو لش را ایفـاء کرد شهر تش آ فا قی‌تر گشت و برسر زبانها افتاد .

این روز ها پاولو وا تحـــت رهنمایی های مرینا سمیو نو وا که رقاصه نامدار جهان بالت درگذشته



هنر در لابلای قرنها

پیوسته بگذشته

از: حامد نوید

شکـــل هـر م غزه را بـــه خود گر فت ، آنچه برای ما ازنگاه سیر انکشا ف تمد ن در مورداهرام اهمیت دارد. انکشا ف مفکـــوره های انسانی است که این انکشاف چه از نگاه سا ختما نی و چـــه‌از نگاه هنری حایز ا همیت بـــوده است . آنچه می توا ن از مطا لعـــه اهرام دریا فت کرد همانا ار تباط یافتن هنر باریا ضیا ت وانجنیر ی ساختما نی است که خود سطـــح انکشاف فکر ی مصریا ن قد یـــم رانشان میدهد .

طور یکه در گذشته گفتم هنر مصر بصور تیك‌کل شکل اختلاط یافته هنر های مهند سی مجسمه سازی ونقا شی است چنانچه هنر مجسمه سا زی در مصر با ستان شکل تعمیراتی رابه خود گر فت‌و بهترین مثا ل مادر ین مورد معبـــد بنی‌ها شم و پیکر بز رگ ســـی فینکس است آنچه از نگاه سبك‌در هنر مجسمه سا زی حایز ا همیـــت می‌باشد همانا ا ختلاط عنصرانسانی با حیوانا ت است و شاید این‌امر زاده طرز تفکر وعنعنات‌بین‌النهرین وشرق‌میانه بوده باشد . باز هم ــ بهترین مثال‌دراینمورد مجسمه سی‌ـ فینکس کبیر است که سرآن‌انسان وبدن‌مجسمه شیر بزرگی در حا ل نشسته می باشد .

آنچه در مورد هنر نقا شـــی‌در مدنیت مصر کهن گفته می توا نیم عدم استقبال ایـــن هنـــر اســـت که‌باوجود تکا ثف مفکور ه هـــای متنوع تا اندازه تابع هنر مجسمـــه سازی ومهند سی بوده است .یعنی هنر نقاشی برای مصریا ن قد یـــم وسیله بوده که ازآن برای شکـــل دادن مجسمه های ریلیف (نیمه‌بر جسته) تزیین تعمیرا ت وبا لا خره برای هد ف عمد ه تری یعنی‌نوشتن استفاده می کردند .

خط تصو یری (یا هرو غلیـــف که بنام کا شف آن هنـــر گلیـــف باستان شنا س فرا نسو ی بعداز قادر شد ن به خواند ن آن درسال ۱۸۳۰ مو فق‌شدیاد گردید)سنتیزی است از قدر ت تصویر و برداشت انسان از یکطر ف وبیا نگر ی ای سمبو لیك هنری از جانب د یگر. یعنی انسان درهرمرحله مد نیت بر سطح فکری وهنری رسیدتابا بکار بردن علایم (۱) در ابتدا و سمبول ها(۲) مفکور ه اش رابرای انسان های هم عصر محیطش بیان کندو حتی‌آنرا برای نسل های آینده اش ثبت وحفظ نماید، که‌این خود تر قی ذهنی بزر گی است در سیر تمدن بشر.

نتیجه عمو می ایکه از مطالعـــه هنر مصر می گیریم عبار ت ا ز تحول مادی و معنوی پدیده است که‌نه تنها تغییر زند گی بشر رااز نگاه‌شکل‌جوامع وانکشا ف وسا یـــل تولید نشان مید هد بلکه نمانگـــر گرا یش انسان بســـو ی فلسفـــه های‌متکا ملتر واندیشه‌های متر قی تراست.

(۱) ــبه قرار تعر یف‌انسایکلو پیدیا بر تا نیکا و انسا یکلو پیدیا امریکا نابین سمبول وعلامه چنیـــن فرق کرده می توانیم علامه‌یانشا ن چیز یست که بیا نگر خود باشدو سمبو ل آنچه مفکوره ویا چیـــز دیگری رابر علاوه خود تشر یـــح بدارد.

خصوصیات هنری مدنیت های شرق میانه و آسیای مرکزی هزارهٔ سوم و دوم قبل از میلاد مسیح

پنج هزار سال پیش از امروز که دارند سابقه خوب و تجارب زیادی همزمان با آغاز مدنیت مصر شالوده مدنیت های دیگری جهان کهن، چون بین النهرین ، وادی ای اندوس ـ وادی ارغنداب و سواحل غربی آسیای صغیر (مدنیت بحیره اژه) پیریزی گردید ، که ارزشهای فرهنگی آن تا زمانهای مدیدی در کرکتر بخشیدن مدنیت های مابعدی نقش ارزنده داشته است . این دایره های مدنیت بر خلاف تمد ن مصر محدود بخود نبوده بلکه تماس های فرهنگی ای بین شان مو جود بوده است .مخصو صا مدنیت بحیره اژه که آنرا میتوان به منزله پلی خواند .عبور دهنده ارزش های هنری وفرهنگی شرق به جهان هلفستیك سال دوم، درینمورد مدنیتی است که در وادی ارغنداب درهزاره سوم ودوم ق.م به ظهور رسید . شواهد تاریخی ایکه از مندیگك شمال قند هار در اثر حفریات سال بدست آمده گواه تماس کلتوری بین تمدن وادی اندوس وتهذیب سو مری است که به نام مدنیت اندو سو مری بین باستا نشناسان معروف میباشد . حفریات باستان شناسی سال های اخیر که اکثرا در افغانستان صورت گر فته ثابت ساخت که ارتباط و نزدیکی های بین انسانهای این منطقه جهان حتی در دوره نیو لتیك (سنگ جدید)موجود بوده است .

البته ظهور مدنیت چین در هزاره دوم ق.م (حوالی ۱۵۰۰ق .م) بامدنیت بین النهرین تماس مستقیمی نداشته است اما تاثیر آن بـالای مدنیت های آسیای مرکزی در قرون مابعدی مشاهده شده میتواند .

به هر حال هدف عمده ایـن ارزیابی بر رسی ای تماس فر هنگی بین پدیده های هنری مدنیت های کهن شرق است .



مجسمهٔ ریلیف یانیمه بر جسته ایکه مربوط به فتح «نارماسین» فرما نروا ی بین النهرین بر آسیا ی صغیر است (۲۳۰۰ ق م)موزهٔ لوور فرانسه

مدنیت بین النهر ین:

چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح اقوام سومری واکاد د رنقطه تماس دو رود دجله و فرات اساس مدنیتی را گذاشتند که سیستم اقتصادی آن بالای زراعت استوار بوده ومیتوان آنرا شکل پیش رفته تر طرز زندگی دوره سنگ جدید خواند . این دایره مدنیت کوچك با ورود اقوام دیگر چون سامی ها ، کلدانی ها، هیتی ها ، عبرانی ها ، آسوری ها، هخا منشی ها، پارتها، فارس ها ،سلوشی ها، ساسانی ها وبالا خره اعراب مسلمان ، بزرگتر گردید ودر دوره های مختلف سیر تکا مل تدریجی خود اشکال مختلفی را بخود گرفت . از همین روست که برخلاف مدنیت مصر شیوه ها ی هنری تخلفی در بین النهرین به مشاهده می رسد . عقاید مذهبی ، نقش فر مانروا و طر ز زند گی متفاوت علت دو می این اختلاف بوده است .

باوجود آنکه اقوام مختلفی باعقاید متفاوت دربین النهرین قدیم می‌زیستند و نمی توان تاثیر عقاید مذهبی هر کدام آنرا درین بر رسی ای مختصر بالای هنر بین النهرین تشریح کرد اما با آنهم به جرئت میتوان گفت که اهالی بین النهرین از نگاه عقیده دریك بن بست فکری متفاوت از مصریان قرار داشته اند.

اعتقاد بزندگی ای بعد از مرگ باشدتیکه دربین مصریان قدیم شیوع داشت نزد باشندگان بین النهرین موجود نبوده است . سومری ها واکاد ها باشندگان اولی بین النهرین اعتقاد به ارباب النواعی داشتند که هرکدام ، رب النوع یکی ازحکومات شهری شان میبوده است .حکومات شهری سیستم اداره بوده است که از نگاه تیوریك توسط رب النوع بخصوص خود اداره میگردید و لی در حقیقت درراس هریك ازین حکومات شهری فر ما نروا یی قرار میداشته اکه منحیث نماینده رب النوع امور اداری شهر را تنظیم میداده است ازین روست که نقش فرمانروا درهنر بین النهرین نسبت به هنر مصر بی اندازه کمتر است اچه فر مانروا در مصر قدیم مقام الوهیت را دارا بود واکثر پدیده های هنری محض برای نشان دادن قدرت او بوجود می آمد.

موجودیت حکومات شهری کوچك نیز علت دیگری بود که از قدرت فرمانروا می کاهید . گرچه در حوالی(۲۰۰۰) با مهاجرت اقوام سامی از دشت های سوریه به بین النهرین بابل بحیث مرکز ادارهٔ اساسی حکو ما ت شهری قرار گرفت (صفحه (۲۰) تاریخ تمدن چاپ نیو جرسی ۱۹۶۸) اما آنهم از طرز اداری مصریان قدیم از نگـاه قدرت فر مانروا خیلی کمتر بـوده است .(البته در مرا حل او لی این مدنیت) .

طرز زندگی مرد مان بین النهرین قدیم نیز به موجودیت اهالی شهر نشین بادیه نشین عبرانی هـای مها جرت پیشه واها لی کو هستان چون آسوری ها متفاوت از مرد مان مصر باستان بوده است . بر علاوه اهالی بین النهرین باستان مرد مان تجارت پیشه و پر تحرکی بوده اند



شیر زخمی ۶۵۰ ق م ـموزیم بر تانیه



مجسمهٔ اشراف زاده سو مری-(۲۷۰۰ق.م) این مجسمه که از سنگ آهک تـراش و چشمهای آن بالاجوردِ تزئین یافته است ۹ انچ ارتفاع دارد و از جمله آثار قیمت دار موزیم پوهنتون پنسلوانیا اضلا ع متحده بشما ر می رود .

حتی نشانه های مو جود است که روابط تجارتی بین مردمان بین النهرین واهالی وادی اندوس موجود بوده

بقیه در صفحه ۶۲

تیم منتخبه فوتبال بوطن بر گشت



روسای تیم های اشتراك کننـده‌مسابقات را تما شا می کنند .

تیم منتخبهٔ فوتبال کـه چنـد ی قبل برای اشتراك در مسابقات جام آسیایی به عراق ر فته بود ر و ز پنجشنبه گذشته دو باره بکـا بل رسیدند .

قبل از آنکه خوانندگان ار جمند علاقمند بورزش را در جریان‌صحبت با بناغلی عثمانی ر ئیس هـیأ ت افغانی در مسابقات بگذارم با یـد علاوه کنم که جام آسیایی کـه ا ز تاسیس آن بیش از ده سال می ـ گذرد افغانستان برای اولین بـــار دران اشتراك و در یـکی از د و ر مسابقـــات آن و ر زشکـــا را ن خویش را فرستاد تا از یکطر ف در میان و ر زشکـــارا ن آ سیا یـی ور زشکارا ن ما هم حصه داشته و از جانبی تیم فو تبال ما که روزگاری ازسویه محلی خویش قدم فـــرا نگذاشته و مسا بقاتی جز با چند کشور دو ست با د یگران‌را انجام نداده بودند بایك عده کشور های آسیایی انجام د هند تاهم اندوخته های داشته باشند وهم با تو جـهٔ که در مورد آ نها میشود نتیجـهٔ بدست آرد و نامی نصیب‌تیم‌فو تبال ما گردد .

افغانستان که در ده سال‌گذشته همهٔ مسابقات جام آ سیایی را بـی نصیب بود یعنی در ده دورگذشته از حق خو یش استفاده ننمـــو ده بودند امسال با ا ستفاده از حق‌ـ العضـــو یـت اســـم خـــو یش را در میان گروپ دوم که در کشو ر عراق با بیست جمع میشدند یافت ورزشکاران خودرا گسیل دا شت تابروند و مسابقه دهند تا با شد راهی را که در آینده باید بپیمایند از هم اکنون بروی خو یش هموار نمایند .

بناغلی زین العابدین عثمـــا نی رئیس هیأت افغانی در جام آسیایی را در حالیکه به اصطلاح‌گرد سفراز سرورویش نریخته‌بود دراتاق‌کارش ملاقات‌کردم واز چگو نگی مسابقات پرس و پالی نمودم که بجواب گفت:

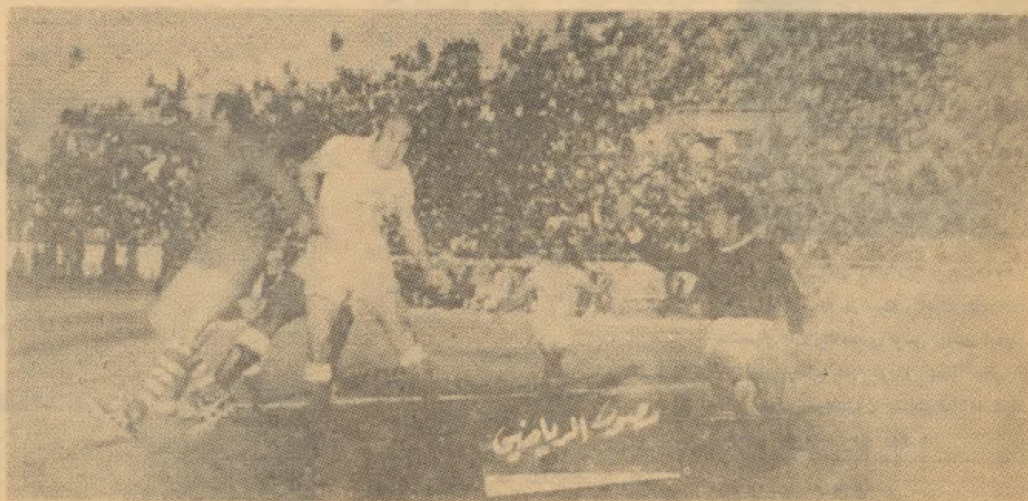
تیم فوتبال افغانی که شا نزده روز را در کشور عراق‌سپری‌نمودند بعد از انجام یك سلسله مسا بقات وگرفتن نتایج قناعت بخش بو طن بر گشتند .

ممکن است در ذهن بسیاری از شما این کلمه که قنا عت بـخش میگوئیم عجیب آ ید ز یرا بـــرا ی مسابقات فا ینل انتخاب نگردیدیم ولی‌وقتی بازی ورزشکاران خویش‌را با مقا یسه با بازی های کـه د ر کشور کویت و یا کشورهای دیگر ویا در کابل بمقابل تیم‌های‌خارجی انجام میدادند مقایسه کنیم نه‌تنها کار آ نها را قناعت بخش میخوانیم بلکه آنرا عالی هم میگو ئیم ز یـرا تیم هائیکه در مقابل تیم ما قـرار داشتند از جمله تیم ها ییست که در آسیا نام دارند ازان جمله تـیم کشور عراق و عربستان‌سعودیست که نه تنهاسابقه خوب و تجارب‌زیادی را دارا هستند بلکه بهترین ترینر را هم با خود دارند ، در گـذ شتـه همیشه شکایت از نبودن تر یـنر ازطرف اعضای تیم بالا میشد و لی بسیاری از مسئولان به آن و قعی نمی گذاشتند و بجواب می گفـتند که محل تمرین است یکنفر تریـنر داخلی است ، غذای خوب و لباس وسامان ووسایل ... وغیره هـمه بدسترس آ نها گذاشته شده پس چرا آنها از حالت اولی خـو یش خود را نمی کشند ؟ در حالیکه‌دیده شد رول عمده را ترینر خوب دارد. تیم ما که در گذشته ترینر نداشت اکنون با داشتن خو بترین و پـر آوازه ترین ترینر در ظرف چـند هفته توا نسته خود را بجا یـی برساند که به آینده اش د یگرا ن را متیقن سازد .

از بناغلی عثمانی پر سیدم: چه چیز بهتر در تیم فو تبال د یدیـد ودر کدام خط بهترین ورزشکا ران را داشتید ؟ که بجواب گفت :

ـ از همه مهمتر سیستم جدیدی که بنام ۸ یاد میشود درمیان تـیم ما مخصو صا در لحظا ت حملـه بخوبی نما یان میشد همچنـا ن ورزشکا ران ما قادر بودند در هر لحظهٔ که خواسته باشند بدون‌آنکه سکتگی در کار شان دیـده شود می توانستند رنگ و رخ میدان را تغییر د هند و بازی را تـبد یل نمایند .

از همین رو باوجودآنکه تجارب ورزشکاران مادر همچو مسا بقا ت خیلی کم بود تیم مقابل نمی توانست بر تیم ما نفوذ کند .ما درهر سـه خط یعنی حمله نیم‌مدافع و د فـاع اشخاص خوب داشتیم و لی‌از دفاع باید یاد آور شد که خیلی عا لـی بود ، نقص عمده را در کو تاهی‌قد ور زشکاران ما می توان یاد آ و ر شد .



لحظهٔ پر از هیجان که رحمت الله‌با بر ادرش یکجا از دروازهٔ تیـــم‌خویش دفاع می کند .

اینبار باز روی سخنم را بطرف بازی های جام آسیایی گشتا نده واز بناغلی عثمانی پر سیدم کـــه مسابقات به چه اساس دایر شد ؟ که بجواب گفت :

ـ مسابقات جام آ سیا یی که‌به اشتراك اکثر کشور های آ سیا در ٤ شهر باید دایر میشد اما نسبت معاذیری نتوانستند آ نطو ریکـــه پروگرام تر تیب شده بود عمل‌شود زیرا گروپ اول که‌متشکل‌ازکشور های ایران ، بحرین ، کویت،لبنان، پاکستان ، سوریه و یمن بود د ر طهران مسابقاتی را انجام دادند که در نتیجه ایران مقام اول و بحرین مقام دوم را حاصل و هر دو حـق اشتراك را در مسابقات فا ینل د ر طهران بدست آوردند .

در گروپ دوم که متشکل‌از تیم های کشور های افغانستان، عراق، بنگله دیش ، هند ، نیپال ، قـطر عربستان سعودی و ار دن بو دند چهار کشور یعنی هند و نیپال و بنگله دیش وار دن دران اشترا ك نورزیده و مسابقا تیکه بین چهار تیم اشتراك کننده انجام شددر دو دور به سیستم لیك بود کـــه در نتیجه عراق مقام اول و عر بستان سعودی مقام دوم‌را نصیب‌گردیدند گروپ سوم در کشورهای، بورینو، برما ، هانگ کانگ ، اندو نیز یا ، مالیز یا ، سنگاپور ، سر یلا نکـا وتایلند تشکیل میدادند در شـهر بیروت باید دایر میشد که آ نهـم نسبت بحران های داخلی لبنان‌دایر نشد .

گروپ چهارم که متشکل‌ازکشور های چین ، اسرائیل ، جا پـان ، کمر ، کور یای جنو بی ، لا وس، فلیپین وویتنام جنو بی بودکه‌مرکز مسابقات آ نها را هانك کانك‌تعیین نموده بودند و لی آ نهم دا یـــر نگردید که بالاخره بعد از معلـــوم شدن قهر مانان‌هر گروپ‌مسابقات طهران به اشتراك هشت‌تیم یـعنی اول و دوم هر چهار گروپ در ماه جولای سال آینده دایر خـوا هـد شد .

در مورد مسابقات عـر ا ق از بناغلی عثمانی اندك بیشتر طا لب معلو مات شدم که چنین تو ضیح نمود :

ـ طو ریکه گفتم مسا بقات د ر دو دور به سیستم لیك انجام شد که در دور اول به اساس قرعه به روز ۲۱ نوامبر قطر مقا بل عراق وافغانستان مقابل عربستان سعودی به مسابقه پر داختند که در نتیجه عراق دو مقابل صفر بر قطـــر و عربستان سعودی دو مقابل صفـر بر ما غالب گردید درین مسا بـقه گول اول در دقیقهٔ چهلم و گـــول دوم در دقیقه هشتادم مسابقه داخل دروازهٔ تیم ماشد .

در روز ۲۳ نوامبر عربستـــان سعودی باقطر و افغانستان باعراق مسابقه را انجام دادند که در نتیجه عربستان سعودی صفر مقا بل یـك نمبر بازی ر ا ۱ برای قطر بـا خت وعراق دو مقابل یك بر افغانستان غالب گردید .

در روز ۲۵ نوامبر ا فغـانستان باقطر و عربستان سعودی با عراق مقابل گردیدند که قطر ۲ مقا بــل یك بر افغانستان غالب و عراق و عربستان یك مقابل یك با هـــم مساوی گردیدند دور دوم مسا بقات که از۲۸ نوامبر الی دوم اکتو بـــر دوام داشت در مسابقه‌اول‌عربستان سعودی ۳ مقابل یك بر افغانستان وعراق ۳ مقابل‌صفر برقطر غالب و همچنان عر بستان ۲ مقابل یك بر قطر غالب و عراق ۲ مقابل ۱ بـر افغانستان غالب گردیدند وافغانستان و قطر یك‌یك با هم مساوی‌گردیده عـــــر ا ق بــــر عـربستان سعودی ۲ مقابل یك غالب گردید .

درین مسسابقات باید از با ز ی بناغلی رحمت الله فول بیك خیلـی بتو صیف یاد آور شد واز‌اسمعیل فرید ، ز مان عثمان ، کریم‌کریمی، فاروق صدیق ، یاسین ، احمدشاه وصابر و سعدالله هم یاد آو ر ی کرد .

در دوران مسابقات ر حمت الله، زمان ، فاروق ، اسد و اسمعیـل اندکی جراحت بر داشتند ودیگران سالم از میدان بدر شدند .

در اخیر از بناغلی عثمـا نـــی پرسیدم که آ یا باز هم تا آ مـدن کدام تور و یا مسابقات دا خـلی فوتبا لیست های ما بخواب‌خواهند رفت یاچطور ؟ به جواب گـفت :

ـ نه ، اینبار چنین نخواهد بود زیرا درنظر است از یکطرف بـــر تعداد اعضای تیم افزودی بعمل‌آید یعنی از ۱۸به ۳۰ ارتقا یابند واز جانبی کوشش ز یادی‌بعمل خواهد آمد تا هیچ سکتگی در تمر ینا ت آنها رخ ندهد تا تیم فو تبال مـا از یکطرف همیشه آ ماده با شند واز جا نبی استفاده خوب‌ازبهترین تریتری که در خدمت دارندبنمایند .







این سه عکس نمایانگر مسابقـات‌در بغداد است که ورز شکاران مابا تیم های عربی مقابل شدند.



ترجمهٔ «رز» از: الیری کوین

مسافری از افریقا

آقای «الیری کوین» که لباسی‌از پارچه گل سنگ انگلیسی به تن داشت، در امتداد دهلیز منزل هشتم عمارت «ارست» راه میرفت . این عمارت در واقع بالا حصار پوهنتون بود که با مصرف گزافی ساخته شده بود. درین روز گوشهای‌آقای «الیری کوین» با آواز های دختران و پسران دانشجو پر شده بود . او خودش از فارغان پوهنتون هاروارد‌به‌عمارمیرفت.

ازمیان انبوه‌دانشجویان گذشت وبا خودش گفت:

— اینهم تعلیمات عالی درنیو — یارك !

چشمهای نقره گونش در پشت عینکهای پنسی درخشید.این چشمهاقدرت تشخیص فوق العاده یی داشت که مستلزم شغل او، یعنی بررسی پدیده های جنایی. بود، این چشمهاچهره‌های گوناگون شاگردان را که در مسیرش قرار داشتند، با دقت مینگریست .

از میان يك جمعيت دختران گذشت وبه مقصد خودش که اتاق شماره ۸۲٤ بود، نزديك شد.

نزديك دروازه درنگ کرد، برای اینکه در آنجا زن زیبا و جوانی‌خم شده بود ولوحه یی‌را که‌به دروازه آویخته شده بود، میخواند. کاملا روشن بود که انتظار آقای «الیری کوین» را میکشد. برین لوحهٔ کوچك این کلمه هابه چشم میخورد :

«جنایت شناسی تطبیقی .
آقای کوین»

زن جوان با نشاط تمام او را نگریست. آقای« کوین» نمیدانست که این زن در ینجا چه میکند. امازن جوان به‌او مجالی نداد دستش، یا بهتر است گفته شود بازویش را گرفت و با آواز گوشنواز و پر محبتی گفت :

— شما آقای «الیری کوین» هستید. خودش هستید. اینطور نیست ؟

آقای «کوین» گفت:

— من ...

اما دختر جوان سخنش را برید:

— میدانستم که خود شماهستید شما خوبترین چشمها را دارید . چشمهایتان رنگ عجیبی دارد ، حتی میشود گفت که ترسناك است.

— نفهمیدم چه گفتید؟

— هیچ، من چیزی نگفتم .

دختر این را گفت و بازوی آقای «کوین» را رها کرد. بعد، افزود:

— و شما کارآگاه معروف هستید، ها؟ مرا «آیکی» سالخورده پیشس شما فرستاده.

— گفتید «آیکی» سالخورده؟

— خدای‌من شمااو رانمیشناسید؟ منظورم پروفیسر« ایکتروپ» است که درجه های بی.ای، ام.ای ، پی اچ.دی. و خدا میداند چه چیز های دیگری دارد.

آقای «کوین» گفت:

— ها، حالا شناختم.

دختر جوان گفت:

— گذشته ازین، «آیکی»سالخورده پدرمن است. متوجه هستید؟

بااین جمله ناگهان حجبی به دختر جوان دست داد. یا آقای «کوین» اینطور به نظرش آمد. برای اینکه مژگانهای سیاهشس پایین افتاد تا چشمهایش راپوشاند.

آقای کوین گفت:

— بلی، متوجه هستم دوشیزه «ایکتروپ» حالا همه چیز رافهمیدم. پروفیسور ایکتروپ مرا اغوا کرد تا تدریس این کورس را به عهده گیرم . و تو که دخترش هستی‌فکر میکنی میتوانی درین دسته شامل شوی. چه فکر خامی!

عصایش را مثل پایه یی به‌زمین تکیه داد و افزود:

— نی، من فکر نمیکنم که بتوانی!

ناگهان ، به صورت غیر منتظره یی ، پای دختر به عصا خورد و آقای «کوین» به سختی توانست از افتادن جلوگیری کند ، دختر گفت:

— آقای کوین این چوب را رها کنید میتوانیم برویم درون؟ چه نام قشنگی دارید!

— ولی...

— آیکی همه چیز را رو به راه کرده است . خیر ببیند .

آقای کوین با اعتراض گفت:

— ولی من قبول ندارم. مطلقا...

دختر بی توجه به اعتراض او میان سخنش دوید :

— من لیسانس خودم را گرفته ام حالا میخواهم ماستری بگیرم . من خیلی با هوش هستم. شما هم‌دیگر اینقدر پروفیسر مآبی نکنید. شما که هنوز جوان هستید. چشمهای نقره‌یی تان...

ناگهان آقای کوین احساس خوشحالی کرد و گفت :

— خیلی خوب ، بیایید .

اتاق کوچکی بود با میز درازی که دورش را چوکی چیده بودند. با داخل شدن آنها دو مرد جوان با احترام به پا خاستند. دو مرد جوان با دیدن دوشیزه ایکتروپ تعجب کردند، ولی ناراحت نشدند یکی از دو مرد جوان به سوی‌آنان آمد. با آقای کوین دست داد و گفت:

— من «باروس» هستم... « جان باروس». ازین که من و «کرین» را ازمیان گروه داوطلبان انتخاب‌کرده اید ، خیلی سپاسگزاریم .

به‌نظر آقای کوین آمد که‌اوجوان خوبیست با چشمهای درخشان و روی باریك هوشمند. آقای کوین گفت:

— باید از نتیجهٔ امتحان وگذشتهٔ خوب تان سپاسگزار باشید... بعد به سوی جوان دیگر دید وافزود :

— و شما هم‌البته که «والترکرین» هستید. درست است؟

جوان دومی هم دست آقای کوین را احترامانه فشرد. بلند و بزرگ استخوان بود. سیمای خوشایندی داشت. درین حال‌گفت:

— درست است، من والتر کرین هستم. تحصیلاتم‌دررشتهٔ‌کیمیاست وبه کورس فعلی هم سخت علاقمندم .

آقای کوین گفت :

— بسیار خوب، دوشیزه ایکتروپ هم عضو چارم گروه‌کوچك ماست. و البته که عضویت اوکاملا غیر منتظره است... خوب، بیایید بنشینیم و صحبت کنیم.

«کرین» و «باروس» خودشان را روی چوکی ها انداختند و دختر هم آرام بریك چوکی نشست.آقای کوین کلاه وعصایش را به کنجی گذاشت. بعد، دستهایش را روی میز نهاده‌به سقف‌خیره شده‌وگفت:

— چندی پیش پروفیسر ایکتروپ به من مراجعه کردوخواهش نمود این کورس را دایر کنم. وی از پیروزیهای ناچیز من در کشف جرایم که بر اساس تحلیل خالص صورت گرفته بود، چیز هایی می دانست. او فکر میکرد که انکشاف دادن خصلت تحقیق بر مبنای استدلال در شاگردان‌جوان‌پوهنتون کار دلچسپیست. من که روزگاری خودم شاگرد بودم، درین کار اطمینان نداشتم.

دوشیزه ایکتروپ گفت:

— ما مغز مان خیلی خوب کار میکند.

آقای کوین با سردی گفت:

— خوب، این مساله باید ثابت شود فکر میکنم این خلاف قاعده است. ولی من بدون تنباکو فکر کرده نمیتوانم ... آقایان میتوانید سگرت بکشید. دوشیزه ایکتروپ شما سگرت میل دارید ؟

دختر جوان سگرتی برداشت. وبا کوگرد خودش آن را روشن کرد وبه آقای کوین خیره ماند .

کرین پرسید:

— کار های ما در بیرون خواهد بود. اینطور نیست؟

آقای کوین روی پا ایستادوجواب داد:

— یقینا همینطور است ... دوشیزه ایکتروپ ، لطفا توجه‌کنید. کار ما در بیرون است . باید این کار را انجام بدهیم. و همین حالا انجام بدهیم. خیلی خوب، جنایات رابایید از لابلای اخبار روزانه بررسی کنیم. ما بدون هرگونه پیش داوری آغاز میکنیم. به خاطر داشته باشید که زیر نظر من کار

میکنید ،خوا هیم دید که چه واقع میشود.

چهرهٔ هو شمند «با روســـس» در خشید:

ـ در بارهٔ تیوری چه؟ یعنی شما دربارهٔ اصول کار به ما در س نظری نخواهید داد؟

آقای کوین گفت:

ـ لعنت بر تیو ریها ! بار و س به خا طر دا شته با ش بهترین راه آموختن آب بازی، داخل شدن د ر آب است... میدانید که شصـــت و ـه نفر داو طلب این کو ر س بودند .شما میدانید که من فقط دو یاسه نفر میخوا ستم. برای اینکـــه بیشتر ازین عدد مرا با نا کامی‌روبه رو میسا خت.من، کرین را انتخا ب کردم زیرا احساس میکنم که دا رای یک‌مغز تحلیل گر است. با رو س‌را انتخاب کردم ، زیرا گذ شتهٔ بسیار عالی تحصیلی دارد. این شد یـــک دستهٔ بسیار عالی.

دو مرد جوان سرخ شدندوآقای کوین ادامه داد:

ـ ولی تا آنجا به شما، دو شیزه ایکتروپ، مربوط است، شما خودتان خویشتن را انتخاب کردید کـــه عواقب این کار را با ید قبول‌کنید. ولی به خاطر دا شته با شید بــه مجردی که اولین نشانهٔ غبی بو دن در شما دیده شود، اخراج خوا هید شد.

دختر جوان گفت:

ـ یك فرد خا نواده ایکتروپ‌هرگز غبی نیست!

آقای کوین گفت:

ـامید وارم همینطور با شـــد. صادقانه امید وارم که همینطـــور باشد... ولی در مورد قضیه یی که روی آن کار خوا هیم کرد، با یـد بگویم: چند لحظه پیش از آ نکه به طرف پو هنتون بیایم، به د فتـــر پو لیس گزا ر شی ر سید. ایـــن گزارش حاکی از آن است کـه در حوزهٔ نیا تری شهر قتلی ر خـداده است. قر بانی مر د یست به نا م «اسپار گو» بعدا در یا فتم که این حادثه خیلی عجیب است. من ا ز پدرم، یعنی کار آگاه «کوین» کــه شما او را میشنا سید، خوا هشـــ کردم . محل حا دثه را همـــچنا ن دست نخورده نگه دا رند. مابایـد همین حالا به آنجا برویم.

باروس هیجا نزده فریاد زد:

ـ چه عجیب ! رو به رو شد ن بایك جنایت! آقای کو ین، ما ر ا اجازه خواهند داد که‌به آنجا دا خل شویم ؟

ـ البته. من برای شما دو نـــفر کارت پو لیسی، شبیه کارت خودم، گرفته ام. برای شما دو شیـــزه ایکتروپ ، بعدا خواهم گر فت . .. بگذا رید برای همهٔ تان بگو یم کـه مبا دا چیزی را از محل حا دثه‌باخود ببرید. حد اقل بدون مشو ر هٔ من این کار را نکنید. و دیگر اینکه به هیچ و جه به خود تان اجا ز ه‌ندهید که با خبر نگا ران صحبت نمایید.

دو شیزه ایکتروپ اند یشمندانه گفت:

ـ یك قتل !

آقای کوین گفت :

ـ این برای شما یك قضیـــه امتحا نیست. من میخوا هم بفهمم که مغز های شما هنگام بر خورد بایك حادثهٔ واقعی چگو نه عمـــل میکند... دو شیزه ایکتروپ، شما کلاه یا چیزی شبیه آن دا رید ؟

ـ برای چه ؟

ـ خوب شما بد ینصو رت بـــه آنجا داخل شده میتوا نید.

دختر جوان گفت:

ـ در الماری خودم دارم . فو را می آورمش .

آقای کو ین کلاهش را به ســـ گذا شت و گفت :

(باقیدارد)



تازه‌ترین جمهوریت براعظم افریقا انگولا

اولین مسافری درناحیه (کوچی) بفاصله ۹ کیلومتر ازپایتخت این ولایت قدم گذاشت فوق العاده دلچسپ بود . سرك درگرانهٔ حوالی ادامه داشته وبکلی خالی ازانسان بود که درهریك‌کیلومتر مربع آن ٤نفر حیات بسر می بردمنظرهٔ آن بصورت عمومی خشك بوده ویاکمی ازجنگلات ، شعاع‌آفتاب ازمیان‌درختان تابیده رنگهایی دلکشی رادر فضا تولید میکند. (کوچی) قریه‌ی کوچکی ازبهتر ین نمونه قریه جات انگولاست که میتوان درآن اهالی اصل وحیات ابتدایی این سرزمین را دریافت که دارای چند خانه بوده مقصدمسافرت سیاح مذکور ٦٠ کیلو متر به سو ی جنو ب طی مسافه چندی آهسته آهسته چپری حقیقی اهالی آنجا ازدورنمایان شدکه ازگیاه ها و شاخه های نباتات سوانایی بشکل مخروطی ساخته شده بود که بکلی طرززندگی وحیات انسانهای اولی رابخود داشت یك عده دریا های خردوباریکی اطراف این قریه را احاطه کرده که باعث سرسبزی نواحی آن میگردد . درواديهای آن نیگرو های این منطقه صرف درموقع مذکور بزراعت پرداخته که یك اندازه حاصلات قلیل ازآن بدست می آورند زیرا آب بوقت مساعد بمزارع نمیرسد . باران بصورت غیرعادی وبی موقع میبارد برای بهتر ساختن وضع زراعتی پلانهای مدنظر است تاآبرا در مواقعاش ذریعه کانالها بمزارع رسانید ولی متاسفانه حیات اولیه وبی بضاعتی نیگرو ها علت عقب ماندگی این پلانها گردیده است .

لیساتینگا، کوچی وغیره ازعلاقه جات خیلی دلچسپ بوده نیگرو ها معمولا از یك محل بمحل دیگری بسرعت نقل مکان نموده طرززندگی خودرا تغییر میدهند از همین جهت است‌که جای رهایش خویش را از گل وشاخه های نباتات میسازند تادر ترانسپورت آسان شود . چپرهای آنها پهلوی هم شکل دایروی درمیان‌درختان بلندی چیده شده که که بالای زمین بلند وتپه مانندی قریه مذکور تشکیل‌یافته‌این درختان‌که بهم‌نزدیك وتقریبا غلو میباشند ازنوع درختان سوانا بوده بنام ملمبا یادمیشود که دارای تخم مخصوص بوده ودرموقع مساعد بمجرد ریختن بروی زمین سرازنونمو وآهسته آهسته غلو میشوند این درختان یگانه منع محروقاتی وتعمیراتی نیگرو های این نواحی محسوب میشود . باآنکه چپر های آنها پهلوی هم قرار دارند ولی دروازه چوبی بزرگی دخول این قصبه را نشان‌میدهد ودربالای دروازه شاخهای گاووجمجمه حیوانات نصب است که نمایندگی ازعنعنات دیرینه‌مردم آنجا میکند درهر چپری معمولایك فامیل حیات بسرمیبرد .

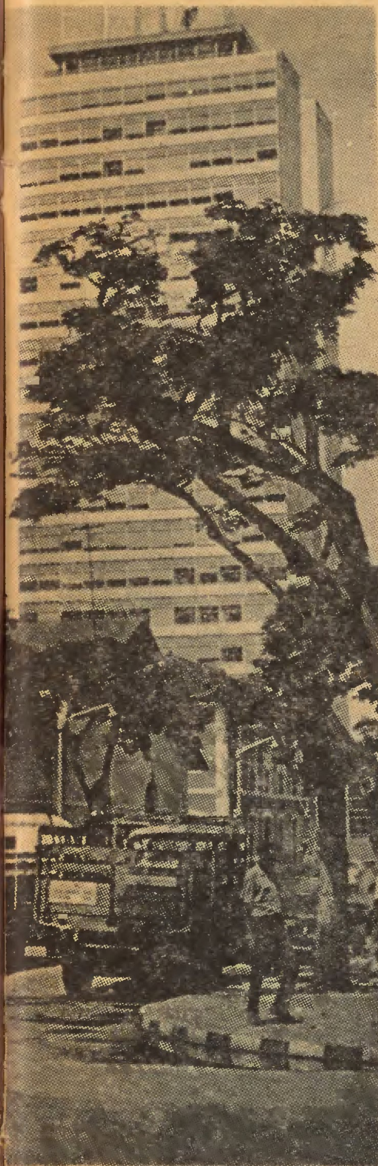
آدم تازه واردبمجردعبورازدروازه عمومی از طرف یك عده اطفال برهنه احاطه میشو ند شور وهلهله شادی وتعجب آنها تماما ساکنین قصبه راباخبر ساخته مخصوصا کهن سالانیکه درمقابل چپری باپایپ خود مشغول دود کردن گیاه (تمباکو) میباشد اولترازهمه متوجه تازه وارد میشود سپس ریجدار (کلانتر قبیله) جلوه آمده ورود تازه وارد رانیك خواند ه استقبال گرم میکند درعقب آن پیرامون قبیله صف بسته هرکدام اشتیاق خاصی به سیاح پیدا کرده تاهرچه زودتر علت آمدن وی رادر قبیله جویا شود . اهالی دارای اندام قوی ، دندانهای سالم وقدرسای اند یگانه . امراضی که درمیان قبایل بومی انگولا شیو ع است بصورت عموم ملاریا وتااندازه سل میبا شد . اطفال بصورت عموم‌برهنه‌بوده وازصحت کامل بهره مند نیستند هر دختر در انگولا ودرتعلیمات ابتدایی خویش اولترازهمه زبان پرتگالی را فراگیرد بعددرامور اجتما عی لازمست تاپخت وپز اروپایی را بدرستی بداند . سنین ١٤ـ١٥ سالگی ازدواج کند . که سن آخرین ازدواج برای آنها ١٧ سالگی میباشد اگر ازاین سن عبور نمود برای ابد تنها خواهد ماند درحال حاضر دوشیزگان گردونواحی انگولا باآنکه سنین شان کمتر ویا اینکه بالغ نشده باشند بامردان پخته سن ازدواج میکنندزیراعادت وعنعنات این سرزمین چنین حکم میکند تاشوهرکم ازکم دوچند ز ن عمر داشته باشد زیرا شوهر اینکه دارای سنین خیلی زیاد ازدواج میکنند تاازپرداخت های مقدار پول رهایی یابند ولی دراین تازگی هادختران انگولا بیدار شده و آهسته آهسته خودراازز یربار این همه‌خرافات‌رهایی بخشیده‌اند انتخاب شوهر را بدلخواه خویش مینما یند همچنین چندزنه (پایگالی) ایکه هنوزهم در قبایل گنگو یل مروج است کنار گذاشته‌اند.

بفاصله ۲۵ کیلومتر ازویلاسرپاینتو بسوی کوانگار محل کارهای شاقه مسومبو قراردارد این فرقه ایست برای زندانیان از آزادیخواه انگولاکه برعلاوه جبهه آزادیخواه جانی و مرتکبین سیاسی نیز در همانجا حبس میبودند آنها بکار های مشکل معادن ، سرك سازی وکانالهای آبیاری منحیث گلکار، باغبان وغیره اهل کسبه بکار گماشته میشدند در مقابل علاوه براینکه غذای درست وکافی برای آنها نمیرسید ذجر وشکنجه ازهرطرف بسر وروی ایشان میبارید . زندگی برای آنها بی ارزش بوده ازهیچگونه خرابکاری دریغ نمیکردند . تعداد زندانیان دراین محبس به ۷۰۰ نفر میرسید آنها دایما به اعتصابا ت دست زده بخرابکاری محبس، قتل پاسبان، گرسنگی وغیره مبادرت میورزیدند .

درجهان فوناوپارکهای ملی کتب وراپورتاژ های دلچسپی ازطرف علمای بزرگ وبرجسته جهان‌نوشته شده‌کمپنی های معروف فلمبرداری فوتو وفلم های مسندی برداشته وخدمات شایانی رادر جهان علم وهنر انجام داده اند. پارکهای ملی بزرگ وعجیبی رادر جها ن برخورد که هرکدام بنوبه خود حایز اهمیت خاصی میباشند دربراعظم بزرگ و تاریك افریقا که دارای بزرگترین دریاها وجنگلات جهان میباشد بهترین این نوع پارکها را مشاهده کرد وهمه راجع به پارکهای ملی سرینگتی، نوگرد، نوگرو، امبوسیلا و غیره پارکهای ملی افریقا آشنایی دارند ولی در پهلوی این جاهای معروف اکثر از طرف توریست هاجاهای کشف ومشاهده شده است که آنقدر هامعروف نبوده ولی بعد ها ارزش آن زبانزد همه گردیده است منجمله (جونا) پارك ملی جنوب غربی انگولاست که میتوان آنرا ازجمله عجائبات جهان معرفی کرد که ازرهگذر مناظر طبیعی وحیواناتیکه در آنجا زیست میکنند ازسایر پارکهای جهان تمیز داد نه‌تنها حیواناتی از قبیل شیر، پلنگ ، کرگدن، زرافه وغیره بلکه میتوان باحیواناتی برخورد که درسایر نقاط جهان نیظیرآن کمتر دیده میشود که درمیان آنهاازآهوان اوریکس، گوره خرارتمانا، روبای دیلالاندا و همچنین انواع کفتار نامبرد که حیوانات مخصو ص جنلات انگولا میباشد همچنین ازرهگذر نباتات وبوتانیك پارکها وجنگلات انگولاغنی میباشد .

پارك (جونا) ساحه بزرگی رادر وادیها ، سنگلاخها وحتی مناطق صحرایی نزدیك بشهر سامدیش دربرگرفته که ازشهر مذکور الی پورتوالك ندای جاده اسفلت شده ای امتداد دارد. پارك بعداز علاقه صحرایی کناردریای کوروکار موقعیت حاصل نموده است . ساحه ریزرف این پارك ازچند هزارکیلومتر تجاوز

بقیه در صفحه ٥١



یکی ازجاده های زیبای شهر انگولا

گام تازه در جهت پیروزی زنان کارگر

به‌منا سبت سال بین المللی زن

نوشته: راحله راسخ

سال بین المللی زن آخر ین روز هایش را سپری می نما ید در طول این سال تصا میم وتصاویبی به نفع زنان رویدست گرفته شد که‌در مقطع تحلیل وتجزیه زما نی به سویه ملی وبین المللی‌ارزشمند به‌حساب‌آمده که دربعد زمان‌طولانی طی شده چنین پیرو زی هایی را که دریکسال نصیب شده اند هر گز بدست نیاورده بودند .

از شرق تاغرب واز شمال تا جنوب کره ارض درین سال آواز آزادی خواهی و آزا دی زنان چنان دوبا لاشده بود که به یقین این یك آغاز منظم ومنسجم مبارزه، مجادله وحق خواهی زنان را در آینده می رساند زیرا تا آنجائیکه اوضاع واحوال کنونی وزند گانی متفاوت زنان درقاره های جهان می نمایاند برای زنان مبارز وآزادی طلب فضای وسیع ومیدان های گسترده ای پیکار وجدل علیه حق تلفی ها، تعدی، ظلم وستمی‌درمیان است که از زمانه های گذشته‌و قرون متمادی سخن می‌گویدوریشه دیرینه دارد.

مطالعه ومروریکسا له‌اخبار، جراید، مجلا ت وسا یر وسا یل تبلیغا تی دیگر نمایا نگرحقیقت مبر هن وروشنی است که امروز ، زنان اکثریت کشورهای‌جهان وبخصوص کشورهای عقب نگهداشته شده آسیایی ، افریقای‌و امریکای لاتین در بدترین شرایط زیست نموده‌و حتی دراوضاع‌واحوال قرون وسطی درمغاره‌ها، بیغوله ها در دشت‌های گرم وسوزان ویخبندان بسر می برند ، ز نا ن بر علا وه محیط نا مسا عد زند گی ، تحت استیلا،و ستم، سیستم های کهنه اجتماعی واسارت مردان، روز گاری‌را سپری می نما یند .

درین سلسله آنچه مهم وارزشمند محسوب می شود همگو نی وهما هنگی، شنا سایی حق زنان وخود آگاهی زنان است که در عرصهٔ سال بین المللی زن بوجه نیکویی ایجاد شده ومهره های زنجیر وحدت ونزدیکی زنان را بسویه جهانی باهم وصل می‌نماید. زیرا در طی همین سال ازراه تدویر وایراد کنفرانسها، کنگره های‌جهانی باهم تبادل افکار نموده واز وضع یکدیگر اطلاع حا صل نمودند که‌در آتیه‌نهضت زنان حتما مورد استفاده شایانی قرار خواهد گر فت.

در کشور عزیز ما افغا نستان نیز درین سال کار هایی به نفع‌زن صورت گرفت که‌در آینده روی آن صحبت خواهیم نمود، ولی آنچه در پی‌می آید نویدیست از تصمیم‌دولت جمهوری افغا نستان درین باره که: ازین به‌بعد زنان کارگر مؤسسات وفابریکه های دولتی وخصو صی ازطرف شب به‌کار نپردازند واین خود پیروزی است به نفع زنان زحمتکش وکار گر خطه با ستا نی‌ما که‌با زحمات همیشگی شان درعقب ماشین هاوکار گاه های مختلفه، از هیچ نوع فدا کاری درراه‌اعمارو‌آبادانی وطن دریغ ننموده اند.

تا جاییکه همگان برآن اعتراف دارند وهم تاریخ زندگی مردم ما بازگو کننده آنست، زنان وطن ما دوشا دوش مردان در همه امور زندگانی به‌کار پرداخته وبا قبولی همه تکا لیف ،رنج ها و مشکلا ت وظایف محوله رابه شا یستگی‌انجام داده وضمنا به امور خانه وخا نواده نیزرسیدگی نموده وهر گز گردو غبار وخستگی کار دربیرون ازمنزل مانع ترتیب وتنظیم کار های‌خانوادگی وترتیب اطفال‌ایشان نشده‌بلکه باسلیقه قابل وصفی در چاردیوار منزل غرض آسودگی اعضای فامیل کوشیده اند.

طور مثال زنان قالین باف‌گوشه وکنار وطن مادر حالیکه به‌تناسب یك شبانه روز اکثرا گره می زنندو باخون دل وسر انگشتان قالین‌های رنگین ومرغوب را عرضه وبه‌افتخار وطن ووطنداران می افزایند، به‌امور خانوادگی یعنی تهیه وپخت وپزغذا، تربیه اولاد، دوخت البسه وده‌هاکار متفرقه دیگر مشغول اند که مردان درین سر زمین درحصه انجام آن بازنان همکا ری ندارند.

زندگانی دهقان زنان، کوچی‌ها، خیاطان وکار گران زن ومعلمات وغیره دراکثرممالك جهان‌همان‌گونه که گفته آمد سپری می گردد، یعنی هما نگو نه که در کشت و کار زمین ویا دیگر امور با مردان یکجا تلاش می ورزند کار های خانوادگی رانیز صبورانه ماهرانه متحمل می شوند.

البته ناگفته نباید گذاشت که‌در کشور های پیشرفته ومترقی جهان تاآنجا های که تفاوت ها وافراطو تفریط زندگی به تاریخ گذشته تعلق می‌گیرد می‌رود که مردان نیز در امور خانوادگی همانطور که زنان‌در کارهای اجتماعی با ایشان همراه وهمباز اند، در خا نواده معا ون و مددگار زنان باشد .

آنچه درین بحث قابل یاد آوری وضروری جلوه می نماید اینست‌که نباید چنین نتیجه گیری صو رت گیرد که‌زند گانی زنان همه اطراف واکناف جهان بدون تفاوت‌واختلاف سویه سپری میگردد، زیرا وضع اجتماعی جوامع‌بشری چنان‌ناهمگون ومتفاوت است که نمی شود، آسیا رابا اروپا وامریکا رابا افریقامقایسه نمود وهمینطور زندگی زنان را در سایر ممالك جهان تصور نمود .

بادرك مطالب‌فوق وحساب‌درست ازمصروفیت های زنان وبخصو ص زنان کار گر در وطن ماست که مجلس عا لی وزرا منع واستخدام واشتغال کار شبانه زنان رادر کار خانجات ومؤ سسات صنعتی دولتی وخصوصی تصویب نموده است که درراه فراهم ساختن تسهیلات در زندگی زنان می توانند یك اقدام‌نیك به‌نفع زنان کار گر باشد .

البته قرار اطلاع مدیریت عمومی کار وکارگر درهمه‌ساحه ها تصویب فوق رامرعی خواهند داشت .

در اخیر باید گفت که زنان جمهوریت افغا نستان وخصو صا زنان کارگر مؤسسات وکار خانجات ازین اقدام وتصمیم استقبال نموده ودر جریان برگذاری‌سال بین‌المللی زن‌این ابتکار را پیروزی مهمی بحساب می آورند .

زنده باد افغا نستان

پاینده باد جمهور یت

پیروز باد نهضت زنان

د پښتو خپرنو د بین المللی مرکز د بین المللی سیمینار له بیانا تو څخه

په پښتو ادب کښې د تاریخی پېښو انعکاس

څلورمه برخه

د شا هجهان پادشاه فرمان ورته ورسید او رسماً د پلار مقام ورکړی شو په ۱۰۵۱ هق ۱۶۴۱ ع کښې د پنجاب د یا غیا نو په مقابل کښې د حکو مت په طر فداری وجنګید او په ۱۰۵۵ هق ۱۶۴۶ ع کښې یې په شاهی لښکرو کښې ګډون وکړ.

په ۱۰۶۳ ه.ق ۳ر۱۶۵۲ ع او ۱۰۶۴ ه.ق ٤ر۱۶۵۳ ع کښې یې د بنګښو سره جنګو نه وکړل.

په ۱۰۶۸ ه.ق ۱۰۵۸ ع او رنګ زیب د خپل پلار شا هجهان د ناروغۍ له امله د هغه په ځای کښېنا ست او باچا شو.

د پلار په جانشینۍ د اور نګ زیب او د هغه د ورو نو شجاع او دارا شکوه اختلاف و نو ځکه د دوی تر منـــځ جنګو نه وشول.

په دې جنګو نو کښې خوشحال خان په پښتو نخوا کښې داورنګ زیب مرسته وکړه په ۱۰۷۰ ه.ق ۶۰ر۱۶۵۹ ع کښې خو شحال خان په تیره کښې د حکو مت د مخا لفا نو سره کوبې وکړه او بیاد حکو مـت په ګټه د یو سفزو سره پـه جنګ جګړو ولګید.

په دې تو ګه د نوی حکومت داورنګ زیب داقتدار دوقار د قایمو لو د پاره یې ښه زیار وایست.

په ۱۰۷٤ ه.ق ۱۶۶٤ ع د کا بل صو به دار سیدامیرخان خوافی د خپلو خاصو هد فو په اساس په یو میرزایی چل د بادشاه نه په مجمـــل ډول د تشدد اود ځینو کسانو د ګو فتا ری امراو اختیارات واخستل د هغه لاندې خو شحال خان بندی او مر کز ته واستول شو. دوه نیم کاله قید او بیا نظر بندو.

په ۱۰۷۹ ه.ق ۹ر۱۶۶۸ ع کې آزاد او وطن ته راغی.

په ۱۰۸۳ ه.ق ۱۶۷۲ ع کښـــې محمد امین د کابل صو به دارو.

د خو شحال خان د بند په موده کې ده د هغه د خلا صون کو ښښ کړی و. په دې وخت یوه عجیبه پېښه وشوه په کونړ کښې سر کاری سپا هیانو د یوی ساپی جینۍ بې عزتی کړی وه د ننګر هار خلك ساپی مومند شینواری اواپریدی او نور پارید لی او پاڅیدلی وو او د ایمل خان مومند په مشری یې لښکر جوړ کړی و د دوی د ما تو لو د پاره محمد امین صو به دار د پېښور نه لو ی لښکـر ر وا ن کـړی و چه خو شحال خان هم پکښې و. په لنډی خانه کښې دواړه لښکر سره مخامخ شوو شا هی لښکر ما ت او دوه ځایه شو.

یوه ډله چه محمد امین ورسـره و پېښور ته لاړ او بله ډله چه خوـ شحال خان پکښې و د تاتری په لار واپس شوه پښتنو پر دوی بله حمله وکړه او مات یې کړه.

د محمد امین په ځای مها بت خان د کابل صو به دار شو.

هغه د حکو مت سره د خو شحال خان ملګرتیا غو ښتله مګر خو شحال خان ر دوله ځکه چه د بندنه ورو سته ده په زړه کښې د حکو مت مخا لفت پیدا شوی و.

د خو شحال خان زوی بهرام خان حکو مت ته نژدی کړ حکو مت هغه په غیږ کښې ونیو هغه د پلار سره جنګو نه شروع کړل.

خو شحال خان ډیر خله بهرام ـ خان ته ماتی ور کړلی په دی تو ګه خو شحال خان د ژوند تر پایه پو ری حکو مت سره وجنګید او سر یې ورته ټیټ نه کړ په ۱۱۰۰ ه.ق ۱۶۸۹ ع وفات شو.

په دی صورت دده ټول عمرا کثرا د غیر ملی پر دی حکو مت په طر فداری د پښتنو په مقابل کښې او وروستی برخه د پښتنو د مرستې په جلبو لـو

د هماغه حکو مت په مقابل کښې په جنګ او جګړو کښې تیره شوه.

دی د پښتو ستر شا عر او لیکوال یعنې د توری او قلم خاوند و.

د دغو ټولو پېښو جنګو نـــو او جګړو حا لات یې په خپلو شعرو نو کښې انځور کړی دی او په یـوازې ځان یې د پښتو حماسی شعر تـــه ډیره تر قی ور کړیده.

که نورو حماسه ویو نکو شاعرانو د خپل وخت د واکمنا نو مشرانو او یا د اولسی قهر مانانو د ستاینې پـــه ترڅ کښې خپل حماسی آثار لیکلی دی او یا فو لکلوری حماسی داستا ـ نو نه یې منظم او منظوم کړی او ستر ادبی شهکارو نه یې ایجاد کړیدی. مګر خو شحال خان پخپله خان مرد میدان د جنګو نو او جګړو قهرمانو

د خو شحال خان په کورنی کښې زیات شمیر قوی او پاخه شا عرا ن پیدا شویدی د خو شحال خان شعر حماسی مضمون او س لا هم د شاعرانو د تقلید او پیروی وړدی.

یوازې د پښتنو شاعرا نو نه بلکه د نورو ژبو شاعرانو هم تری الهام اخستی دی او خپل حماسی مضمون یې پری قوی کړیدی.

د مثال په تو ګه د ډاکتر اقبال په شعر کښې دده د ادبی سمبولو نو او حماسی روحیې زیات انعکاس مو ند لی شو(۱)

د خوشحال او د هغه کورنی ادبـی آثار د پښتو ادب د پاره دو یاړ نه ډکه ذخیره ده چه له ښه مر غه ډیره برخه یې موجوده ده.

د شیخ ملی او بایز ید رو ښا ن ملی مبارزو او د خو شحا ل خـا ن حماسی شعرونه او فعا لیتو نو په ټوله پښتو نخوا کښې یو جنبش او بیداری پیدا کړی وه د بلی خوا دـ حاکمه قدر تونو رقا بتو نو ظلمونو او سیاسی کشمکشو نو په سیا سی لحاظ زمونږ هیواد ټو تی ټوټی کړی او پښتون او لس زبلی و.

په دغه حالت کښې میر ویس نیکه ظهور کوی په کند هار کښې فعالیت او مبارزه کوی او د مشر توب وا ګی په لاس نیسی. ۱۱۲۱ ء

دده د کورنی د واکمنۍ په وخت پښتو ژبې او ادب تر قۍ ته خورا ډیره تو جه کیږی او ښه لیکوا ل او شا عران میدان ته راځی.

د دې دوری ستر او مشهور لیکوال محمد هوتك د پټې خزانې مو لف دی چه نوموړی دغه کتاب د شاه حسین هوتك په وینا لیکلی دی او د لر غونو ٤۹ تنو شاعرانو تذکره ده چه د دې تذکرې له مخه مونږ ته ډیر په زړه پوری معلو مات رارسید لی او د هغو په لړ کې غوره حما سی شعرو نه هم موجود دی د دې کتاب د تاء لیف کار په ۱۱٤۲ ه کښې پای ته رسیدلی دی.

میرمن زینب د شاه حسین خور او د میرویس نیکه لور پوهه او ادیبه ښځه تیره شویده او د خپل ورور شاه ـ محمود په مرګ مشهوره ویر نه تری پاتې ده چه له پښتنی حماسی نه ډکه ده.

ریدی خان مومند د میر ویس نیکه او شاه محمود د جګړو په باره کښې په پښتو نظم یو کتاب لیکلی دی چه (محمود نامه) نومیږی.

په ۱۱۶۰ ه ،ق احمد شاه بـابـا په کند هار کښې د افغانستان دـ سلطنت تاج په سروی.

د هیواد د خاوری تمامیت او د افغانی قبایلو او اقوامو او د مختلفو سیمـــو او سیدو نکو تـ رمنځ د ملی و حـــدت ټینګولو ته تو جه کوی.

د هند د مر کزی حکو متو نو پـــه پښتیبا نی یې جنګونه او جګـــړی کولی.

نور بیا

۱ـ پدی د باره کښې و ګـــوری عبداله بختانی خدمتګار د خو شحال او اقبال د شعر مشتر کې خـوا وې تنګیالی پښتو د ۱۳٤۵ ه ،ش چاپ .

ژوندون

تهیه ونگارش: ازشرار



هنوز جنگ کلی وفرایزر به پایان نرسیده



محمد علی کلی قهر ما نسنگین‌وزن بوکس جهان که‌چندی قبل ، حریف قوی هیکلش فرا یز را درروند چهارد هم‌در مانیلا ازپا درآورد هنوز هم قانع نیست . او چنا نرقابتی به‌حریف خود فرایزر دارد که حتی درمجالس بسیار خصو صی‌وعام بر او میغرد ولی چون فرایزر خونسرد است باو جوداینکه نـزدعلی میدان را باخته است او بـا خونسردی که دارد محمد علی ، راعصبانی میسازد بطوری که گا هی اوقات علی براو حمله‌ور میشود.

درآخرین‌ملاقاتی‌که آندوباهم‌ترک‌کردند فرایزر گفت، که‌زینك ، را ترك‌نخواهم گفت وجواب خواهم‌دادعلی‌فی المجلس شدیدا عکس العمل نشان داد بطوری که نزدیك بـودمیان آن دو نزاع درگیرد.

آشتی مجدد

«وینچنسو لولونیدری»وهمسرش(آنتونیلا) که‌برای خرید به بازاررفته بودند .بالای مو ضوعی اختلا ف‌پیداکردند وکاراین اختلا ف چنـان زیادشد که ازخریداری پشیما ن ،و آهنگ با ز گشـت به منز ل کردند درحالیکه درجاده راه میرفتندباهم گفتگوداشتندبطوری که‌اختلاف شان بجای رسید که وینچنســـو‌دست بالا برد تابروی آنتونیلاسیلی بزند. که درهمین حال جوانی خودرامیان اندو افگند وضمن آنکه‌مانع سیلی خوردن آنتو یلا گردید، بـاوینچسو دست به گریبان شد ودر حین زدو خورد یکی ازانگشتان‌دست‌وینچسو رادر میان دود ندان گرفت وفشرد. درد چنان وینچنسو را درخود گر فت که بی اختیار فر یـاد کرد آنتو یلا که‌این حال شوهرش‌رادید طاقت ازکف داد وبا مشت ،و لگت به‌جوان ناشناس حمله کرد.اوآنقدر مشت‌برسر وروی جـوان کوفت وبه او لگد زد تا انگشـت‌وینچنسو رارهاکرد .این حاد ثـه باعث گردید که در همان‌لحظه پس‌ازآن زن وشو هر باهم آشتی‌کردند ووینچنسو ازدست آن جوا ن بـه پولیس شکایت کرد .

تاثیرات خنده

یکی از پرو فیسوران پو هنتـو- نهای‌مسکو خنده‌را مهمترین فکتور صحت‌میداندواواین عقیده‌است که‌خنده فعالیت هضمی راتنظیم نموده‌وفواید بسیار برای صحت وسلا متی دارد

راستی هم که خنده نمك‌زندگی است. ونمك تاثیر فراوا نبر معده وتنظیم فعالیت هضمی دارد .

دزدی عجیب

یك زن جوان زیبا در حالیکـه تفنگچه ای دردست داشت به یـك پمپ پطرول حمله کرد وما مـور تانك راوادار به‌تسلیم کرد . ز ن زیبا ابتدا مامور تانك پطرو ل رادر آغوش گرفت واورا غرق دربو سه کرد، سپس هر چه پول موجـود درصندوق بودباتهدید اسلحه‌گرفت وپابفرار گذاشت .ا ین‌واقعه ، د ر لوس انجلیس اتفاق افتاد .

یک‌دسته گل از پول

آقای گراهام جالب تر ین راه‌را برای ابراز عشق وعلاقه به‌معشوقه اش خانم ساندی پیداکرده است . گراهام باپول استر لینگ دستـه گلی در ست می کند و گل هـای ساخته شده ازپول رابه معشو قه اش تقدیم میدارد .

البته‌آقای گراهام بی‌آنکه‌به پو ل هاصد مه وارد بیاورد پو لهارا به طرز ماهرانه قا ت و دستـه گلـی زیبا درست مینمایداو برای یکدسته ازین گل جدید ده‌نوت مصر ف می کندو برای یك دسته بیستو چـار تایی۲٤ نوت‌بمصرف میرساند. که درحدود چهار هزاروسه صدا افغانی می‌شود .کیت گراهام روزی یـك دسته گل که‌پول ساخته بـر ای معشوقه اش میفرستند که البتـه خانم ساندی هم‌گلها را بجای‌اینکه درگلدان بگذارد به بانك میسپارد.

عکس حالب



گذارش خبرنویسان

تهیه وترجمه :میر حسام الدین برو مند

برگشت ۱۵۴۶ ویتنامی به اماکن شان



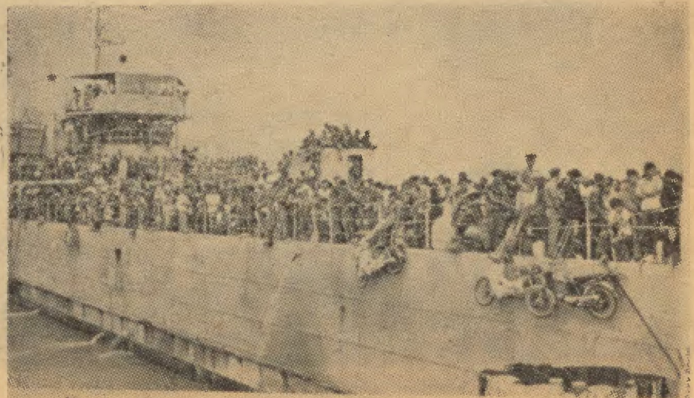
وضع رقتبار کودکی هنگام بر گشت بسوی اسکان اصلی اش .

ترازیدی فرار (۱۵٤٦)ویتنامی زمانی‌موضوع داغ برای سیاسیون بود و ویتنا میا ن که از اثر ظلم واستبداد وبینظمی هادرویتنام جنوبی به ستوه آمده بودند فرار را برقرار ترجیح داده وبه آنسوی بحیرهٔ بزرگی که درویتنام جنوبی واقع‌است شتا فتند .

قشر عظیم فراریان را مردان وزنان‌سا ل خورده واطفال یتیم میساخت که‌از شدت‌جنگ وکشت وخون واوضاع درهم وبرهم جریانات اخیر ویتنام تاب‌مقابله را نیاورده وازشد ت ظلم ((هاگانا)) جز یرهٔ کو چکی که‌تحت تصرف امریکایی هاست به سوی (کووام) نقطهٔ دیگری از ویتنام ترك گفتند .

درین اواخر وقتی گره فراریان در اثر در خواست ویتکانگ هاخواستند دوباره به اماکن خویش برگردند کشتی بزرگ ویتنام‌موسوم به «توونگ تین» به‌کمك آنهاشتافت .

وقتی کشتی ازبندر خارج‌شد وبار دیگر راه ویتنام رادرپیش گرفت هیچ مساعد تی برای ویتنامی های بی بضاعت وستم دیده که مجبور به‌ترك‌اماکن شان گردیده بود نشد و اکنون که ایشان دو باره به اسکان اصلی خویش بر میگردند چیزی برای خوردن ندارند، علاوتا امریکایی های ویتنامی یعنی امریکا ئیکه تااکنون درجزیرهٔ مرکزی (ماریان) اقامت دارند شایع ساخته اند که با فراریان کاری ندارند ودیگر همچو رو یهٔ خشننانه که باعث فرار مجدد شان گرددتکرار نخواهد شد.





کشتی بزرگ و یتنامی ها موسوم به (توو نگ تین)) حین حمل ۱۵٤٦ ویتنامی

بازدید هلموت شمیت وخانمش ازدیوار چین

هلموت شمیت بهمراهی خانمش (هانی لوره) اخیرا سفر ی‌به چین نموده وازدیوار چین که از معرو فترین دیوار های‌جهانست ازنزدیك دیدن کردند . هلموت شمیت و خانمش ضمن مسافرت (۹٦) ساعته در چین از شهرهای پکنگ نانکنیگ وشینگیا- نگ و بسیاری مناظرتاریخی آنکشور بازدید بعمل آوردند .

-درین دعوت که دریك فضای کاملا دوستانه انجام پذ یرفت ، مباحثات مائوتوسه تونگ زعیم حزبی وهلمون شمیت صد راعظم آلمان بزبان انگلیسی صورتگرفت ایشان ضمن گفتگو ها یشان از یکتن از فلاسفه های جهان ((کانت)) نیز یادی بعمل آوردند .

-هلموت شمیت و خانمش ((هانیلوره)) با حرارت از طرف چین پذیرائی شده و پیوسته با شعار های ((خوش آمدید هلموت شمیت!)) که بزبان آلمانی ارائه میشد صمیمیت شانرا ابراز



هلموت شمیت ومائوهنگام ملاقات

میکردند ،صد راعظم آلمان بر علاوهٔ بازدید مفصل از دیوار چین‌از فارمهای مرغابی های پیکنگ که‌دارای بهترین نوع مرغابی هابود دیدن کردند .

از سراسر جهان



روز اکندی در پاریس

ـروز اکنیدی زن ۸۵ ساله و کلا نترین فرد فامیل کیندی هاضمن آخرین سفرش در پاریس ،حینیکه میخواست از بازار پاریس تحفه ها وهدایایی برای نواسه هایش تهیه کند چشمش بهعدهٔ ازخبرنگاران و عکاسان فرانسوی افتاد که سخت در فعالیت تهیه خبر بودند •

ـروز اکنیدی کهمعلوم میشد ازین وضعخیلی ها برآشفته شده ازعکاسیکه میخواست عکسبردارد تقاضا نمو د تا (۱۲۰۰۰) مارك وی راپذیرفته ودرمقابل از برداشتن عکس او منصرف شودما دوتن ازژورنا لیستانفرانسوی به روزاکنیدی تفهیم نمودند کهآنها وظیفه یافتهاند تاازجریان گشت وگذاروی راپوری تهیه نمایند، روزاکنیدی گر چهاز روی اجبار حاضر شد تاعکسش رابر دارد ولی در دل خیلیها ناراض بودچه روزاکه شاید صد ها حادثه غیر مترقبه درزندگی اش بوداحسا س میکرد که درین همه جد و جهد فرانسوی در تهیه خبر سو قصدی نهفته استامابرعکس قضیه چنین نبود وفرا نسوی ها میخوا ستند روزاکنیدی از فرانسه خاطره های خو شیبا خود داشته باشد•



روزا کندی در برابر یکتن از ژورنالستان فرانسوی درپاریس•

آمادگی برای سالگره

میخیکو دختر ماوسیتونگ زعیم حزبی چین درین شب و روز بد خترش نوراکه شش سالی بیش ندارد مصروف مشق و تمرین پارچه های موسیقی و کمپوز های جدید است تا (نورا) دختر کوچك وبا استعدادش بتواند درچهل و یکمین سالگرهٔ مادرش میخیکو که عنقریب رسید نی است باهنرنمایی و تقدیم پارچه های جدیدچینایی بیشتر وسایل سر گرمی مدعوین را فراهم سازد •کار آمادگی ومشق وتمرین برای کنسرت از هفته ها قبل آغاز یافته ونورای کوچك اکثرا درصحن باغاطفالوبا اطفال همسن و سالش سرود های جدید را زمزمه میکند ودروقت تمرین با مادر شس پشت پیانو می نشیند ، وبدینترتیب نورا خواهان خو شنودی و رضایت ما درش است •

چشم پوشی از (۲۰۰۰۰) مارك

((اگی تیندری)) یکی از مجلات معروف فرانسوی از باتریك دختر ۱۲ ساله ایکه اکثرا در ساحات مختلف با مجله همکاری داشت دعوت نمود تا در قسمتتهیه صفحات مود بامجله همکاری نماید ،این پیشنهاد بجهت آن از باتریك صور تگرفت که باتریك این دختر ۱۲ ساله از خوشگلترین دختر هایفرانسه بحساب آمده و اندام گیرا و موزون و استعداد شگر فش به صفحات مود مجله برازندگی خاص خواهد بخشید، البته مجله((اگی تیندری)) دربرابرپیشنهادش از باتریك مقابلتا وعده داده بود که سالانه مبلغ (۲۰۰۰۰)مارك به عنواندستمزد به موصوف بپردازد،اما ((هوتی)) پدرباتریك شدیدا مخالفت نموده و گفت :باتریكهنوز بسن وسالی قرار دارد که نبایست بسوی مود کشانیده شود چه در قدماول مامسئوول تحصیل باتریك میباشیم و در مراحلبعدی سعی مابرآن خواهد بود تاوسایل سر گرمی بهتر و مؤثر تری برای اوتهیه ببینیم - باتریك که سخت علاقمند بو د از وجودش منحیث مانکن استفاده نمایند ازین طرزپیش آمد و مفکورهٔ پدرش شدیدا متاثر گردید ولیحیف که گریه های پیگرش نتوا نست تغیر در تصمیم پدرش وارد نماید •



باتریك دختر زیبا صورت با احساس عالم وفیهم شگرف



ـمیت وزنش ((هانیلوره)) کنار دیوارچین



مخیکو ونورا نوا سهٔ ماو ستیو نگ هنگام تمرین موسیقی



مطالعه این سلسله فقط به زنها توصیه میشود

ترجمه میر جمال الدین فخری



طفل و مادر



قبل ازتولد در ارگانیزم نطفه بعضی او قات افرازات بلغم شکلی داخل میشود. درین چنین حالات‌بعداز تولد از دهن نوزاد آب دهن زرد شکلی در روز های اول ودوم تولدش خارج میگردد.درین زمان لازم‌است تا متوجه طفل شویم و تدابیری اتخاذکنیم:
در وقت قی کردن لازم‌است که طفل راروی بەدل بخوا بانیم برای اینکه مواد قی شده راه تنفس اورا مسدود نسازد چونکه اگر طفل تخته به پشت قرار داشته باشدبسیار محتمل است که مواد قی شده‌داخل مجرای بینی اوشده وراه تنفس طفل را مسدود سازد ویا این عمل ازطریق قورت دادن‌یک قسمت مواد استفراغ انجام شود .

وقتی قی کردن خاتمه یافت لازم است تا دهن طفل پاک شود .

طفل نوزاد را هیچ گاهی تنها نگذارید و همیشه با اوکسی باشد که به مواظبتش رسیدگی کند چونکه اوبکلی بی دفاع و بیچاره است .

اگر طفل چیزی را صحیح قورت داده‌نمی تواند و یا کدام حادثهٔ دیگری برایش رو نمامیگردد مادری که در کنارش قرار دارد خودش به کمک می‌رسد ویا اینکه دوکتور رابه کمک می طلبد علم مراعات این قاعده شاید به‌قیمت حیات طفل تمام شود.

زبان درازی :

بعضی از مادر ها میپرسند:((طفل ما نمی تواند زبانش را درون دهان نگهدارد شاید چیزی هست که مزاحمتش میکند . نرومی دیده نمیشود که زبانش قطع شود؟))

بعضی از اطفال نوزاد واقعا دارای زبان کوتاهی میباشند ولی معمولا هیچ چیزی باآنها نمی کنند .به مرور زمان این خصوصیت ازبین رفته وطفل قادر میشود بصورت عادی زبانش راحرکت بدهد.

طفل روی‌خودرا پرت وپوست می کند :

اطفال نوزاد اکثروخاصتاوقتی که گریه سرمیدهند روی خودرا پرت وپوست می‌کنند. لزومی نداردکه دست های اورابسته کنیم چونکه بعداز چند روزی این عادت رافراموش میکند. لازم است تادستکش درازی برای طفل بدوزیم دردستش کنیم (مانند ش ٣) ودستکش صرف برای زمان موقت یعنی هنگامیکه گریه میکند دردست طفل بایدباشد طفل میتواند بااین دستکش های خریطه‌مانند آزادانه حرکت کنند .

اگرطفل ناخن های درازی دارندلازم است تاآنها قطع شوند .

طفل خرخر می کند :

اگر طفل نوزاد ویاشیرخوار خرخر می کند ویاخوددر هنگام تنفس‌کردن آواز ا شپلاق مانندی شنیده میشود لازم است‌که بصورت فوری به دکتورمراجعه شود .

ولی باوجوداین هم‌خرخرکردن علامه مریضی شمرده نمیشود .. طفل بخاطری فش‌فش یا خرخرمی‌کند که مجرای تنفسی بینی‌اش باریك است . بامرور زمان این مجراعریض میشود وطفل ازفش‌فش کردن بازمی ایستد .

عطسه :

طفل نوزادبه کثرت عطسه میزندبدین‌وسیله بینی خودرا صاف می‌کنددرمحیطی که اتمسفر آن آلوده باشداطفال شیرخوار بیشتر عطسه می زنند. اگرطفل سرما بخوردویادر منطقهٔ سرددفعتاقرارگیرد عطسه میزند.طفلی‌که‌سرما خورده به‌سهولت نمی‌تواند ازراه بینی تنفس کند. این خصوصیت رامادر هنگام سینه دادن طفل احساس میکند . اگر تنفس ازراه بینی ناممکن شود طفل مجبور است از طریق دهن نفس بکشد ازینرو گاه‌گاهی برای نفس‌کشیدن سرپستان رارهامی کند .

درین حالت حتما به دکتور مراجعه شود .
وقتی طفل به ریزش مبتلامی شود این‌موضوع باید جدی گرفته شود .

هکك :

طفل شیرخوار به‌کثرت هکك میزند، خاصتا بعدازخوردن غذااضافه تر طفل راهکك می‌گیرد چونکه درزمان چوشیدن مقدار زیاد هوا داخل ریه های اومیشود. همچنان هکك زمانی ظهور می نمایدکه طفل خنك بخورد . درین چنین حالات هکك زدن مریضی نبوده واتخاذهیچگونه تدبیری علیه آن لازم نیست . اگر هکك طفل رابسیار آزار بدهد طفل به گریه کردن آغازمی‌کند وهمینکه طفل گریه کرد هکك اوفرو می نشیند .

اگرهکك زدن باغذاخوردن طفل ارتباط ندارد وساعت هاادامه پیدامی کند در آنصورت نزد دکتور مراجعه شود چونکه این حالت یك مریضی جدی طفل رانشان میدهد.
نباید هنگام هکك زدن بینی طفل فشار داده شود . فقط دادن ١ـ٢ قاشق چای هکك طفل رابرطرف می سازد .

حرارت وجود :

حرارت نورمال وجودیك‌طفل نورمال‌مستقیما ازرودهٔ اواندازه میشودکه ٣٦ر٥ درجه الی ٣٧ر٥ درجه باید باشد (این درجه حرارت با درجه حرارت انسانهای بالغ فرقی ندارد) . مرکز حرارتی نوزاد مانند اطفالی‌که چندوقتی ازعمرشان گذشته خوبتر فعالیت نمی نماید . ارگانیزم طفل به سهولت سرد میشود ولی به سهولت گرم هم میشود .

اگرطفل نوزاد یاشیرخوار خنك بخورد به گریه آغاز می‌کند . واگرهیچ تدبیری علیه آن اتخاذ نشود رنگ طفل سفید میشود وبعد از آن به‌کبودی میگراید دورلبان او دستهاوپاهای باید به پاهای طفل مبذول داشت اگرپاهای طفل مانند یخ سردمی شود . توجه بیشتر

طفل گرم است هیچوقتی ازشدت سرمادندانك نمیزنند. دست اطفال به‌کثرت سردمی شود حتی اگرخودطفل گر می هم بکند دستهایش سردمی باشد. اگرطفل خنك می خورد باید لباس‌گرم پوشانیده شبود باشال ویاچیزدیگری اوراپوشانید واگر ممکن باشد در بستر طفل مشکولهٔ شیرگرم (نه‌داغ) را گذاشت‌اگرطفل گرمی می‌کند اوخیلی ناراحتی از خود نشان میدهد. ازین پهلو به‌آن پهلو می‌غلتدجلدش رنگ سرخ بخود میگیردتختهٔ‌پشتش از عرق ترمیشود وطفل به‌گریه آغاز می نماید حتی بعضی لکه هادر جلد طفل ممکن‌است ظهور نماید. اگر طفل ازحدزیاد لباس‌پوشانده‌شده باشد عین حادثه فوق الذکر رونمامی گردد چه‌در اتاق گرمی درزمستان باکالا و لباس پشمی تن طفل پوشانیده شود وچه‌درگر می تابستان لباس زیادی بتن طفل کرده شود مضر است .

درهوای گرم طفل باید در اتاق سر هوای صاف درآنجا وجود داشته باشد قرار گیرد . درتابسان لزومی ندارد که کلاه بسر اوگذاشته شود. درزمستان درجه اتاق اطفال نوزاد نباید از.٢ الی ٢٢ درجه بلندترشود .



قسمت سوم

نوزادیکه قبل از وقت زاده شده



طفل خام بسار ضعیف بوده‌ومواظبی خاص را ایجاب می کند

تقریبا درهرده طفل یکی ان‌قبل‌ازوقت‌معین بدنبا میاید و زن اینچنین اطفال ممکن است در حدود دونیم کیلو گرام و یا در حدود یک‌کیلو گرام باشد. اطفا لیکه قبل‌از وقت‌معین بدنیا می آیند ((خام)) یاد میشوند و اطفالی که‌به‌وقت معین آن تولد شوند ولی وزن آنها از ۲ر۵ کیلو گرام کمتر باشد نیز ((خام)) گفته می شوند طفل خام بسیار ضعیف بوده مواظبتی خاصی رایجاب می نماید اگر در اثنای تولد وزن اوکمتر از دو کیلو گرام باشد باید به شعباتی که درشفاخانه ها (زایشگاه) به منظور پرستاری از اطفال خام تخصیص داده شد ۰انتقال داده‌شود ۰واین تازمانی در آنجاباقی می‌ماند که وزنش بیش از دونیم کیلو گرام شود باطفل خام نهایت مهربا نانه و بااحتیاط‌کامل رفتار شود ۰

به اطفال خام لازم است بنوبهٔ اول از خنک خوردن(چه درزمستان وچه درتابستان) توجهٔ خاصی مبذول گردد چونکه حرارت وجود اینچنین اطفال الی ۳۵ درجه سانتی گراد پائین آید ۰ازین لحاظ حرارت اتاقیکه دران اطفال خام قرار دارند درطول مدت شبا روزی در حدود ۲۷ـ۲۵ درجه سانتی‌گراد تنظیم گردد ۰اگرطفل‌تان در اتاق منزل‌تان تولد میشود و همانجا باقی می‌ماند بایدیک ترمومتر برای معلوم نمودن درجهٔ حرارت اتاق‌خریداری کرده ودر اتاق نصب نمایند وبا الوسیله‌درجهٔ حرارت آنراتنظیم ببخشید) چپرکت ویابستر طفل به هیچوجهی نباید درجریان هوا قرار گیرد چونکه درغیرصورت هوارسیدگی برای طفل مذکور حتمی میباشد علاوه برآن باید دربسترطفل مشکوله ای باآب شیرگرم بگزارید تاطفل تان سرما نخورد و ریزش نکند ۰

برای اینکار لازم است‌که از مشکوله استفاده شود به‌ترتیبی که‌دهن مشکوله به هیچ صورت زانزند و دور مشکوله بافلانیل (فلالین) پیچانیده شده ودر بستر طفل پهلوی طفل گذاشته شود ۰حرارت بستر طفل همیشه مراقبت شود زیرا حرارت‌وجود طفل خام هیچ گاهی نباید از ۳۷ درجه بلند تربرود ۰اگرطفل از گرمی ناراحت می شود باید همان قسمتی که مشکوله گذاشته شده دیده شود که‌داغ نگردیده است ؟



گرم کردن بسترطفل خام‌باید نظر به هدایات دکتور موظف یاپرستار صو رت گیرد ۰

چگونه آزمایش کنیم که طفل نوزاد خام درشرایط حرارت نورمال قرار دارد؟

ساده ترین طرز آن اینست که ترمومتر را درقنداق طفل برای ۱۵ دقیقه گذاشته وروی آن کمپل راکش نمائیم ۰اگر ترمومتر ۳۰ درجه رانشان داد طفل در شرایطحرارت نورمال قرار دارد ۰

به‌همان پیمانه ایکه برای طفل خام اتاق گرم ضروری محسوب میشود به‌همان اندازه هوای خشک برای طفل نا مناسب ومضر است ۰به منظور ازدیاد بخشیدن رطوبت هوای اتاق درظرف لازم. است که از آب‌پر باشد و درمابین آن روی پاک ضخیمی‌راکه درآب‌ترسده بگذاریم .انجام های روی پاک باید دربین ظرف های پرازآب همیشه قرار داشته باشد ۰

سینه دادن :

شیرمادر برای طفل‌خام ارزش حیاتی‌دارد۰ ولی بعضی از اینچنین اطفال قادر نیستند پستان مادر رابمکند ۰بهتر است به آنها سینه داده نشود و اینکار تاچند روز وحتی یکی دو هفته اول زندگی‌او بایدادامه بیابد وشیر مادر دوشیده شده و بخورد طفل داده‌شود ۰ازینرو مادران خودشان را ازهمان آوانیکه هنوز در زایشگاه قرار دارند به دوشیدن پستان خودبپردازند و این عمل راتاآن زمان‌ادامه بدهد که‌طفل قادر به‌مکیدن پستان اوشود ۰

دقت شودکه‌طفل خام ازاندازه زیاد غذا داده‌نشود ۰در روز اول زندگی طفل خام هیچ‌چیزی باید برایش‌داده نشود ۰بروز دوم‌تولد اوفقط چندقاشق چایخوری‌از شیر مادر باچای برایش داده‌شود اگر حرکاتی مانندچوشیدن توسط لب‌های‌طفل بملا حظه میرسدوبه گریه‌آغازمی‌نماید مفهوم آن‌اینست که طفل گرسنه‌است ۰اگرطفل از اشتها ولویک قاشق‌بیشتر مینوشد آنرا دو باره قی‌کرده‌که بسیار امکان‌دارد موادقی شده‌در مجرای تنفسی‌او قرارگیرد وخطری‌را متوجه طفل‌سازد وطفل‌رابه التهاب‌شش ها دچار کند۰ ازهمین لحاظاست که‌طفل خام رابه دقت‌بیشتر بایدغذاداد ۰توجه خاص باید مبذول گرددکه توسط غذا درمجرای تنفس طفل‌هوا داخل نشود۰ بهتراست طرز شیر دادن‌طفل های‌خام را ازنرس‌هائیکه باتجربه اند هدایت گرفت ونظربه‌هدایات آنها رفتار نمود ۰

شعر

سوال

به خرد راه عشق می‌پوئی ؟
با چراغ آفتاب می جوئی ؟
توهنوز ابجد خرد خوانی !
وز معمای عشق می گوئی ؟
مردکامی وعشق می ورزی ؟
درزکامی ومشک می بویی ؟
خاقانی

بیگانه

آرزومند دیار ددرد په‌دوا مه شه
بیگانه دخپلو منځ لره رامه شه
هنگامه دمینی گرمه ده تر حسنه
دمجنون ددرگدا بنه لیلی مه‌شه
که‌بلا په‌عشق کښی ډیری دی ناصحه
دابلا واړه په‌ماشه په‌تا مه‌شه

پروانه غندی خله‌پته خپسر سیزه
دسیند په‌خیر شوخ چشمه رسوا مه‌شه
که‌می مرگ‌دی هفه یارته په خوا شوی
له‌دی کاره پښیمانی ورپه خوامه شه
هیڅ دی‌دم وربانډی نه‌لگی ناصحه
داحمید بلا وهلی ملا مه شه
حمید ماشو خیل

حرام

می‌لعل خور ! خون دل‌ها مریز !
نوخاکی ، چوآتش مشو تند وتیز !
می‌لعل گون خوشتر است ای سلیم
زخو نابهٔ اندرون یتیم
اگر دامن آلوده گردد به‌می
حرامست ، خصمی ندارد زپی
ازان آب رنگین به‌نزدیك من
به ازآنکه نفرین کند پیرزن
بده ساقی نوش لب جام جم
که بزداید آن‌می زدل زنگ غم
ازین پنج شین روی رغبت متاب :
شب‌و شاهدو شهدو شمع‌و شراب .
فردوسی

لوی اختر

ستا لیدل ماته په‌هرمهال اختر دی
بی له‌تا خنی اختر به‌څه اختر شی ...
چی‌ته راشی اوخپل خان درته خیرات کړم
وور اختر به‌په ماخدایږو لوی اخترشی ،،.
دوکتور زیار

قهوه‌یی

در چشم های او :
هزاران درخت قهوه بود
که بیخوابی مرا
تعبیر می نمود .
ك، منشی زاده

سیل

زهی عشق زهی عشق که ماراست خدایا
چه‌نغزست وچه خوبست، چه‌زیباست،خدایا!
به هر مغزو دماغی که درافتاد خیالش
چه‌مغزست وچه‌نغزست،چه‌زیباست،خدایا!
چوسلیم وچوجوییم، همه سوی توپوییم
که‌منزلگهٔ هرسیل به‌دریاست ،خدایا !
چه‌گرمیم ، چه‌گرمیم ، ازین عشق‌چو خورشید
چه‌پنهان وچه‌پنهان وچه‌پیداست خدایا
زهی‌ماه ، زهی‌ماه ، زهی بادهٔ همراه
که جانرا وجهانرا ، بیاراست ،خدایا
زهی شور ، زهی‌شور ،که انگیخته عالم
زهی‌کار ،زهی بار که‌آنجاست خدایا

«انتخاب ازدوغزل مولینا جلال‌الدین بلخی»

خوږ

زهیر یمه، اسیر یمه ، له‌غمه خخه ستا
دلگیر یمه ، فقیر یمه ،دوصل‌دی گدا
ویلیریمه ، سولیریمه ، له‌لاسه درقیب
حاضر یمه ، ناظر یمه ، وتاته‌په ژړا
حبیب‌می‌شه ، طبیب‌می‌شه ، زخمی‌یم پرزړگی
خوږمن یمه، غمجن یمه ،زه غواړمه دوا
شفیق می‌شه ،«رفیق» می‌شه، پرماوکړه‌نظر
عاشق یمه ، صادق یمه ، خپل خان‌بولم‌فدا

(محمدرفیق)

سراغ

ستادکنبلی مخ‌په‌خال می‌زړه په‌داغ دی
په‌دا داغ می له عالمه زړه فراغ دی
سخ چه‌ناست یم دگلونو په‌چمن کښی
بیا ساقی راته نیولی دك ایاغ دی
دزلفینو په‌تورتم کښی به‌ئی غواړم
داورك زړه که رابنکاره کامخ څراغ‌دی
چه‌دکښلیو دجمال ننداره کاند
وهغه‌ته سپیره ډاگ سیر دباغ دی
دگلونو په‌بوی خی په‌گلزار ورشی
دگلونو بوی بلبلوته سراغ دی
دخوشحال سترگی هوری چه ښایسته وی
خلقه زړه‌ئی نه‌په باغ‌دی نه‌په راغ‌دی

(خوشحال ختك)

گیله

دفلك له‌لاسه زاړم په‌کوکار یم
هم حیران دزمانی په‌کارو بار یم
چه‌یودم می‌ولی نه‌پریږدی بی‌غمه
هر ساعت ددی دلاسه ناکرار یم
ماخو نه‌دی خوك هیڅ چیری آزارکړی
زه آزار بدله دکوم آزار یم
زه‌انه دیار آشنا لاسونه کوری
چه‌په‌لاس‌کښی می‌څه نشته گناهکاریم
دی‌فلك چه‌خه‌کول هغه ئی وکړل
که‌زورهم را باندی کړی ورته‌تیاریم

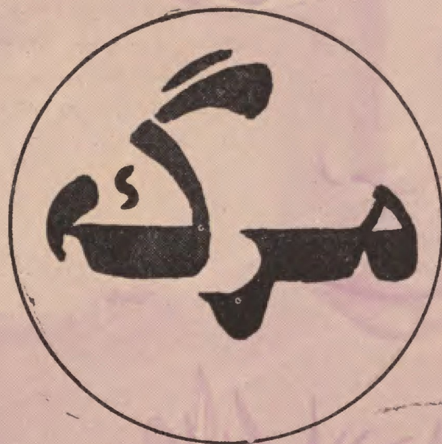
سید عبدلغفار

چاره

ساقیا خیز وبپیمای شراب تاکی
تامگر بادهٔ توچاره کند غمناکی
زاتش باده بر افروز چراغ دل ما
تابه آبی بفروشیم وجود خاکی
جامهٔ جان‌که به‌لوث غم‌دهر آلوده ست
به‌جز از بادهٔ تاکی نپذیرد پاکی
کی‌دل ایمن شود ازچشم‌تو وزلف سیاه
شب بدان تیرگی ودزد بدان چالاکی
پند ناصح مشنو بادهٔ دیرینه بیار
که بود بندوی از غایت بی ادراکی

رحمت شیرازی

فریادهای مرگ



پیوسته بگذشته

داشته بلکه خواسته است جنایت را مستیما به‌گردن (آن) بیاندازد . اگر میس مارپل نمی‌گفت‌که آن رادیده ، بااوصحبت کرده و آن تپانچه نداشته است، آنوقت ... نتیجه معلوم بود. آری لن، بنظرم اینطور می آیدکه کسی ازآن بشدت متنفر است ومایل است اورا به عنوان قاتل وجنایتکار به دادگاه بفرستد . ومن ازین‌کار هیچ خوشم نمی آید .

تاآمدن لئورانس ریدینگ مراهم به اتاق کارم احضار کردند . رسام جوان حالتی‌خسته ومشبوه داشت .

مالچت به لحنی مودبانه اظهار داشت : می خواستیم دراینجا چند سوالی ازشمابکنیم.

لئورانس بملایمت لبان خودرا گاز گرفته جواب داد: این همان اسلوب تحقیق فرانسوی است یعنی دقایق عمل جنایت راتکرارکردن .

مالچت گفت : فرزند، بامااینگونه صحبت ننمائید . مگر نمیدانید جنایتی راکه شماادعای ارتکاب آنرا نموده کسی دیگر بعهدهٔ خود گرفته است ؟

این سوال مالچت روی رسام تاثیر زیادی گذاشت وسراسیمه گفت :

ـ چه .. چه کس دیگری ؟ چه‌کسی ، کی؟

مالچت‌که بدقت به اومی نگریست،جوابداد خانم پروتیرو .

ـ دروغ است . اومرتکب قتل نشده غیر ممکن است ...

مالچت حرف اورا بریده گفت : البته ماهم داستانی راکه اونقل کرد باور نکردیم چنانچه به‌صدق اظهارات شما هنوز بطور قطع‌مطمئن نیستیم. زیرا دوکتور بایدوك معتقداست‌که ارتکاب جنایت بطور قطع درساعتی که شما تعریف کرده اید صورت نگرفته است .

ـ آیا دوکتور بایدوك اینطور گفته ؟

ـ آری وحال اگر شما خواسته یانخواسته باشید، تقریبا تبرئه شده اید . حال ازشما خواهش میکنیم بعنوان همکاری بامابنشنید و تاآنجاکه ازحقایق اطلاع دارید، باما صحبت کنید .

لئورانس که هنوز مردد بود: آیادر مورد خانم پروتیرو قصد اغفال مرا ندارید ؟

ـ بشرف خودم سوگند می خورم .

رسام نفس عمیقی کشیده گفت: من یك احمق بتمام معنی هستم زیرا بخودم لعنت میکنم که چگونه توانسته ام فکر کنم (آن) مرتکب جنایت شده است .

ـ لطفا جریان رابرای ما تعریف کنید .

ـ چیز زیادی برای گفتن وجود ندارد . من شام آنروز خانم پروتیرو را ملاقات‌کردم...

ـ ماهمهٔ این هارا میدانیم . شما تصو ر میکنید قضیهٔ دلباختگی شما و خانم پروتیرو هنوز جزء اسرار باقیمانده درحالیکه عده ای ازآن آگاه بودند . وداستان شما نقل مجلس شان بود .

ـ درست است شما حق بجانب هستید . من به پدرمقدس قول داده بودم که هرچه زودتر ازینجا خواهم رفت . آنروز شام وقتی درساعت شش و۱۵ دقیقه درآتلیه با خانم پروتیرو ملاقات کردم، تصمیم خودرابه او گفتم . اونیز معتقد بودکه راه دیگری جزاین وجود ندارد . باهمدیگر وداغ کردیم ، سپس ازآتلیه بیرون آمدیم وبلافاصله به دوکتور بایدوك برخوردیم (آن) بحدی طبیعی جلوه‌کرد که حدس زده نمی شد غصه‌ای بین ما وجود دارد . درحالیکه ازعهدهٔ من ساخته نبود . درمعیت دوکتور ستون به میخانه (خوك آبی) رفته مشروب خوردیم . سپس قصد مراجعت به خانه کردم ولی هنوز تا مد خل آتلیه نرسیده ازین فکر منصرف شدم و خواستم لحظه‌ای پدرمقدس راملاقات کنم به حرف زدن احتیاج داشتم. خدمه شان بمن گفت که آقای کلمنت درخانه نیستند اماکمی بعد مراجعه میکنند وآقای پروتیرو هم در اتاق کارشان منتظر نشسته است . منهم به سوی اتاق کار آقای کلمنت رفتم .

ـ خوب بعد ؟

ـ پروتیرو پشت میزکار نشسته بودبهمان شکلی که شما اورا یافتید . وقتی به اونزدیك شدم ودست زدم، مرده بود. تپانچه‌روی زمین وسط پاهای اوافتاده بود. سلاح را برداشتم وخیلی زود متوجه شدم‌که این تپانچه متعلق بمن است . آنموقع بشدت تکان خوردم . تپانچهٔ من ! فورا یك مساله بخاطرم گذشت اینکه (آن) بدون جلب توجه من تپانچه را برداشته وپنهان کرده شاید بفکر اینکه وقتی وضع برایش غیرقابل تحمل‌گردید، انتحارکند. شاید هم درآن روزاین تپانچه رابهمین نیت باخود برداشته بود. ومن آنروز شاید در آن لحظه دیوانه شده بودم که چنین فکری درباره اوبخاطرم راه یافت زیرافکر کردم (آن)مرتکب این قتل شده است . تپانچه رادر جیب خود افگنده به عجله بیرون رفتم و نزدیك درب خیاط باآقای کشیش روبرو شدم. باقیدارد که باپروتیرو قرار ملاقات دارد ولی دچار من یك حملهٔ هستریك خنده شدم... شاید مقدمهٔ جنون بود. ازاو جداشده براه خود ادامه دادم رفتم ورفتم ... بالاخره به این نتیجه رسیدم‌که تحمل بیشتر این جریان را ندارم. اگرهم آن مرتکب قتل شده باشد، مسوول من بودم . ازین لحاظ خودرا در اختیار پلیس گذاشتم .

خموشی نسبتا طولانی بین مابوجود آمد . سپس مدیر پلیس بالحن جدی گفت : من از شما چند سوال دارم : به جسد دست زدید؟ وآیا بنوعی سعی کردید محل اورا تغییر بدهید ؟

ـ خیربه اوتماسی نکردم . ازدورهم می شد فهمیدکه مرده است .

ـآیا متوجه یاد داشتی که روی میز قرار داشت شدید؟

آنکه نزدیک جسد دیده میشد ؟

ـخیر .

ـآیا بساعت دست زدید ؟

ـخیر ،دست نزدم.تصور میکنم سا عت خوابیده بود معذلك به‌آن دست نزدم .

ـ خوب برگردیم بمساله تپانچه تان شما سلاح رابرای آخرین دفعه درکجا دیدید ؟

لئورانس ریدینگ لحظه ای فکر کرد وبعد جواب‌داد :جواب قاطعی برای این‌سوال دادن خلی دشوار است .

ـتپانچه درکجا بود ؟

ـدرکلبهٔ محل اقامتم و دراتاق نشیمن دریکی ازقفسه های کتاب .

ـیعنی آنرا در دید همه گذاشته بودید؟

ـآری .برای اینکه زیاد بفکر تپانچه‌نبودم همینطور آنجا نهاده بودم .

ـ وهرکس واردکلبهٔ شمامیشدمیتوانست آنرا ببیند ؟

ـآری .

ـوبخاطر نمی آورید که تپانچهٔ تانرابرای آآخرین مرتبه درکجا دیدید ؟

لئورانس ابروهای خودرا بالا کشید و در حالیکه تظاهر میکرد بخاطر بیاورد جـــواب داد: ازاینکه روز گذشته درجای خود بـود، کاملا اطمینان دارم ۰بیاد دارم که موقـــع برداشتن یک کتاب ،آنرا بادست خود کنار زدم واین درست دیروز بود کاملا بیـــاد دارم ۰

ـاین اواخر چه‌کسی به کلبهٔ شما وارد شده بود ؟

ـعدهٔ زیادی محققا بدیدار من می آمدند ۰روز گذشته مثل اینکه برای‌شان چای هـم دادم ۰لیتس پروترو، دینس و رفقا یش بودند ۰گاه‌گاه برخی ازین زنان سا لخورده نیز ازمن خبر میگر فتند ۰

ـآیا مواقعی که بیرون میرفتید ،درکلبهٔ تانرا قفل میزدید ؟

ـخیر، چرا باید قفل میکردم ؟درکلبهٔ‌من چیزی که‌ارزش دزیدن را داشته باشـد ، موجود نیست ۰گذشته ازین‌درین دهکده‌کسی درب خانهٔ خودرا قفل نمیکند ۰

ـکار های خانهٔ شما راچه کسی انجـام میدهد ؟

ـمستر آرچر سالخورده هر روز صبـــح منزل مرا ترتیب میدهد وآب وجارو میکند۰

ـآیاممکن است مستر آرچر بخاطر بیاورد که تپانچه رابرای آخرین بار درکجا دیــده است ؟

ـنمیدانم شایدبخاطر بیاورد ۰امارا‌ستش نمیتوانم تصدیق کنم‌که وی برای کردگیری اعتنای زیادی نشان میداده ۰

ـ خلاصه وضع ازین قرار است تپانچــه را هرکسی میخواست میتوا نست بردارد۰

ـآری ،اینطور بنظر می‌آید ۰

در ینموقع در بازشد دوکتور بایروک در حالیکه ((آن‌پروتیرو)) با او همراه بـود ، داخل شدند . زن بادیدن لئورانس سخـت تکان‌خورد ۰رسامیکی دوقدم‌بسوی اوبرداشت وگفت :آن ،مرابببخشس ۰اگر در مورد تـــو طور بدی فکر کردم ۰

آن‌گفت :من۰۰۰ سپس معطل ماند و نگاهی التماس آمیز به مالچت افگند ۰ادامه داد: آیا آنچه دوکتور بایدوک بمن اظهار داشته درست است ؟

ـآیا در بارهٔ اینکه مانسبت به مستـــر ریدینگ مظنونم ؟ آری درست است وحــال برگردیم به‌داستان شما خانم پروتیرو۰

زن‌جوان تبسمی محجو بانه برلـب آورد و وگفت : چه‌کسی میداند درمورد من چه‌افکار واندیشه های بدی‌بخاطر تان گذشته است

ـ نه‌فقط ماشما را متهم بر فتاری کودکانه میدانیم ولی دیگر همهٔ این‌اندیشــه ها و تصورات پایان گرفته است ۰

و حالا خواهشس برای ماحقیقت رابطور کامل و بدون کم وکاست برای ماشرح بدهیـــد خانم پروتیرو ۰

زن سرخود را بطور جدیانه جنبانده جـواب داد: شرح میدهم. درهرصورت شماازجریان وقوف کامل دارید ۰

ـآری ۰

ـ قراربود آنروز شام بامستریدینگ را درکلبه اش ملاقات کنم ۰در ساعت شش وربع‌به همراهی شوهرم ازخانه بسوی‌دهکده حرکت کریم . لازم بود مقداری خرید کنـم درست موقعی که‌ازهم جدا می شدیم‌شوهرم به من‌گفت‌که قصد دارد به‌ملاقات آقای‌کلمنت برود. البته ملاقات من بالئورانس در کـلبه اش‌قدری نامناسب وعجیب جلوه میکنـد ۰ موقع گفتن این‌جمله رخساره هایش قرمز شده بود زیراگفتن این‌مطلب برای اودشوار بود معذا ادامه داد بعد متوجه شدم کـــه شوهرم درمنزل آقای کلمنت زیاد توقـــف نخواهد کرد ۰برای پی بردن و مطمئین شدن ازین موضوع از درعقبی وارد حیاط شدم ۰ تصور میکردم کسی مرا نخواهد دید ولـــی میسس مارپل درحیاط خانه اش بود متوجه ورود من گردیده مرا متوقف ساخت کمـی باهم صحبت کردیم باو گفتم که دنبـــال شوهرم آمده ام‌تاباهم برگردیم۰ نمیدانم‌آیا باور کرد یاخیر؟ زیراحـــالت عجیبی بخود گرفته بود۰بعد ازینکه ازاو جداشدم مستقیما به اینجا آمدم ۰ازکنج حویلی دورزده‌به‌پنجره دفترکار آقای کشیش نزدیك شدم ونگاهی بدا خل‌آن افگندم۰ اتاق خالی‌بود۰ آنـوقت برگشتم وبه عجله خود رابـه آتلیه نقـــاش رساندم ویك لحظه بعد لئورانس به من‌ملحق شد ۰

ـگفتیداتاق خالی‌بود ؟

ـآری۰ شوهرم راآنجا ندیدم۰

ـعجیب۰۰ یعنی شوهرتانـــرا در آنجا ندید ید؟

ادامه دارد





روان شنا سی

داشتن هدف روشن

اگر شخص هدفهای مشخص ومعین داشته باشد بندرت در حال نو سا ن وبی تصمیمی است مثلا و قتی شما بدانید که مقصد شما کجاست بدون اینکه توجه بدیگران داشته باشید راه خود را انتخاب و به همان طرف رهسپار خواهید شد .

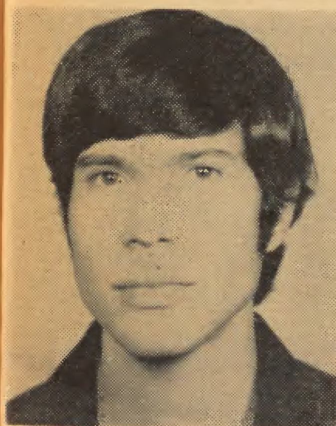
وقتی از هدف صحبت میکنیم باید میان هدف های آنی و هدفهای غایی فرق قایل شد زیرا راههای رسیدن به هریك ممکن است با هم فــرق داشته باشد . خوشبخت آنکسی که میداند چه میکند و چه باید بکند . بطور کلی شایسته است که جوانان در مکاتب تمایل شغلی در خود معلوم دارند و استعداد خود را در زمینه‌آن شغل ایده آلی تشخیص‌دهند و بدانند چه نوع تربیتی برای بدست آوردن آن شغل پس از مکتب لازم است . این انتخاب يك هدف غایی است که برای رسیدن به آن طرح و نقشــه عاقلانه لازم است. از طر ف دیگـر شخص باید هدف و منظور خود رادر طول روز و یا در طول يك هفته ویا يك ماه که يك هدف آنی است معلوم دارد تعین هدف موجب فعالیـــت وکوشش میشود و شخص را از سر گردانی نجات مید هد و راه هــای مستقیم را پیش پای انسان میگذارد که در این صورت تعارض بو قوع نمی پیوندد .



شعر نو نیاز زمان است و پدیدهٔ عصر

گفتگو ئی پیرا مون شعر امروز باشا عر جوان شاه امیر (فروغ)
ـ در شعر نو سا حهٔ بیشتر ی برای جو لان فکر شا عر و جــود دارد.
ـ احساس شا عر احسا س مردم است.
ـ شا عر در بر خورد مستقیــم خود با مردم می تواند از محدودیت های خود آگاه شود.

(کلمه ئی چند برای آ شنا ئــی باشاعر)
شاه امیر (فروغ) شا عر جو ان در (۲٤) دلو سال ۱۳۳۰ در کا بل دیده به دنیا کشود. و ی تحصیلات ابتدائیش را در مکتب سید جمال الدین افغان به پا یان رسانیده د رلیسهٔ غازی به ادامهٔ تحصیل پرداخت ودر ماه میزان سال ۱۳٤۹ شا مل فاکو لته انجنیری پوهنتون کا بــل گردید واکنون آخریــــن ماه ها ی تحصیلاتش را در رشتهٔ انجنیر ی ساختمان می گذا رند.
طوریکه همه میدانیم امروز باگرفتاری های زند گی ما شینی کمتر کسی پیدا میشود که به دو ر شتهٔ متضاد علاقه مند گردد، در حا لیکه فروغ علاوه به شعر و ادب به رشتهٔ انجنیری نیز عشق می ورزد و بدون تردید باذوقی که در و ی نهفته است در هر دو ر شتهٔ مورد نظر گامهای وسیعی خوا هد بر دا شت .



امیر فروغ

میپر سم نظرت راجع به رو ش نوین در ســـر و د ن شــــر چیست؟.

ـ به عقیدهٔ من شعری بنا م شعر نو وجود دا رد وباید هم وجود داشته باشد چه شعر نو نیاز زمان است وپدیدهٔ عصر.

بلـی شا عــر امرو ز نبا یـــــد از ابزا ر شعــر ی قرو ن گذ شتــه استفاده کند. آری صدای او با ید صدای مردم او با شد صدائی کــه انسان معاصر او آنرا تشخیص دهد وفریاد او فریاد انسان امــرو ز . شاعر امروز میدا ند که قا لب های گذشته برای بیان احسا سش تنگی میکند و باید قواعد عرو ضی گذشته شکستانده شود. البته هدف من ازین گفته ترك رو ش کلا سیك نیست بلکه باید یاد آور شو م که در شعر نـو هــم و زن و جــود دارد (البته نه همــا ن و زن هــا ی ثابت بلکه اوزانی که از بحور عرو ضی گذشته جدا شدند) و شعر بدون و زن اصلا شعر نیست ولی در قسمت قا فیه باید بگویم که شا عر امـــروز در شعرش قافیه راتقلیل داده ویا دربرخی از اشعار ش از قافیه اصـــلا استفاده نمی کند ودلیل آن اینست که شاعر امروز میخوا هد سا حـــه بیشتری برای جولان فکر ش داشته باشد.

ـ به عقیده ات شا عر چگو نـــه خود را بشرایط زمان و فق دهد؟

ـ طوریکه میدا نید شعر صد ا ی احساس شا عر است واحسا س شاعر احساس مردم او ست چه او در جا معه و در میان مردم ز ند گی میکند حال اگر شا عر این احسا س را مؤفقا نه در شعر ش منعکـــس میکند او خود را بشرایط زمان وفق داده ولی اگر شا عر خود را در میان مردم نمی بیند و دنبا له رو شعـ ر ای قرون گذشته است انسان هـــم عصرش هرگز نمیتوا ند او را ببیند وصدایش را تشخیص دهد، چـــه احساس او متعلق به گذ شته هاست نه به انسان هم عصر او.

بقیه در صفحه ٦۰

اگر میخواهید اندام متناسب داشته باشید



موضوع تنا سب اندام یکـــی‌از مسایل بسیار مهم‌قرن بشمارمیرود ومخصو صا برای خانم ها که بیشتر طالب زیبایی و تناسب اندام خویش اند زیاد تر دلچسپ و مورد تو جـه آنهاست .

تناسب اندام نیز مد سازان و مد پرستان رابشدت بخود مشـــغول داشته است. وایشان هر سا ل بـا اختراع‌ماشین‌ها ووسایل کا ملاجدید میکوشند تا عیوب و نواقص که در هیکل واندام خانم ها و جود دارد رفع‌کنند و در ضمن بازار فـرو ش وسایل‌راکه بدین‌منظورتهیه نموده‌اند گرم سازند.و جدید ترین وسا یل‌را بدسترس خانم های که ازین ناحیه شکایت دارند میگذارند .

یکی از این وسایل که بیشتر در اروپا و امریکا طرفداران زیاد دارد وسیله است به مانند بایسکل با این تفاوت که در بایسکل عرابه هانصب است و در این وسیله عرابه و جودندارد .

تمرین‌بااین وسیله جدید از طرف‌صبح خیلی ها به زیبایی اندام کمـک می نماید . باید متذکر شد کـــه‌بایسکل سواری نیز از جمله ورزش های محسوب میگردد که‌در امرلاغرشدن وکم‌کردن وزن‌رول مهمی‌دارد.

مسایل زندگی جوانان

لابد پیش خود میگوئید کـــه درخارج چون همه چیز پیدا میشود پس چه تحفه ای میتوان برای دوستان ،نزدیکان وآشنا یان فر ستاد؟ واز طرفي هم تشریفات گمرکی وپستی‌وتحمل حزینه کرایه و غیره بسیار مشکل است . و تحفه ای که‌فرستاده‌میشود حد اقل از پنجصد تا هـزار افغانی کرایه آنست در صورتیکـــه‌استطاعت چنین کاری را ندارید و درعین زمان میخواهد که حتماً چیزی‌برای دوستان و نزدیکان خو یشـــ که در خارج بسر می برند بفرستیدپس بهترین راه آن فرستادن پوست کارد از مناظر وطن است . البته‌بایدمتذکر شد که فرستادن کارد باید به موقعش صورت گیرد و تا قبل از اینکه عید فرا رسد پوست کاردشما برای طرف مقابل حد اقل یك‌یادوروز قبل ازعید برسد.بافرستادن‌پوست کارد و یا مکتوب از یکطرف ازکرایه‌ومصارف گمرکی خود را خلاصـــ میکنید واز جانبی هم‌مکلفیتی‌راکـــه‌احساس میکنید به بهترین صور ت آن انجام داده اید . وطرف را ازین‌یاد آوری به موقع خوشحال میسازید.

سخنان نغزدرباره زن

ـ زن تربیت شده ووظیفه شناس مقیـاس‌ترقی یك ملت است.

(یك)

ـ دختران پاکدامن ستارگان روی زمیـــن‌هستند .

(شکسپیر)

ـ زن چون بخت وطالع است اگر امروزآن‌راازدست دادی نباید تصور کنی که بعدبدست خواهی آورد .

(شکسپیر)

اندیشه های جوانان

محمد یاسین ازپسته خانه کارته ٤

ازآنجائیکه شیوه تفکر ماانعکاس از شرایط‌مادی ومحیطی ماست ومحیط واجتماع وبالاخره موقف اجتماعی ماوطرز تفکر مارارهبری میکنداز‌آن جائیکه شیوه تفکر جوانان انعکاسی است از شرایط که اوراپرورانده ودرآن نشو ونمونموده وتکامل کرده است .

پس : عقیده من عوامل ذیل درزمینه خیلی‌ها موثر است .

ـ جوانان ماچرا فاقد جرئت اخلاقی‌هستند؟

ـ چرا نمی توانند در برابر یك جمعیـــت‌بزرگ قرارگیرند وحرف بزنند ؟

ـ چرا آنچه درذهن‌اش است درانظار خلق‌اظهار وتبارز کرده نمیتواند ؟

این همه مسایل است است که همه‌جوانان‌منور وروشن فکر متوجه است‌که باید آنـــرا پاسخ گویند طوریکه متذکر شدیم که طـــرزتفکر مادرشرایط محیطی وعمل اجتماعی ما سر چشمه میگیرد .

بنا باید متوجه بودکه جوانان مادرچه گونه‌شرایط درتحت تربیه وتعلیم قراردارند مسلما هرفرد باهوش به این موضوع متوجه‌است که‌ضعف جرئت اخلاقی یك فرد ازضعف جرئـت وبالاخره از ضعف افکـار نادرست والدیـــن‌آنها سرچشمه میگیرد .

پس مستقیما وجود والدین برتمام جوانب‌افکار تاثیر ازخود بجا میگذارد که از افکـار نظریات واندیشه درونی آنها نمایندگی میکند.

ماجوانان که امروز می خواهیم خودرا ازراه‌علم ودانش وداشتن یك مفکوره عالی وواقعی بینی استوار سازیم :

باید همیشه شاهدواقعیت باشیم اگرتاریخ‌هرکشورراواقعا ورق بزنیم مینگریم ومشاهده میکنیم که چه درآینده نزدیك ویاآنکه بعد ازگذشت یك زمان واقعیت هامانند آفتاب روشن می شود اماکـم نظری ها غیر علمی بشکست‌مواجـــه شـده و بالاخـــره واژگـون ونابود میگردد وجای آنرا واقعیت تسخیر مینماید .

البته همینکه میگوییم شاهد واقعیت هستیم‌نباید ازواقعیت انکار کنیم چراکه بازهم‌بیانگر واقعیت هامردم وتاریخ است‌که ناواقعیت هارامحکوم میسازد وواقعیت هامردم وتاریخ است تاریخ است‌که ناواقعیت هارا محکوم میسازدوواقعیت هارارشد ونمو داده و تهداب اساسی واقعیت رادرهر کشور مستحکم اعمار میکنـــدبلی مردان بزرگ وبادانش عالـی خـو یش توانستند تاریخ رابه وجود بیاورند وتاریـــخ‌بسازند برای نسل بشر ونسل امروز نسـل فرهنگ‌دانش ماجوانان ازفداکاری وجان نثاری‌ایشان چه درراه حفظ حقوق وطن بوده وچه در راه اعمار جوامع بشری مااز فداکـــاری آ ن‌فرزندان صدیق کشور یادآورمی شویم پس برمالازم است‌تادرراه پیشبردوطن وارمانهای‌مردم خودازابتدا خودرا درلباس واقعیت آشنا ساخته ودرساحه علم واقعیت بینی به پیش‌حرکت نماییم ومصدر خدمات شایسته به وطن وبه همنوطنان گرامی خود ازروی واقعیـت وواقعی بینی کار نماییم .

نویسنده مضمون محمدداود (نوری)

جوانان باید بفهمندکه وطن مادر حال‌کنونی‌هنوزیك مملکت بسیار فقیر است وبر کندن ریشهٔ فقر دریك مد ت کوتاه میسر نیســـت‌فقط وفقط جوانان وهمهٔ مردم ماميتوانند بـــا مساعی مشترك بانیروی خودکار کنند ووظیفه‌جوانان است‌که برای مردم درحل مشکـــلا ت شان روشنی انداخته وآنهارا ازطریق مباحثه‌به اسلو ب درست رهنمایی کنند جوانـــان فعالترین وشاداب ترین نیروی جامعه هستنـــدآنهاباید ازهمه بیشتر به این خاك زحمـــت بکشند یك جوان باید بفهمد که چگـــونه ازانرژی خودکار بگیرد زیراکه در هنگام شباب سرشار وشاداب نیروی حیاتند، مثل آفتا ب‌صبح میدرخشند وچشم امید تمام مردم مابـه آنها دوخته است زیرا که سرنوشت ایـــن‌مملکت باید گفت به نیروی جوانان اتکاء دارد یکنفر هرقدرتوانا باشدبازهم به نیروی یك‌نسل جدید احتیاج مبرم داردآیایك نفرمیتواند که تودهٔ عظیمی رااز بدبختی نجات بدهـــد ؟نه بلکه همه مردم ماباید زحمت بکشند ویك جوان باید اسلوب های ناپسند رابدور افگندورویهٔ پسندیده راحفظ کند واگر اشتباهـــی رخ میدهد باید فورا دررفع آن بکوشد وهمه‌وقت درهمه جابروی اصول صحیح پافشـــاری کند ووظیفه جوانان است‌که ازخود بیشتر به‌دیگران توجه داشته باشد ودر هر مسئله که برمیخورند باید سوال کنند و به هیچ وجـــه‌نباید کورکوارنه قبول کنند. وظیفه یك جوان است‌که باید وفادار ، صادق وفعال باشد واستقرار نظام نوین جمهوری رااز‌جان خـــود گرانبهاتر بداند .

عبدالستار(مجیب) متعلم‌صنف ۱۲شپی لیسه

زندگی امروز



تهیه ونگارش : فریحه پرجوش

دکوراسیون زیبا باهزینهٔ ناچیز

خانه و منزل بهترین محل آسایش و راحت است‌وچه‌بهتراگر فضای‌آن‌بر علاوه‌صفاو صمیمیت، زیبا ودلنشین نیز بوده و دکور قشنگی داشته باشد .

ولی متاسفانه اکثر خانمها بدین عقیده اند که برای دیزاین و دکور اتاق ها باید پول کافی داشت تابتوان منزل را آراسته ساخت .

در حالیکه دکور اسیون خوب و قشنگ مربوط به‌گرانی اشیا و قیمت لوازم نیست، بلکه بسته به‌خوش ذوقی آقا و خانم خانه است .

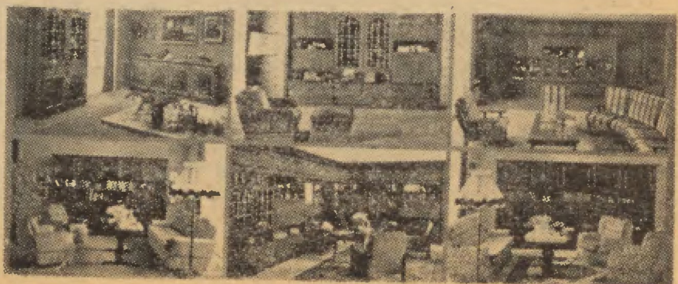
دکوراسیون زیبا ومناسب بهتر از لوازم قیمتی است‌وبه‌زیبایی‌اتاق اهمیت‌بیشتردارد. لوازم وسامان پربها وتجملی هیچگاه نتوانسته جای یک دکور زیبا و مقبول را پرسازد مگر اینکه باذوق وسلیقه انتخاب و چیده شده باشد .

دکور منزل و اتاق بامصارف زیاد نماینده ذوق وسلیقه خوب شما نیست .هرگاه پول زیا دبدستر س باشد،میشود بهترین مبل ها و اشیا را داشت ویاخریداری کرد وباآن اتاق را آراست ولی اگرشما با بودجه کم و هزینهٔ ناچیز موفق به‌دکور وتزئین منزل گردید و یا باابتکار ازاشیای غیر قابل استفاده ،لوازم کارآمد سازید و در دکور اتاق ازآنها کار گیرید .آنوقت میشودگفت که شما واقعا شخص مبتکر و باذوق و سلیقه اید .

پس در تزئین و دکورا سیون اتاق و منزل هرگز به‌پول و بودجه کافی نه اند یشید .اگر خواسته باشید دکور جدید وتازه ای به اتاق تان دهید وپول‌کم دارید رنجور نشوید. شما میتوانید برای تغییر دکور اتاق به انبار منزل روید و از آنجا اشیای بیکاره وچوکی های دور افتاده را در آورده بشوید، ترمیم کنید وبادرنظر داشت رنگ های اتاق آنرا رنگ کنید، باتکه ها و پارچه های اضافی پوش کنید و امثال اینها ...

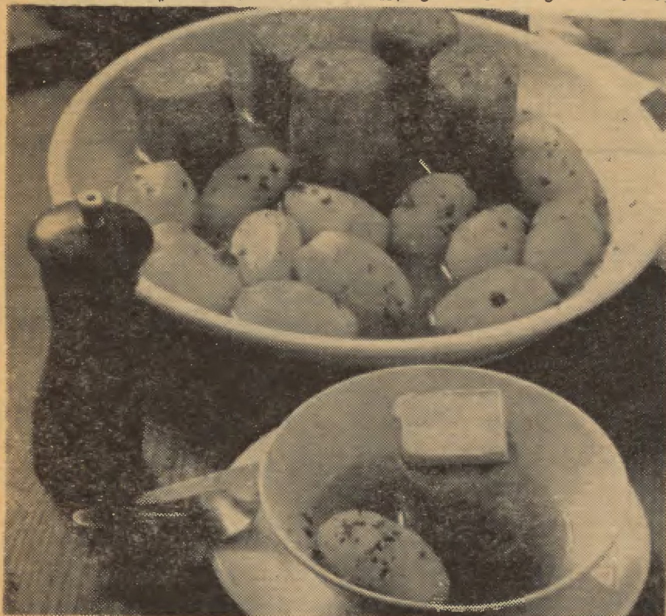
در ضمن‌فرا موش نبایدکرد که طرزقرار دادن‌مبل و فرنیچیر و میزها و ... نیزدر دکور اتاق نقش فوق العاده دارد هرگاه بهترین پول‌ها راباکم توجهی و بی‌سلیقگی چیده و هماهنگی رنگ‌ها و تناسب رادرنظر نگیرید گذشته از آنکه کیفیت وارزشش را ازدست خواهد داد، اتاق رانیز بدنمود ساخته‌از جلوهٔ آن میکاهد .

بنابر آن در دکور اسیون وزیبا ساختن نقش ذوق سلیقه و ابتکار بیشتر است تابه وسایل پربها .



بخش آشپزی

اینبار طرز تهیه چندنوع کتلت را بشما نگاشته ایم تااگر خواسته باشید آنرا در صورت وقت داشتن‌وروزهای رخصتی بپزید.



کتلت گوشت

مواد لازم :

نیم کیلو گرام‌گوشت بدون چربی ،یک عدد نان سفید سیلو ، یك پیاله شیر، یک دانه پیاز بزرگ ،دو دانه تخم مرغ،مقداری روغن ،نمک ومرچ به‌قدر ضرورت .

طرز تهیه :

گوشت را دوباراز ماشین‌گوشت بکشید. مغزنان سفید رادر آورده شیر را رویش بریزید تانرم گردد .وقتی نرم شد باگوشت کوفته مخلوط کنید. پیاز را پوست گرفته ریزه کنید وباتخم ها ، مرچ و نمک بالای مخلوط کوفته و مغز نان بیافزایید و خوب به‌هم بزنید .روغن را درظرفی ریخته بگذارید داغ گردد از مخلوط فوق به هر انداه ایکه‌خواسته اید گرفته به شکل‌بیضوی در آورید و در روغن پشت و رویش‌راسرخ کنید . قبل ازانداختن درروغن کتلت هارا در نان قاق میده شده بمالیدو متوجه‌باشید که بیش ازیك یادو عدد کتلت را در یک دفعه سرخ‌نکنید ،زیرا هرگاه بیشس از دوسه عدد رایکجا سرخ کنید به‌علت آب انداختن گوشت ،کتلت ها خراب خواهند شد.

کتلت مرغ

مواد لازم :

یک دانه مرغ متوسط ،یک عدد نان‌سفید سیلو ،یک‌پیاله شیر ،دو عدد تخم مرغ روغن ،مرچ و نمک .

طرز تهیه :

گوشت مرغ راپس ازپختن از استخوانها جداکنید و از ماشین‌گوشت بکشید سپس متباقی مواد رامانند مخلوط بالا یکجا نموده و به‌همان شکل سرخ کنید .

کتلت هارا پس از کشیدن در بشقاب میتوانید باکچا لوی بریان و سبز یجات‌تازه مثل گشنیز ،نعنا و امثال آنها زینت دهید.

کتلت ماهی

گوشت ماهی آب پز شده را از استخوان جداساخته باگوشت کوب خوب میده‌کنید . نمک ،مرچ ویکدانه تخم‌مرغ را باآن افزوده خوب مخلوط نمائید سپس بصورت کتلت در آورده در روغن داغ سرخ کنید .

نگهداری غذاوخوراکه باب درزمستان

شما نباید به فکر خرید آذوقه بیافتیدمگر اینکه پیش از پیش انبار ولوازم کار را آماده ساخته باشید ۰انبار یا (خرج خانه) را درجای خشک و سردی درنظر گیرید که محبوس نباشد ۰ولی اگر تاریک باشد فرق نمیکند۰

برای استفاده بیشتر بانصب قفسه هـــا ورف هاومرتب چیدن ظروف گنجا یش آنرا بیشتر و برداشتن آذوقه را آسان سازید۰ پشت ظروف و پیپ های حاوی خوراکه را کاغذ چسپانده نوع آنرا رویش بنو یسید تا دروقت ضرورت و استفاده ازآن دچار اشکال نگردید .

هرگز غذاهای بودا مثل‌چای و مساله هارا نزدیک‌هم نگدارید ۰برنج و آرد هرگـــاه از یکسال به‌سال دیگر بماند شپشه میزند، برای جلو گیری ازآن تکه های کوچک نمک میان آنها بگذارید ۰

نگهداری حبوبات اشکالی نداردولی آنهائیکه به سال دیگر میماند دیرتر پخته میشـود .

پیاز وکچالو جای خشک و تاریک لازم‌دارند

برای حفظ آذوقه دریک مدت طولانی‌باید در گوشه وکنار انباز گرد(دی۰ دی۰ تـی) بپاشید ودر ضمن خوراکه هارا ازگرد وخاک ورطوبت وحیوانات موذی حفظ کنید ۰

زردک ،شلغم ،کچالو ،لبلبو و امثـــال اینها رامیتوان میان کاه درصندوق یادرچالـه های زمین نگاه داشت ۰اگردر صندوق نگاه میدارید ته هرصندوق را اول مقداری کـــاه ریختـه زردك ویـــا کچـــالـو را پس از گرفتن برگ هاوسبزی آن به ترتیب روی‌آن بچینید و دو باره کاه بریزید تابه یکدیگـــر نچسپد ۰بعد طبقه دیگر همانطور یکه گفته شد چیده صندوق هارا پرکنید و درجــای سردی بگذارید و در زمستان یک یک را باز کرده مصرف کنید۰

اگر در چاله زمین نگاهدرای میکنید بـــه همین طریق بچینید منتها باید متوجه بودکه بالای چاله یک مجرای هواکش باقی‌بگذارید وبعد یک قطعه سنگ ویاچـوب روی آن گذاشته باشاخه وبرگ بپو شانید که آب باران وارد چاله نشود ۰

خربزه یا تربوز و آنگور رامیتوانید بین خریطه ای گذاشته بیاوزیزید برای حفـــظ کرم ۰اگر بیخ هریک کرم هارا درخاک‌خوب محکم کرده وگاهی بطوریکه فقط ساقه آنها ترشود آب بدهید تازه میمانند ولی بایدروی آنهارا برگ و شاخچه ها بپو شانید تایخ نزند ۰

نمک در جای مرطوب آبرا بخـــو دش میکشد پس باید آنـــرا درجـــای خشـــک گذاشت ۰

تخم های مرغ رابابد درجای سرد حفظ کردامانه بقدری که یخ ببندد، تخم ها را یک یک باموم یاچیز دیگری چرب کنیده درمیان بوره اره یاکاه بچینید ۰بدین‌ترتیب خوب تر و دیرتر باقی میماند ۰

گرد آورنده :پروین قسیم

تأثیر مواد غذ ایی در بدن

داشتن بدن سالم و نیرو مندکه باعـــث نشاط وعمر طولانی است همه‌وهمه بستگـی مستقیم بویتامین ها و عناصر معدنی و مواد غذایی کافی دارد ۰ یک انسان کامـــل و سالم روزانه بطور اوسط محتاج ((۲٤۰۰)) کالوری میباشد واین مقدار نیرو و حرارت باید بوسیله غذاهای مختلف تامین گردد۰

سر گیجه ،خستگی ،چرت زدن ،ضعـف در مقابل امراض اثراتی است که یـــک رژیم ناقص غذایی برای انسان پیش میسازد.

کـــالـوری : عبـــارت ا ز واحـــــد حرارت است کـــه این حرارت از مصـــــرف مواد قنـدی ، نشایسته یی ، چربیهـــا ومواد سفیده ای در بدن تولید میگردد در حقیقت یک کالوری مقدار حرارتی ست که حرارت یک لیترآب ۱۵ درجه رابه ۱٦ درجه‌برساند مواد کالوری در چربی، ماهی،شیر پنیر ، روغن نباتی ،روغن زیتون روغن بادام،سفیده تخم مرغ و گوشت گوسفند موجود است ۰

عناصر معدنی مورد لزوم بدن :

عناصر معدنی موجود دربدن انسان بـــه سه دسته تقسیم شده ۰

۱: عناصری که مقدار شان دربدن نسبتا زیاد بوده مانند سودیم ،پتاسیم کلسیم، منفر و گوگرد ۰

۲:ـ آنهایی که‌بمقدار معین وجـود دارد مانند آهن و مس ۰

بقیه در صفحه ٦۰





اینهم‌دومدل زیباازبهترین جاکت های پشمی برای زمستان که درمدل سمت راست راههای‌افقی جاکت زیرین باراههای عمودی جاکت‌بالایی جلوهٔ خاصی یافته ومدل سمت چپ بانقش هاتزئین شده است ۰



اشتباه

مردی که ریش بلند ی داشت تصمیم گر فت ،شب عید ریشش رابتراشد . پس از اینکه به یك سلمانی رفت و ریش خود را اصلاح کرد: به‌خانه ر فت اتفاقا دید کــه کلید دروازه رابر خلاف همیشه‌با خود ندارد ناچار زنگ دروازه‌را فشار داد به محض اینکه ز نش ـ دروازه راباز کرد ، خود رابــه آغوش او انداخت و صور تش‌را غرق در بوسه کرد .

مرد که هر گز چنین محبت و نوازش اززن‌خود ندیده بود سخت خوش حال شدو گفت .

عجب: پس اصلاح صور ت‌کاملا به‌نفع من تمام شد .

زن و حشت زده گفت :

ای‌وای ، خا ك عالم به سرم... من اصلا ترا نشنا ختم !

دلیل خوب

داکتری از مریضش پرسید کـه چرا دوایت را نخوردی مریض جواب داد در پشت بوطل دوا نوشته شده بود که همیشه سر آن بسته باشد ، بنا برین سر بوطل را باز نکردم .

چاره جویی

موزیسین

روزی درس یك پروفیســـور ، معروف بیماری های حنجره وجهاز تنفسی بود ... برای آنکه در س باعمل توام باشد ،یکی ازشاگردان مردی‌راکه سالهابود ازسینه درد و تنگنفسی می نالید و هیچ دارو یی دراو مؤثر واقع نشده بود ، همـراه آورد تا پرو فیسور عا لـی قـــدر ، تجربه های گرانبهای خودرا روی او به‌مرحله عمل بگذاردو به‌شاگردانش بیاموزد ...

پروفیسور ازمرد مریض‌پرسید!
ـ خوب ... شغل شما چیست؟
ـ بنده موزیسین هستم .

پروفیسور آله درگلواو انداخت و به شاگردان گفت :

ملاحظه کنید . .. همان طـوری که دردرس‌های سابق نیز گفته ام استعمال دایم‌یك آلت مو سیقــی درنزد موزیسین ها تو لیدنارا حتی هایی ازقبیل تنگ نفس وسینه درد مزمن ویابیماری که مربوط بـــه دستگاه تنفسی باشد می‌کند ...

سپس رویش رابه طرف‌موزیسین کردو گفت :

ـ خوب آقا ... شما چه ساز ی میزنید ؟

مردبه سادگی جوابداد .

ـ قربان .... بنده طبالم ..!

وکیل دعوا

مادری پسر خود را صدا زدگفت:احمد جان وقتیکه بزرگ شوی چه شغلی را خوش خواهی داشت احمدگفت مادر جان می خواهم وکیل دعوا شوم و هر وقت شما با پدرم جنگ‌می کردید بین شما صلح کنم .



ما جرای تصادم

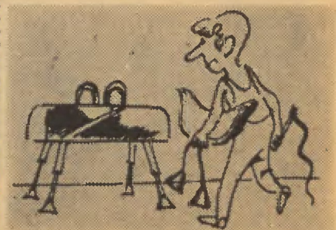
صرفه‌جویی

پسری از پدرش پرسید :

پدرجان بین ممسکی وصر فه‌ـ جو بودن فرق چیست ؟

پدر جواب داد

. پسرجان اگرمن با لا پوشـــی زمستانی خود را که پارسال خریده، ام امسال نیز بپوشم من یـــك شخص صر فه‌جو هستم ولی اگر ازمادرت بخواهم که‌بالاپوش‌پارساله اش‌راامسال نیز بپو شد در آنحال خیلی خصیص هستم .



بدون شرح



به آرزوی کم وزنی

شکاری

روزی برای تاجری یك بازشکاری آوردند ، گفت :

– این مرغ چه هنری دارد ؟

گفتند :

– کبك و کبوتر شکار می کند .

گفت :

– چه می خورد ؟

گفتند :

– روزی یك مرغ !

گفت : آزادش کنید ، بگذارید خودش بگیرد و خودش بخورد !

حاشیه

یکی از مجلات اروپایی ، نامه یی‌به این شرح از یکی از مشترکین‌خود دریافت داشت :

– سال پیش ، موقعی که مجلهٔشما را مشترك شدم ، در یکی از شماره‌هابه یك اعلان رسیدم که:هرکس از مطالب این مجله را ضی نیست،می تواند درپا یان سال‌وجه‌اشتراك خودرا پس بگیرد ! حالاچون من راضی نبوده ام ، لطفا پولم راپس‌بفرستید !»

اما در آخر این نامه یك «حاشیه»بود به این شرح :

« ضمناً ، چون نمی خواهم شمارااز این بابت ناراحت کنم ، لذا تقاضا دارم مبلغی را – که باید پس‌بفرستیدبابت اشتراك سال آینده حساب کنید !!

اسکندر و دزد

اسکندر به کشتن دزدی فر مان داد !

دزد گفت :

– من د راین کار – که کردم – قلبم راضی نبود .

اسکندر گفت :

– درکشته شدن ت و نیز قلبت راضی نباشد !

پدر : پسرم تمام خواندن های‌کلاسیك را می داند اما چون سن آن کوچك است ، وقتیکه کلمات را به‌درستی اجرا کرده نمی تواند من فورا کمکش میکنم

خرس قوی هیکل

جهانگردی – که خیلی تنو مند وقوی بود– تازه از جنگل باز گشته بود و با حرارت زیادی برای یکی ازدوستانش مشاهدات خود راتعریف می کرد . ضمن صحبت چنین گفت:

– بالاخره وقتی وارد اطاق شدم،بایك خرس قوی هیکل و مهیبی مصادف شدم ! آیا حدس می زنی‌چه‌کرد م ؟

رفیقش با خونسردی جواب داد:

– خوب دیگر آیینه را شکستی!؟



بدون شرح

وقتی مریض‌داکتر، زن خود اوباشد:

زن داکتر ، پیش شو هرش از سر دردی وکمر دردی شکایت میکرد . شوهر به او دلداری میداد ومی گفت :

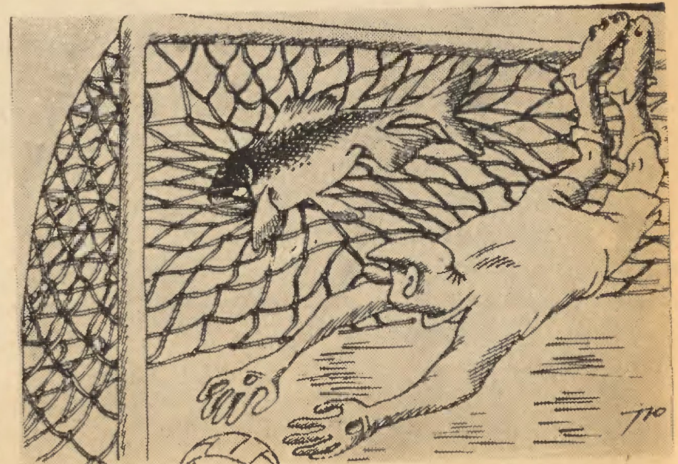
عزیزم ، چیزی نیست ، کمی سر ما خورده ای ، وزود خوب می شوی !

زن بر آشفت و فریاد زد !

– اگر یك مریض نا آشنا پیش تو می آمد واز همین درد ها ناله می‌کرد تا به حال صد بار بر هنه اش می کردی ؟!



بدون شرح



بدون شرح

باز هم دیوانگان

روزی مدیر دار المجانین برای‌باز دید دیوانگان به شفاخانه رفت. تمام دیوانگان با لباس سفید دریك‌خط ایستاده و همه در کمال ادب‌همان طوری که قبلا تعلیم گردیده بودندبه‌مدیر سلام دادند .و لی در آخرصف یك نفر اصلا سلام نداد و کوچك‌ترین احترامی به مدیر نگذاشت !

مدیر – که ا زاین دیوانهٔ لجوج‌وبی‌ادب سخت عصبانی شده بود –فریاد زد :

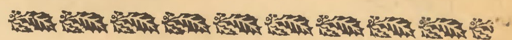
– احمق ! چرا احترام نمی گذاری ؟

آن مرد بلا فاصله جواب داد :

– قر بان ، من دیوانه نیستم ،من‌پرستارم !

دمتین ترجمه

دمینې په‌لور



هره ورځ دسهار په‌پنځو بجوله خوب نه راویښیدم ،تر څو دغواوو شیدې ولویشم او څارویو ته خواړه ورکړم، له‌دې نه وروسته په سل‌گونو نور کارونه پاتې کیدل دشپې له‌خوا به‌دومره ستړې په‌بستر کښینـــې عزیدم چه خوب به‌نه رانه.

زړه مې څومره غو ښتل چه امید ولرم روښانه ورځې هم زما په مخکې شته....

دجنورې دمیاشتې په وروستیـو وختونو کښې یوه ورځ مازیگر دلمر ژیړې وړانگې دغرونو تر څـــټ تیټیـدلـې چـه « مایکل او شې » کروندې ته‌راغې هغه لوړ قد درلود آرام او مهربا ن آواز یې درلود هغه په‌کار پسې گر ځیده ،دادانتظار نه لرې یو تصادف ؤ داسې تصادف چه موږد یو سړې‌مرستې ته اړتیا درلوده

سره له‌دې چه هغه دادنا تـرور سره خبرې کو لې خوپه دې‌پوهیدم اودااحساس مې کولې شو چه هغـه دستر گوله کونج نه ماته گـو رې یوځل مې ځانته جر ئت ور کړ او خپل سر مې پورته کړ تر څو دهغه ستر گو ته وگورم خوکله چه هغه موسکې شو خپل سر مې کښتـــه واچاوه اوداسې مې وښودل چه زه متوجه شوې نه یم په‌ما کښې عجیب احساس پیدا شوې‌ؤ ده دهغوکسانو سره توپیر درلود چه ما مخکښـــې لیدلې وو اوزه نه‌پوهیدم چه څـــه عکس العمل باید وښیم.

خو نا څاپه‌کله چه دادنا ترورد- کروندې اومانه دهغې درسید. لـویه باره کښې دخپلو پخوا نیو خبروپه باب خبرې پیل کړې غونې مې زیږ شو، مایکل اوشې په مو سکا سره دهغې‌خبرې‌اوریدلې ،خوددې‌موضوع ظاهر دومره ورته په زړه پورې نـه برېښیده نه پوهیږم چه‌په زړه کې مې څله داخبره احسا سو له هغه داسې سړې نه‌دې چه پیسې ور ته له‌هر څه نه زیا ت ارزښت ولرې.

دمایکل راتلل لکه دنوې رو ح په څیرؤ چه‌د کروندې او په همدې ډول زمونږ په کالبد کښې پوشوې‌ؤ هغه هرکار کاوه یوه ورځ دبلـــې ورځې په نسبت ښکلې او خوشحاله برېښیده سړې دهغه سره په کارکې ځان خو ښې احسا ساوه ،په خپل ټول ژوند کښې مې لکه ددې څـــو هفتو په څیرځان‌نیکمر غه نه‌ؤلیدلې کله کله به‌د مازیگر له خواد کور په برنډه کښې ناست ؤاود خولې ساز به‌یې غږاوه اوویل به‌یې چه‌دا کار مې پلار راته ښودلې دې هغه ځینې نور شیان هم دخپل ځان په باره کښې ماته وویل: هغه د«سان فرنا- ندو» په‌دره کښې لوې شوې‌ؤ خو کله‌یې چه دوه کاله دمخه لـــه‌اردو څخه وویست په‌پر له‌پسې ډول د- کار په لټه دې ښار ته او هغه ښار ته‌تللې ؤ.

دازما په نظر په زړه پورې‌ژوند ؤ،همیشه مې هغه دې ته تشویـق کاوه چه‌د خپل ځان په‌باره کښـــې زیاتې خبرې وکړې ،خو یوه ور ځ چه کورته راستنیدو مایکل ما تـه مخ کړ، مو سکې شو او ویې‌ویل:

ـ پو هیږې ژنویو،ته‌عجیبه نجلۍ یې ته‌تل خبرې کوې خو هیڅکله‌د خپل ځان په‌باره کښې یوه خبره هم نه کوې ستا په‌دغه کو چنې ککرې کښې څه ډول فکر ونه تیریږې؟ته له ژوند نه څه غواړې ؟

نا څاپه مې داخبره احسا ســ کړه چه زړه مې وزبیښل شو او اوښکو مې ستر گې ډکې کړې ما لکه دنورو پیغلو په څیر خو ب او خیال نه‌درلود آینده یو داسې شـې ؤچه هڅه مې کو له‌ډیر دهغې په‌باره کې‌فکرونه وکړم مایکل بیاپو ښتنـــه وکړه.

ـ ته‌نه غواړې چه سفر وکړې او بیل بیل ځایونه ووینې؟ ډیر په‌زړه پورې دې، ډیر شیان زده کوې په تیرو دوو کلونو کښې ما ډیر ښـــه ژوند کړې دې.

په‌دې وخت کښې مایکل خپـــل لاسونه زماپه غاړه کښې واچو ل‌او په‌غوږ کښې یې‌راته وویل:

ـ زه فکر نه‌کوم چه‌له دې شیبې نه‌وروسته هر څه همداسې پا تـــې شي‌زه په‌تا عاشق یم، ژنویو ایاته‌هم په‌دې پو هیږې؟ دایوله التها ب نـه ډك خوب اوپه عین حال کښې لـه امکان نه لیرې ؤهو دایو خوب ؤدا چه‌په ځان داخبره ومنم چه دا خبرې مایکل کړیدې خو کله چه‌هغه‌زه‌په غیږ کښې ونیولم وپو هیدم چه‌دا ټول شیان واقعاً پیښیږې ځان مې ور- وړاندې کړ، پما هم مایکل گران‌ؤ.

په وروستیو هفتو کښې ټو لـو شیانو خپله ښه بدله کړې وه حتی دادنا ترور بې ځایه انتقا دونو او بدویلو هم کو لاې شول چه‌مایوه اندازه ناآرامه کړې دهغه یوازینې شې په‌باب مې چه فکر کاوه هغـه مایکل‌ؤ.

هغه هلته دو مره کارکړې ؤ چـه وکولاې شې واقعیت درك کړې هغه په‌دې پو هیده چـه‌داد ناتـــر رزه دډیرو کلونو دپاره دخپل نفوذ لاندې ساتلې یم اولاوس‌هم غواړې‌چه‌ماهلته وساتې‌په همدې دلیل پو هیده چه تراوسه لاداکار عا قلا نه نه‌دې چه زما په‌نسبت خپله رابطه څرگنده او ښکاره کړې.

خودادنا ترور دتیز او هو ښیـــار طبیعت له نظره هیڅ شې پټ نـــه پاتې کیده هغې دڅه مودې نه‌را په دیخوا زمونږ څارنه کوله ښا یې‌چه زمونږ خبرې یې هم اوریدې لې وې تر څو یوه ورځ دچار شنبې دغر مې نه‌وروسته هر څه لکه دلمر په څیر روښانه شول. ما او مایکل لکه‌دتل په څیر دکور په‌برنډه کښې ناست وؤاومونږ یوهم دکور ددروازې د- خلا صیدو آواز وانه اورید مـــوږ دواړه یودبل په غیږ کښې پرا تـــه وواود عشق او مینې خبرې مو کولې له هرڅه نه‌بې خبره ؤ،دادنا ترور موږ ته‌متوجه شوه او لکه په شپه کښې دچاودنې په څیر یې چیغـــه کړه:

ـ ژنویو! ژرکور ته راشه.

مایکل په داسې‌حال کښې چه‌زه یې‌په غیږ کښې نیولې وم‌په آرامې سره وویل:

ـ یوه دقیقه وخت راکړه، ښځـــه یورته شوه فکر کوم چه‌ته باید په پوشې وپوهیږې.

ـ زه‌پوره پوهیږم همدا چه‌دلتـــه راغلم اوخپله‌وریره مې‌په دې‌حال‌ولیده ناڅاپه مایکل په‌تنده لهجه وویل:

ـ داحقیقت نه‌لرې‌دژنویو یوازینې گناه داده چه ډیره شر میندو که ده اود خپلو احسا ساتو په وړاندې ستا سې له‌عکس‌العمل څخه‌ویریږې.

ومې ویل:

ـ مایکل خواهش کوم.

دادنا ترور وویل:

ـ زه په ټولو شیانو پو هیـږم، تاسې تردې وروسته دلته کوم کار نه لرې ښاغلې او شې. تاسې له دې ځایه باید ژر ووځې ،همدا نن شپه خپل وسایل ټول کړې او لـــه‌دې ځایه لاړ شې.

بیا زما خواته راستنه شوه او ویې‌ویل:

ـ وادې نه‌اوریدل چه څه مې‌وویل ژر کورته‌راشه.

خو پخوا له‌دې چه‌له خپل ځای نه جیگه شم مایکل ورو ،وویل:

ـ دشنبې‌په شپه په اتوبجودسیند په‌غاړه ستا انتظار کاږم ،وروسته‌بیا خبرې کوو.

سهار مایکل تللې‌ؤ اوکور دهغه په خالې کیدو سره غمزده برېښیده هرکله به‌مې چه‌د هغه په با ب فکر کاوه او ښکې مې له ستر گـو بهیدې اود ځان مخه‌مې نه‌شوه‌نیولې ددې په څنگ کښې په دې باندې په‌پو هید لو سره‌چه‌د شنبې په‌شپه هغه وینم یو څه آرا میدم باید پـه یو ترتیب له‌کور څخه وتلې‌وم ،مـا غوښتل چه مایکل ووینم ،مجبوردوم دهغه سره مې مینه درلوده.

له ښه مرغه په دې شپه دادنا- ترور ژر ویده شوه، یوه شیبـــه وروسته له کورڅخه ووتم او دوحشې گلونو په‌بو ټوکښې مې دسیندخواته منډه کړه دځانه سره‌مې ویل: مایکل مایکل زه له‌تاسره مینه لرم زړه مې دزیات‌هیجان‌نه سخت درزیده‌کله چه دسیند په غاړه دتیږې دپا ســـه کښیناستم مایکل لا تر او سه نه ؤ راغلې زه دټاکلې وخت نه‌نیم ساعت دمخه تللې‌وم هلته‌دهغه په انتظـار کښینا ستم ،هغه ځای لکه دجنـت په‌څیر ؤ،داوبو دتیریدو آواز اود- گلونو مست کوونکو بویونو دخیال نه‌ډك محیط جوړ کړې‌ؤ مایکل هم‌ډیر ژر راته او دغه ښکلا یې نوره هم‌زیا- توله کله چه مې دونو ترڅټ دپښو آواز واورید په وار خطا یې سره له خپل ځای نه‌پا څیدم‌خو یوه شیبه

وروسته دهغه څه‌په لیدلو سره چه زماپه مخکښې ولاړ ؤپخپل ځای‌وچه پاتی شوم.
برونو پو ښتنه وکړه:
ــځه پیښ شوی ژنویو؟ تعجب دی وکړ، فکر کوم داانتظار دی نه درلود چه‌بیا ماووینی ،آیا داسی‌نه ده؟
ــ ته څه غواړی؟
ــهغه په داسی حال کښې چه‌زما په زخم مالگی دوړولی وویل:
ته‌باید پوهه شې، غواړم چه‌ستا ددی کار تلا فی وکړم شــرط ږدم فکر دی کړی چه مادتل دپاره خپل گوروړك کړیدی خو له هغې ورځــی نه را په دیخوا په دی‌ځای کښې‌دوخت په‌انتظار وم.
په غریزی تو گه می احسا ســس کاوه چه باید وتښتم ،خو نه‌مــی شوای کولی‌له ډیر ی‌ویری زماپښو دحر کت توان‌نه درلود.
په‌دی وخت کښې مایکل دونو له منځ نه‌راووت، هیڅکله دهیڅا له لید لوڅخه دومره خو شحا له شوی نه وم‌لکه دمایکل په‌لید لو چه خوشحاله شوم په‌داسی حال کښې اوښکی‌می له‌ستر گو نه روانی وی ځان مــی هغه ته ور ورساوه.
برونو وغوریده اوویی ویل:
ــلکه چه دزړی ښځی اووریری یی بیاهم یوبل ځوك پیدا کړی دی.
ــمایکل په‌سړه وضعه پو ښتنــه وکړه:
ــته څوك یی؟دلته څه کار کوی که چیری‌دی ژنویو ته څه‌تــــاوان رسولی وی زه...
ــزما نصیحت ومنه ښا غلــیه، دانجلی دجگړی ارزښت نه لــــری پوهیږم چه‌ته لادهغوی دلوبو ســره بلد شوی نه‌یی.
مایکل په حیرانتیا سره ما نــه وکتل اوویی ویل:
ــداسړی دڅه شی په‌باره کښې خبری کوی؟
پخوا له‌دی چه زه یو څه وویلی شم برونو داسی دوام ورکړ:
ــشرط ږدم چه‌ته هم زماپه څیر په‌وړیا ډول دزړی ښځی دپاره کار کوی. بیا هم شرط ږدم چه ستاد استخدام نه‌دمخه یی یوه لنډه کیسه هم درته کړی ده‌چه یوه ورځ به‌دغه نجلی دزړی ښځی دکروندی‌او ټولو مالونو خاونده شی اوداچه زړه‌ښځه به ژر مړه شی اود کروندی‌دکاروڼو دخوندی کولو دپاره دبل چا مرستی ته‌اړه‌ده هو ښا غلیه زه هم یو وخت په‌دی لومه کښې نښتی وم.
مایکل په قهر ورته وکتــــل او برونو په داسی حال کښې چـــه شونډی یی بو ځولی دځنگله پــه تیاره کښې ورك شو.
دهغه له‌تللو وروسته مایکل پــه داسی حال کښې چه غو سه یــی لانه‌وه ناسته ماته‌راستون شو او ویی‌ویل:
ــدا خبری حقیقت لری ژنویو؟ دومره پریشانه‌شوم‌چه‌نه پوهیدم څه ووایم.
په‌داسی حال کښې چه ستو نی می ډك ډك کیده اعتراف می وکړ.
ــهو مایکل مگر ته متو جه نه‌یی چه...
ــډیر ښه متوجه یم تاسی ما نه په‌بشپړه تو گه لاس واچاوه اوپخوا له‌دی چه ماته‌دڅه‌ویلووخت را کړی مخ‌یی رانه وگر ځاوه اوپه کومه‌لاره چه راغلی ؤبیرته‌لاړیوه ورځ وروسته بیرته سخت کارونه پیل شول ټول کارونه زماپه غاړه ؤ،دادنا ترور دی وروسته نه غو ښتل چه ځـــــوك استخدام کړی.
یوه شپه کله چه په بستره کښې وغزیدم سرمی گر ځیده تبې ونیوم ترسهار پوری ویده نه شوم خوکله چه‌سهار پاځیدم هڅه می‌وکړه چه‌دا موضوع دادناترور ته ووایم هغې‌زما خبری ونه منلی او ویی ویل:
ــبی ځایه تمارض مه کوه کارونه نیمگړی پاتی کیږی ،نه پخپله ښه پوهیږی.
هڅه می وکړه چه له بستـــــری پاځیږم‌خو کله‌چه می‌غوښتل‌خپلی‌جامی بدلی کړم سرمی وگر ځید او پــه ځمکه ولویدم څو شیبې وروسته‌می چه‌کله ستر گی خلا صی کړی‌لومړی شبی می چه‌ولید هغه‌د مایکل‌صورت ؤفکر می وکړ چه‌د نارو غی په اثر په‌اوها مو او تخیلاتو اخته شوی یم خو کله چه می ستر گی پټــی او بیرته خلا صی کړی هغه لاهلته ولاړ ؤموسکی شو اوویی ویل:
څنگه یی ژنویو؟
ــاوه مایکل داته یی نودا څــه خوب نه دی.
ــهغه زماپه مخ په مهربا نی‌لاس تیر کړ اوویی ویل:
ــهو گرانی،زه دلته یم‌او نور به تاهیڅکله پری نه‌ږدم او کله چــه‌له رو غتون څخه رسخت شوی یودبل سره به‌واده کووالبته که ستاخوښه وی.
ــدادنا ترور اجازه نه را کــوی چه کرونده خو شی کړم، هغه‌بــه زمونږ مخه ونیسی..
ــته نو لس کلنه یی ژنویو اود قانون له مخی هرڅه دی چه ز ړه ــ وغواړی کولی یی شې،ستا ترورپه هیڅ وجهه نه‌شی کولی چه ستامخه ونیسی.
سرته می ټکان ورکړ اوومی ویل

پاتی په ٥٦ مخکی



دلیپ کمار کیست

۳۱- یهودی ۱۹۵۸
میناکماری
۳۲- پیغام ۱۹۵۹
ویجنتی ما لا - راجکمار
۳۳- کوه نور ۱۹۶۰
میناکماری
۳۴- مغل اعظم ۱۹۶۰
مدهوبالا
۳۵- گنگا جمنا ۱۹۶۱
ویجنتی مالا- ناصرخان
۳۶- لیدر ۱۹۴۶
ویجنتی مالا
۳۷- دل‌دیا دردلیا ۱۹۶۶
وحده رحمن
۳۸-رام اورشیام ۱۹۶۷
وحیده رحمن
۳۹- آدمی
وحیده رحمن - منوج کمار
۴۰- سنگرش ۱۹۶۸
ویجنتی مالا
۴۱- گوپی ۱۹۷۰
سایره بانو
۴۲- سکینه مهاتو ۱۹۷۱بنگالی
سایره بانو
۴۳- داستان ۱۹۷۲
شرمیلا تاگور
۳۴- سگینه ۱۹۷۴
سایره بانو
۴۵- پهر کب ملو گی ۱۹۷۴
هنر پیشه مهمان

بقول مجله فلم فیر سال ۱۹۵۳ دلیپ کمار قبل برینکه روی یک تصادف سینما راه یافت حتی خوابی هم از هنر پیشه شدن ندیده ،وابدا چنین خیالی هم در مخیله اش‌خطور نمی کرد .

وی همیشه باین آرزوبود که ، روزی یك « کرکتر » خو ب از آب در آمده و بتواند اسمش رابر سر زبانها بیاورد ، چنانچه در یکی از تیمهای آنو قت عضویت داشته ودر مسابقات نیز شرکت میجست .

دریکی از رخصتی ها که دلیپ کمار به (نینتال) رفته بود رو ی، تصادف با میر من دیو کارانی، معرفی گردیده ودر نخستین‌بر خورد شاید میرمن دیو کارانی از هنر نهفته دلیپ جوان چیزی میدانسته که فورا رول اول فلمش راکه تحت عنوان فلمهای «بمبی تاکیس» به زودی زیر ساختمان می آمد و وی رابرای این رول چهره منا سبی یافته بود پیشنهاد نمود .

دلیپ‌کماریا (یوسف خا ن) در پشاور چشم به جهان گشوده ، و آوان کود کی اش رادرمنطقه‌یی‌به‌نام «دیولالی »که درایا لت مهاراشترا، واقع است‌گذرانیده و مکتب‌ابتدایه رانیز درهمین منطقه‌به‌پایان‌رسانید.

دلیپ پس از ختم تحصیلا ت ابتدایی شامل کالج ویلسن دربمبی گردیده وپس ازدو سال ژورنالست فلم نیز شناخته شد .

پدرش غلام سرور خان‌نامداشته پیشه سودا گری میوه خشك داشته وبه‌عنوان مسلمان سر سخت‌معروف بود .

اولین باریکه دلیپ پس‌از ختم تحصیلات شا مل کار گردید ، در کانتین عسکری انگلیس وا قع پونه صفت معاون کانتین دار راداشت‌که ماهانه ازین مدرك سی‌و پنج کلدار هندی در آمد داشت ، که‌بعدها خود موقع‌یافته و شغل مستقلی، را به‌صفت فروشنده مشرو بات سرد وغیر الکو لی آنهم دریك دکان کوچك بسر کرد گی خودش‌آغاز، کرد،که پس ازیك سال به سینما راه یافته ویك باره پس‌ازدوماه هنر پیشه گی بمعاش ماهانه هشت‌صد کلدار قرارداد امضا کرد که دید ن این پول گزاف برای کسیکه ماهانه سی‌و پنج کلدار عاید داشت خالی ازدستپا چگی نبوده ویك باره به فکر آن شد که آیا مالیا ت‌برعایدات این رقم را چگونه خواهد پ رداخت.

پس از نخستین فلمش (جـوار بهاتا) اسم‌هنری اش را «باسودیف» گذاشتند که فلم میلـن خود رانیز، زیر همین عنوا ن‌به‌بازار کشیده و دوفلم وی سر آمد عایداتی کلیه فلمهای آنو قت از آب در آمد .

متعاقب دو فلم بالا فلمهای‌دیگری نیز ازین هنر پیشه تازه دم، مانند (شهید ، میله ، شبنم ، آرزو،انداز بابل ودیدار) به بازار آمدو چنا ن شد که‌بین مردم لقب« شهزاده هنر احساسی» و شاه تراژ یدی‌سینمای هندوستان راگر فت .

مو تی لال هنر پیشه بی رقیب‌آن وقت سینمای هند دریکی ازمصاحبه هایش که‌در فلم فیر به نشر رسیده بوداز هنر شگو فان دلیپ کمـار به‌نیکویی یاد آوری کرده و عـلاوه کرده بود (بالاخره اکتوری ، ر ا شناختم که می تواند پس از مر گم جایم راپر کند) .

بگفته شماره دیگر فلم فیر دلیپ کمار در آوانیکه هنوز در «پنج‌گنی» مصروف تحصیلات بود روزی بـه سراغ کف شناسی رفته وازو ی خواسته تاآینده اش رابگو ید.کف شناس برایش گفته بود که تو در آینده (نت) مشهوری خواهی شد . دلیپ که هندی رانمی دانست‌محض کلمه نت را به خاطر داشته و د ر پونه بعضا به‌فکر کلمه نت میشد .

تااینکه روزی کسی که هند ی میدانست نت رابرایش «اکتور» - ترجمه کرده وسر انجام پیشگو یی کف شناس در مورد این جوان متعلم صدق می کند و شهرت آ فا قـی برایش بارمغان می آورد .

در یکی از مسابقات که فلم فیر تحت عنوان « اکتور مو فق و مورد نظر تانرا انتخاب نمایید» برگزار نموده بود گذشته ازینکه دلیپ‌کمار باداشتن دو صدو یك رای ازآشوك کمار که هشتادو نه رای وراجکپور که چهل‌و هفت رای داشت جلـو افتاد .

بقیه در صفحه ۵۱

گرافیك هنر

په پرله پسی ډول زیات مادی ارزښت ورکوی او هغه په لوړو بیو پلور ی دهغوی دآثارو چاپ دهغو کور نیو دپاره دحل یوه لاره ده چه غواړی یو هنری اثر ولری ، هغه تحول چه په امریکی کښی دچاپ په هنر کښـی د۱۹۴۰ کال نه را په دیخوا منځ ته راغلی دی ددی ځانگی دزده کوونکو دیو زیات شمیر د زیا توالی سبـب شوی دی .

ښوکاله مخکښی دگرافیك هنر یو زده کوونکی په پوهنتون کښی دزده کړی نه دخلاصیدو و روسته‌مجبور ؤ چه خپل هنر دتجارتی او تبلیغاتی فعالیتونو په‌خدمت کښی کښیږدی ځکه خوك ددی ځانگی اخیستوونکی نه ؤ او دچاپ د قیمتی و سایلـو اخیستل هم دیو ځوان دپاره‌غیر ممکن ؤ او دخو اثرونو پلورلو چه دزده‌کړی په ترڅ کښی ترسره شوی هم‌امکان نه در لود .

دچاپ دهنر په ځانگه کښی‌ننیو فارغانو یو دبل سره گډون کړی اود چاپ دستگاوی یی اخیستی دی او چاپی ښکلی آثار منځ ته راو ړ ی‌ځکه چه دچاپ دهنر سره دځلکو دعلاقی اندازه ورځ په ورځ زیاتیری او دغه هنر مندان داسی بریا لیتو بونو تـه امید لری چه تر ښو پخوانیو کلونو پوری یی امکان نه درلود .



ورزش

تاریخ سپورت معارف افغانستان

نباغلی آقا محمد بهار مدیرعمومی‌فنی ریاست المپیك و عده داده تابعد ازین مطالبی پیرامون تاریخ و رزش‌به این مجله بفرستند ما در حالیکه از ایشان تشکر میکنیم اینك او لیـــن‌مقالهٔ شانرا تحت عنوان فوق به‌نشر می سپاریم .

سا کنین سر زمین سلحشـــور وبا ستا نی افغا نستان از اد وار قدیمه تا کنون به اهمیت و مقا م سپورت مطلع و این مقوله را کـه عقل سلیم در بدن سالم است اولتر وبیشتر از همه در حیات اجتما عی وکشوری خود تطبیق نموده انـد چنانچه تاریخ ادوار قدیمه و حـال حیات اجتماعی و عنعنوی این قو م شاهد این مد عا است و گذارشا ت چندین قر نه این خاك نشان میدهد که علاقه به سپورت و عشق‌بوورزش در این سر زمین ازقرون قدیمـــه تاحال واز حال تا استقبال چیـــز طبیعی و جز و لا ینفك این قوم‌است همین علاقه بور زش و توجه به‌ادمان های مختلف و عشق بسلا مت بدن بوده که نسل سا کنین این مرز بوم صحیح و مقا ومت و ثبات شا ن در مقابل رزم آز مایان دنیا بالا تر از توصیف اســـت و روح آز ا دي سلحشوری وصیانت نوا میس‌شانرا طوریکه شا یستهٔ مقام این خـــاك حریت پسند است حفظ نمودساکنین قوی پنجهٔ این خاك از خور د ی تا جوانی واز جوانی تا پیری برای حفظ صحت و صیانت مقام مر دی روحا و جسما به سپورت های‌مختلفه وبازی های متنوعه که از یکطر ف عنعنات قومی و ملی واز طر ف دیگر رو حیات افغانی دران تقویه وتنمیه می شد مبا درت ورزیده اند ودر سایه جریا نات سپور تی و حفظ ـ الصحه بسا مسایل اجتماعـــی و عنعنوی خود را حما یه میکردند.

سپورت در از منهٔ قدیم و اجداد ونیا کان ما یکی از مسایل بزر گ اجتماعی و یکی از قوانین مهم‌حیات آنها بوده و هست. اطـفال را از خوردی با انواع سپورت وبا زی‌ها و شطارت های جسمی و رو حـــی تربیه می نمودند.

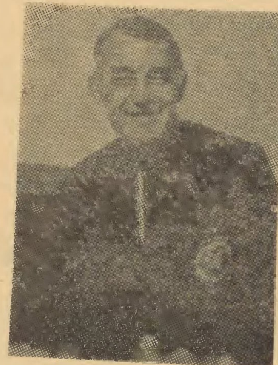
رئیس خا نواده برای پیشر فت سپورت تقویه و تنمیهٔ و جودباقسام سپورت ها وبازی های اخـــلا قی تشبث می نمود رو حا پژ مرده وبدن های عاطل را نکو هش مینمو د ند وبرای جلو گیری از همچه رو حیه جدا میکو شیدند در تمام بازی هاو سپورت های قدیمه یکنوع تر بیه روحی منظور بود که از آن نتایـــج بارز اخلاقی وما دی بو جود می‌آمد. ازگذشته های‌قدیم‌تایك قرن‌قبل‌انواع سپورت ها از قبیل نیـــزه زدن، تیر اندازی ، اسپ سوا ری ، سنگ انداختن ،کوه نوردی ،سر جـــه، یخمالك ،پیاده رفتن ، گـر د ش های صبح و عصر ، اقسام دو یدن ها و شطارت های کشتی گیر ی ، چوب بازی، شمشیر جنگی، و ز ن

(باقیدار)

ترینر تیم منتخبهٔ کابل

اتحاد شوروی ازپنجاهمین سالگرد تولـــد فوتبالیست مشهور خـــود وجهان در دهـــه ۱۹۶۰ـ۱۹۵۰ تجلیل به‌عمل آوردکه مجلـــهٔ سپـــورتـــی آن کشـــور در مـــورد چنیـــن نوشته:

سرنوشت فاینل بین تیم دینامـوکیف وتیم شور وی‌در **سال۱۹۴۴ توسط ضربهٔ فیصلهٔ‌کن جوان۱۸ ساله به‌اسم((سرگی- گیویچ سا- لنیکف)) باتمام رسید‌•درنوامبر سال ۱۹۵۸در مسابقـهٔ فاینل بیـــن تیم دیناموکیف وتیم سپارتاك نیزضربهٔ‌کارنر سانیکف‌وگول نمودن ضربهٔ مذکورقهرمانی سپارتاك را تثبیت نمود سانیکف‌درین‌سال۳۳ساله‌بود. موصوف‌بهمراه** تیم منتخب **اتحـــاد شورو ی‌در مسابقات المپیك اشتراك کرده است سانیکف ۱۷سال** درتیم‌های **مشهور اتحادشوروی وتیم ملـــی آن‌کشوربازی های درخشان ارائه نموده‌است وی درشمار گول زنان مشهور شوروی ۱۵۱ گول به نفع تیم های خویش بیادگار دارد • تخنیك فوق‌عالی وحرکات محیرالعقول آن با توپوی رادر زمرهٔفو تبالیست های مشهو ر جهانی قرار داده‌است که‌هیچ وقت فرامو ش نمیشود •گولگیپران تمام تیم هـــای کـــه**



نباغلی سانیکف

سانیکف درمقابل آنها بازی مینمود همیشه باترس‌و هراس‌از دروازه محافظت میکرد ند هنگا میکـــه سانیکف در تیم ملی شوروی انتخاب‌شد پنج‌سال بعدازان درتیم منتخبـــه اروپا که‌از جمله بهترین وزبده تر یـــن فوتبا لست های ممالك اروپایی تعیین می گردد نیز انتخاب شده است•

مجله فرانس فوتبال نام سانیکف راستاره فوتبال شوروی‌گفته‌است سالینکف بعدازکناره گیری از فوتبال بحیث ترینر تیم‌ملی جوانان شوروی ، کمـــك ترینر تیم «سپار تـاك» ترینرتیم سپارتاك وهمچنان مفسر ورزشـــی رادیو وتلویزیون ایفای وظیفه نموده است . سانیکف فعلابحیث ترینرتیم ملی افغانستان به کار ادامه میدهد •

چهره‌ورزشی

نباغلی‌عبداله شکـور ی‌متعلم صنف۱۱ و سرتیم باسکتبال‌لیسه نادریه یکی ازورزش کاران خوب وبااستعداد است کـه‌از آغاز فعالیت ورزشی استعداد ولیاقت خویش در باسکتبال نشان داده‌وهمه را معتقد به ایـن ساخته که‌آیندهٔ درخشانی در انتظار ش‌است وشاید باپشت کاری‌که دارد روز ی‌از خوب ترین چهرهٔ ورزشی نه تنهادر کشور حتی‌در منطقه وجهان گردد•

۲۰ سال عمر دارد ولی شطارتش اورا خیلی بزرگتر از سنش مینما یاند•

عبداله شکوری معتقد است که‌بازی ها ی اجتماع خیلی خوب در میان مردم جامیگیرد نسبت به‌بازی های انفرادی •

همچنان ورزشکاران ماراکه بایـــن همه محدودیت وعدم موجودیت وسایل وشرا یط خوب باز هم توانسته اند چیزی از خو یش سازند بدیدهٔ قدر دیـده وآینده ورزش را بسویه کشور خیلی درخشان مینگرد•

در ورزش‌اخلاق ورزشی رااز همه مهم‌تـــر دانسته وآنرا درمیان همهٔ‌ورزشکـاران آرزو دارد•

تورنمت هارا اگرچه که‌بسیار کو چك‌هم باشد در امر بهتر شدن ورزش خیلـــی ضروری می پندارد•



نباغلی شکوری د رمیان سایـــر ورزشکاران

ازدوستان

پایه‌وبنیان معرفت

معرفت عبارت‌است ازانعکاس فعال‌جهان عینی در مغـز ا نســا ن ســر چشمـه معرفت دنیای پیرامون انسان است . آدمی ، کو هسا ران ،جنگل ها، رود خانـه هـا و ستارگان رامی نگرد، گرما و سرما و فروغ خورشید را احساس میکند و آواز هـای گوناگون را می‌شنود اگر این پدیده ها کـه در خارج از شعور انسان قرار دارند براو تاثیر نمی کردند انسان از هیـچ چیـر کو چکترین تصوری نمی داشت ·پنـدار پرستان واقعیت عینی راسر چشمهٔ معرفـت انسانی نمیدانند و به عقیدهٔ آنان انســان نیروی آنرا ندارد که‌رازهای طبیعت رابکشاید وپدیده های جامعه رابشناسد ·واقع‌گرایانی که پیش از سدهٔ نزدهم زندگی میکردند و معرفت را **انعکاس اشیای خارجی در ذهن** انسان میدانستند در راه ازپا در افکندن‌بنای پندار پرستی گام های استواری برداشتند ولی بااین هم اندیشه های آنان دربایهٔ‌جریان معرفت با نارسایی ها آمیخته بود . آنهــا معرفت را انعکاس وا قعدت خارجی پاسیف وغیرفعال میدانستند .

دید رو اندیشمند بزرگ سده هژ دهم مغز آدمی را همانند موم میدانست که اشیای خارجی بروی آن نقشی خویش را بجـا میگذارند ·این متفکران زنده بودن وفعـال بودن معرفت یابنده (انسان) رابـه شمـا نمی آوردند · و بزرگ ترین لغزش آنـان این بود که نقشی تلاش های آگاهانه‌انسان هارا برای دگرگونی طبیعت و جامعه بـه متابه پایه و بنیاد معرفت درك نمی کردند وبنابرآن نمیدا نستند که معرفت رونـد نزدیـك شدن تفکر به شی شناخته شده ، پوش اندیشه ازنادانی به دانایی و ازدانایی اندك به دانایی بیشتر است و باجاگزیـن شدن اندیشه های نوبجای اندیشه های‌کهن به جلو میرود وبخش های تازه تری از واقعیت را آشکار می‌سازد ·آن هابه درك این مسالهٔ کامیاب نشده بودند که معرفت از اتحاددوقطب متضاد که‌باهم درکنار هم، پیوسته باهم و در ستیزه باهم بسر میبرند پدید می‌آید ·دریکی از قطبین تضاد مغز انسان قرار دارد وقطب دیگر تضاد راپدیده های ر و ینـد ه ، بهـم پیـو سته و بـه جهان مـادی تشکیل می دهـد . مغـزآدمی برای پی‌بردن بسرشت پدیده ها و شناخت جنبه های ناهمسان آنها همگونی و ناهمگونی آنها ،پویانی وتکامل‌آنها همواره درتکاپوست تکاپوی مغز انسان هراندازه ژرف، همه‌جانبه وهم آهنگ بادستور هـای عینی طبیعـت و جامعه باشد بهمان‌اندازه عمل معرفت پهناور تر، ژرفتر اصیل تر انجـام میگیرد وآدمی از ضرورت به آزادی ·از نادانی و ازدانایـی اندك به دانایی پیشتر نزدیك میگر دد · شایان یاد آوری است که مغز انسان در تمام این‌حالات با آنکه از دستور های کلی دگر گونی و پویندگی کیهان مادی پیروی‌می کند· پی سپر درون پویایی خویشی نبـز است ·

تلاش خلاق انسان ها برای دگـرگـونی طبیعت و جامعه بنیادمعرفت است :

برای اینکه معرفت دراثر اینگونه تلاش ها پدید آمده و رویندگی و تکامل یافته است·

انسان ·این نخستین جانوری که ابـزار ساخت و از ابزار کارگرفت ·از سپیده‌دم پیدا شدن خویش ناگـزیر با مسرت کـار میکرد و وسایل زندگی خویش را بدسـت می آورد ·اودر جریان کار بانیـرو هـای سر کشی طبیعت بر خوردار کرد و رازهای آن هارا بر خویشی آشکار ساخت ·تکامـل کار سازندگی خواستار دانستی های بیشتر و بیشتر بود ·

در همان روزگاران کهن انسان بشمارشی ابزار کار وفر آورده های کار خویش نیاز داشت ·

دراثر این نیاز معلومات ریاضی پدیدآمد انسان به آبیاری پر داخت ،برای خـویشی خانه و کاشانه برپاکرد ،به آباد کــردن راهها کوشید ·برای انجام دادن اینکار هـا آگاهی از قوانین مکانیك لازم بود· ایــن نیازها معرفت انسانی را شگفتگی بخشیـد ودانشی ها پدید آمدند ·بنا برآن اندیشـه وتفکر انعکاسی است از شـرایـط مادی و خارجی ·

مغز تنها آنگاه نیروی اندیشیدن را دارد که از جانبی شرایط تغییر بیوشمیك بـرای خودشی آماده باشد وازجانب دیگر دگرگونی هایی از طبیعت و جامعه درآن انعکاس‌یابد واین آشکار است که هیچ دگرگونی بـدون کار در طبیعت و جامعه صورت نمیگیـرد · کار سازندگی در تکامل معرفت انسان‌نقشی ارزنده یی دارد ·زیرا نه تنها انسان‌را از سر پنجهٔ نبردهای سرکشی طبیعت می‌رساند بلکه ··· به‌او توانایی آنرا میدهد که‌نبرد های طبیعت را **بخدمت خویشی بگمارد** ·

هدف معرفت :

تلاش‌آگاکه انسان هابرای دگر گونی‌طبیعت و جامعه نه‌تنها پایه وبنیان معرفت است بلکه هدف معرفت نیز میباشد·

انسان ازآنروز در شناختن جهان‌پیرامو ن خویش میکو شید وبه کاوش وبــر رسی قوانین تکامل آن‌می پردازدکه از نتایــج و دستاورد های معرفت خود درفعالیت عملـی بهره جویی کند وهمواره از کشف‌مـاهواره های درونی پدیده هاوپیو ستگی های‌قانو ن مند آن‌ها به‌سود کار وپژوهش انسا نـی استفاده شد ه‌است·

فرستنده :ثریا عادل الیاس

ژوندون

از: احمدجان (امینی)

ارمغان‌عید

عید است ودر خیال تو تنها گـریستم
در کف شراب وساغر ومینا گــریستم

یادم ز عید پار رسیدو کنـار جـو
آن لحظه هاکه پیش دو شهـلا گریستم

توارد

درادب درباری موضو عیست به‌عنوا نـی ((توارد))و چه‌بسا که‌نام سرقت اد بـی را هم‌توارد میمانند · چنانچه در ((تذکـرهٔ حسینی)) آمده که شیدا در انجمنی گفت :

ذات‌تو بود صحیفهٔ کون‌که کرد
ازرو ی‌ادب مهرخدا بر پشتت

ملافیروز ظریفانه گفت:(هرگاه هاتفـی صدو پنجاه سال‌قبل این اشعار را از شیدا دزدیده باشد تقصیر شیدا چیست ؟

نبوت راتوئی آن‌نامه درمشت
که ازتعظیمت آمد مهر برپشت

وبدابه حال‌این گونه‌سر قت‌ها که‌اصل شان هم‌مقبول نیست :به‌قول شاعر:

وای برآنکه زخود پیش گنهکار شده
به‌گناه پدر خویش گرفتار شده

به‌هرحال توارد درادبیات مردم باکیفییت منحصر به‌خود وبدون آلایش وجو دداشته وناشی ازشرایط نسبتا همگون مادی زندگی شان است‌واین موضوع نه‌تنها فو لکلـور مردم یك‌سرزمین بلکه ازفو لکلور ملیت ها ناملل رادر بر میگیرد ·مثال این تواردمکانی ترجمهٔ ((تلاشی)) باعنوان «جوا نمردو ببر» است که‌در «کمکیا نوانیس »نشر شده و از ادبیات مردم دلاوری است‌که خطر ناکتر ین ببررا به‌گواهی تاریخ چون بادام کاغذ ی‌در هم‌شکسته اندو به‌قول اقبال کاررابه پایـان رسیده گمان نمی کنند ومحتو ی‌آن‌موضو ع «داشبته آیدبکار» راکه‌ازضرب‌المثل‌های‌مشهور مردم ماست به‌خاطر میاورد ·

منال توارد زمانی شباهت داستان کو ر اوغلو وبابك خرم دین‌است که‌در مقدمـهٔ داستان عامیانهٔ بهرنگ فقید ومرجع تقلیدبه نام ((کور اوغلو وکچل خمره) که ازداستان های جوانمرد یست ·به آن اشاره شده·

ج،ف، ر

از :ملالی ملال

عشق‌وخزان

ای تك درخت عشق من
ای بهارت مانند من خزان شده .
وقدت خمیده..
بادیدن تووبرگهای خشکیده تو .
یك باردیگریاد آن روزهااز قلبم‌جان‌میگیرد!

آن روز های بهار !
آه ! که توبعدازین پائیز وزمستان بهار زندگی داری .

اما! من تاآخر عمرم همین خواهم بودوبس.
ومانند برگ های زارو خشکیدهٔ تو خواهم بود !

نوشته از: پروین قسیم

دلیپ کمار کیست

درمیان نامه هایش نا مه‌پرسوز ، خانمی نیز که از لاهور فرستاده شده بود به‌چشم خورد که محتوای آن ازعشق سوزان واهدا ی قلب خونچکان خانم عاشق ودلبا خته حکایت می کرد .

درسال های بعدی دلیپ مو فق بدریافت هفت جایزه یی پی در پی مجله فلم فیرگریده وبعد ها حتی صفحه در مجله فلم فیر افتتا حشده به‌اقتراح گذاشته شد که عنوا ن آن چنن بود (آخرین آرزوی دلیپ کمارچیست) کـه هزا ران نا مه مختلف در هر شماره آن از طر ف داران دلیپ باداره مجله میرسید،و نباید فراموش گردد که صفحه مذکور همین حالا نیز تحت عنوان «بکس سوالات» از طرف آی ا س جوهر اداره شده و به تغییر نام ادامه دارد .

دلیپ کمار که در دا خل‌و خارج هندوستان شهرت کافی دا،ددر ین اواخر درکنار سایره بمنزل خود ش واقع پالی هیل بمبی زند گی‌بی‌سر وصدایی داشتـه گا هی مو سیقی کلاسیك هندی رازمز مه وتمر ین می‌کند .زمانی باتار های ستارش سکوت رادر هم میشکند وبعضا هم به‌مطالعه آثار نویسند گان مورد نظرش‌چون (جبران خلیل جبرا ن، سوامی وو یو یك آنند خو دش را مصروف میگرداند .

دلیپ کمار که‌یگانه آرزو یش دایر کتر شدن بود ،دیگر معلوم نیست چرا ازچشم نامه نگا را ن دوست دارانش کنار رفته است .

کجکی

منبع دراخیر گفت :

– فعلا دوتوربین برق در این پروژه تکمیل گردیده که هر یـك، ظرفیت تولیدی شانزده هزار وپنج صدکیلو وات برق رادارد .

توربین های این پروژه طی مراسم خا صی افتتاح گردید و با اکمال تمدید لین عمومی آن به مراکزهلمند وکندهار استفاده ،از انرژی برق کجکی در کشور آ غاز می گردد .

محل‌دیگری‌در جوار این دوتوربین برای توربین سو می برق، درکاسه بندکجکی تعیین گردیده ، که اعمار وبکارانداختن آن جزء پرو گرام دولت است ■

انگولا

است . توریست های‌که آرزوی دیدن این پارك راداشته باشند تعداد آنها معین ومحدود میباشد زیرا دخول دراین پارك اجازه نامه مخصوصی را ایجاب میکند . جنگلهای افریقا بصورت عموم تقریبا هموار بوده یگان تپه‌گك هادرمیان آن دیده میشودولی منظره جنگلهای انگولا مختلف وهمه بیك سان دارای وضعیت اراضی نمیباشد کوهها اینجااکثر برنگهای نسواری ویابادنجانی، جلگه ها ومیدانهای آن دارای ریگهای شیرچایی رنگ آمیزی شده اند که دربین آن چتر های سبز عکاسی نموکرده است سبزه وعلف زار های آن دارای رنگهای زردمایل ویانسواری کمالی رادر اثر شعاع وحرارت آفتاب رابخود گرفته اند این زیبایی های طبیعت راکمتر میتوان درسایر نقاط جهان سراغ کرد براستی این رنگها وساختمان های اراضی چشم بشر را محوجمال خو یش مینماید . پارك ملی (جونا) ازسه قسمت تشکیل یافته که به امتداد ساحل اقیانوس کمربند عریضی ساحه ریگی وسنگلاخ دیده میشودکه دربعضی حصص ریگهای متحر ك ممکن است دراثر اندك اشتباهی بحیات انسان خاتمه دهد که میتوان دراینجا انواع آهوان خوش چهره (اوریکس) وحیواناتی راکه میتوان برای مدت درازی بدون آب حیات بسر برند برخورد .

بصورت عموم بین این ناحیه زیبا ، کوهستانات ومناطق هموارآن از رهگذرمناظر طبیعی فرق فاحشی مشاهده کرد در مواقع خشك وکم‌آبی حیوانات ونباتات آهسته آهسته ازبین میروند ولی یك باران عادی کفایت میکند تابجهان نبات وحیوان این سر زمین حیات دوباره بخشید. بهترین موقع گشت و گذار درجنگلها وپارك ملی انگولا صبح صادق است چه بادملایم بحری وزیده وشعاع آفتاب بالای درختان وکوهای آن رنگهای مقبولی را ایجاد میکند هنگام گرمای شدید حیوانات ، پارك راترك وبه محلات بومی آنجا نز دیك میشوند . یکی ازخصایص بومی های گرد و نواحی جونااینست که برای حیوانات این پارك باآنکه خطرات جانی از طرف آنها متصور است اندکترین صدمه‌ای نمیرسانند بر علاوه حیوانات خوشرنگ وزیبا حیوانات وحشی و درنده‌ای نیزدرداخل جنگلهای آنجا وپرندگان ملون وخوش خوان درفضای آن درپروازاند . خزندگان خطرناکی ازقبیل مارها، گژدم های صحرایی درمیان بته های آ نجا وافر دیده میشوند که صرف توسط موترهای جیپ ویا لنداور گردش درداخل آن امکان پذیر است درغیرآن خطرجانی حتمیست فیلهای وحشی دسته دسته دراین پارك در گردش اند . حیوانات این پارك درموسم سرما مناطق‌عمیق پیچیده ای راانتخاب ودرموقع گرمای شدید ازچترهای درختان عکاسی استفاده کرده دسته دسته درزیر سایه هردرخت دیده میشونداین حیوانات بصورت عموم وحشی بوده از دیدن انسان بفرسخها دورگریزمیکند تنهافوتوگرافی آنها امکان پذیراست که آنهم باتوجه خاصی صورت میگیرد .

انگولا ازطرف سیاح پو رتگالی در ۱۴۸۲ کشف گردیده واز اواخر قرن ۱۵ در مستعمره پرتگالی درآمد انگولاکنار بحر اتلانتیك قرار گرفته به ۷ولایت بزرگ قسمت یافته که بالترتیب به ۱٤ حکومتی تقسیم شده اند . اهالی این کشور رانیگرو های تشکیل میدهد که بگروپ زبانهای بانتونسبت یافته اند در شمال غرب انگولا مردمان بکانگو در شمال شرق واچوکوها وبلوندا وهمچنین در انگولای مرکزی گروپ مبونتو حیات بسر میبرند . برعلاوه یك قسمت اهالی انگولا را طایفه پوشمنها دربرگرفته است طوریکه قبلا ذکر شد جمعیت سیاهپوست انگولا از رهگذر حقوقی به گروپ عالی واوسط قسمت یافته‌اند که درگروپ اول آنعده اشخاصی شامل اندکه ازطبقات بلند نیگرو ها محسوب شده تابعیت را دارند یگانه شرایط داخل شدن درگروپ اولی همانا دانستن لسان مکمل پرتگالی و دارایی کافی که تعداد آنها قلیل است برخلاف درگروپ دوم متباقی تماما افرادکشور انگولا دخیل اند .

از رهگذر اقلیم انگولا در حوضه اقلیم استوایی حساب میشود زمستان در انگولابرابر بتابستان کشورهای شمالی بوده، خشك ترین وقت سال درآنجا میباشد که درجه حرارت وسطی ماهانه به ۱۵-۲۰ درجه سانتی گراد میرسد برخلاف تابستان این کشورکه‌مصادف بزمستان وطن مامیشود فصل باراني این‌کشور بشمار میرود . انگولا ازرهگذر صنایع ضعیف بوده واقتصادآن ازطرف سرمایه های خارجی مخصوصا پرتگال رهبری میشود .



زنان انگولا مانند مردان درکارهای‌سنگین اشتراك می ورزند .



اطلا عات وکلتور
رئیس تحریر: محمد ابراهیم‌عباسی
مدیر مسؤل نجیب رحیق
معاون :پیغله راحله راسخ
مهتمم: علی محمد عثمان زاده
تیلفون دفتر رئیس‌تحریر۲٦۹٤٥
تیلفون منزلر ئیس نحریر۲۲۹٥۹
تیلفون دفتر مدیر مسوول ۲٦۸٤۹
تیلفون ارتباطی معاون ۱۰
تیلفون منزل معاون ٤۰۷٦۰
سو چبورد ۲٦۸٥۱
مدیریت توزیع ٥۹
آدرس: انصا ری وا ت
وجه اشتراك:
درداخل کشور ٥۰۰ افغانی

قصه‌ای ازغصه‌ها

تنظیم از مریم محبوب

مرا مقصر ندانید ٠اورا نیز ملامت نکنید چون او عادتش بودکه رام بسازد و بعدرها نماید ٠

امامن که تشنهٔ محبت بودم ،من که دربدر بدنبال آشنای بی طماع میگشتم ،خوا ستم تاسیراب کردم ٠به این اندیشه شتا بنـده بسویش رفتم، برق نگاهش برایم نیـــرو بخشید ،عقیق لبش لبخند زنان مراپذیرفت٠ همیشه ،نجواکنان در گوشم میخواند :

ـبیا ٠٠٠ بیا ٠٠٠ باتو میخواهم باشم٠ فقط باتو ٠

اما ٠٠٠ بازی سر نوشت ،عجولانه بامن در آمیخت ومن‌که‌تازه لذت دوستی راچشیده بودم، دریافتم‌که درچه پرتگاهی افتاده‌ام ٠

حالاکه میخواهم این نامه را برایتـــان بنویسم درماندنی بیش نیستم ٠دست‌تضرع بسوی‌شما دراز میکنم و اشک‌آلود ازشما راه نجات میخواهم ٠شاید شما بتوانید در این راه کمکم کنید.

• • •

از زمانیکه این‌زهر مسموم کننده بسراغم آمد شش ماه زیاتر سپری نمی گردد،دراین مدت‌جز سوختن وساختن چارهٔ نیست ،چندین مرتبه تصمیم‌گرفتم که‌خود رابکشم ولی‌ندای وجدان منحرفم ساخت وبه‌من گفت :شهامت داشته باش،دنیا آنقدر کوچک نیست !

ولی حالا که‌می بینم، دنیا کو چـــکتر ازآن است‌که مرا بتواند درخود جای دهد ٠همـه ازمن گریزان‌وفراری ،و خودم‌غرق در کثافت ولجن ٠ناخود اگاه نفس میکشم و ایـــن نفس کشیدن‌ها زاینده یی درد دیگــــر- بست بر درد های من ٠

من زشتم، صورتـم پرابله و مملـواز چیچك است. ولی این که من زشتم ،وبد- قیافه ام تقصیر من‌نیست ٠

من چرا باید طعنه شنو دیگران باشم٠ وهمیشه از نـگاه های گریزان ونفـرت بـار دیگر ان استقبال نمایم ؟چرا همیشه بایـد باکلمات‌رکیك ودرشت پدر ومادر و خوا هر وبرادر مواجه باشم وحرفهای نا هنجار شـان تیر دیگری برزخم جگرم باشد ؟

ایامن‌حق ندارم زنده بمانم وچون دیگران ازهمه مزایای زندگی مستفید ؟

آیا من‌حق ندارم ،خوا ستدار محبت پدر ودست نواز شگر مادر باشم ؟ شاید به‌نظر آنانیکه در اطراف من ازسالیان درازی گرد آمده اند و خود را اقوام‌وخویشم معرفــــی کرده‌اند ،حق زندگی کردن رانداشته باشم، چون زشتم ،صورتم پرابله است و همیشه باعث انزجار دیگران است ٠

باور کنید از زمانیکه خودرا شناختم، به این درد عظیم پی بردم بارها تصمیم گرفتم که خودکشی نمایم٠ تحمل نگاه های که‌صد چند براین درد می افزائید ،برای من‌باقی نیست ،جز گریه کردن و نالیدن کاری‌ندارم

میگویند وقتی کوچك بودم ، بـد نم را چیچك گرفت دراثر کم توجه یی پدر ومادر داغ هایش‌بصورتم ماند که اکنون این‌لکه ها وداغ‌ها بزرگترین درد بر منست ٠

فامیل ما دارایی چهار فرزند است کـه بزر گترین همه آن‌ها من می باشم ولـــی بدبختر ین شان.

مادرم آنطور یکه بر فرزندان دیگر شں توجه دارد لحظه‌ئی به‌اندیشهٔ من نیست ،

پدرم آن چنانکه همیشه برفکر ترتیب دادن پارتی برای فرزندان کوچکتر شں است،به حال من نیز توجه‌ئی ندارد ٠حتی بعضـــی اوقات ، خواهرم به‌نسبت زشتی صورت‌ازمن میخواهد تابه پارتی هایش حصه نگیـــرم٠ ومن که کشنده ترین دردها نصیبم شده از بر پـــا کر دن چنین محفلها محرو مـــم

ومهمتر ین چیزیکه مرا ازحذر یادرنج میدهد نداشتن دوست است ،آخر با این‌صورت زشتم کی‌میخواهد ،بامن دوست شود ؟ کی میخواهد بامن درد دل کند و ٠٠٠٠

وقتی مکتب بودم ٠همصنفان همه ازمـــن کناره گیری می‌کردند ،همـه بایـــك آواز ابله رووچیچکی صدایم میزدند . وقتـی منزل می آمدم حرفهای تنفر آور مادر وخواهرمرا ازپامی افگند ٠

چقدرمن‌نیاز داشتم‌تاآغوش پر محبت مادر برویم بازباشد و خندهٔ مهر آمیز پدر دور کننده ای درد هایم٠ولی افسوس که ایـن دوخود باعث آن‌شدند که دیگران ازمن روی برگیرند وکلمات ناپسند و زشت نثـــارم نمایند ٠

شایدتعجب کنید که اگر بگویم گرچه‌زشت وبدقیافه بودم ،هفت ماه قبل مردی عاشقم شد.این‌مرد بیش‌از حد بامن اظهار محبت می کرد٠ن که‌تشنهٔ محبت و دوستی بودم ،بی الایشانه بسویش تافتم ،وصمیمانـه از او استقبال کردم ٠اوهم بی دریغ دوستی اش رابرمن روا داشت ،ازمن خواست پـــدر و مادرم راراضی‌بسازم تااجازه دهند مادو باهم نامزد شویم ٠وقتی این موضوع را همراه‌پدر ومادرم درمیان گذاشتم ٠باخنده های‌تمسخر آمیز ونگاه های پراز تعجب شان مواجـــه گردیدم ٠ولی‌بازهم‌خواستم که‌به این کـــار موافقه نمایند ،اما آن‌ها ظالمانه از این کار جلوگیری کردند ٠فقط میگفتند :

ـتونامزد داری لازم نیست بامرد دیگـری عروسی کنی ٠

من درمانده ترازسابق متحیر و پریشان نمی دانستم که‌این نامزدم کیست و چکاره است هرچند برای پدرم التماس میکردم ، ولی‌اوجز سکوت چیزی دیگری نمیگفت ٠

مادرم میگفت که‌من نامزد دارم ٠تااینکه چندی قبل زمزمهٔ فضای‌منزل مارا پر ساخت ومحفل شیرینی خواران برپا گردید٠ ٠باور کنید تاروز شیرینی خوری مـن اصلا نـمی دانستم که نامزدم کیست ؟

بالاخره بامرد زندگیم‌برخوردم ٠اورا دیدم با همان اولین برخورد ،تنم ازدیدنش‌لرزید نگاه های مشکوك اش سراپاهـم را داغ ساخت ٠

آخراین کی‌بودکه‌من زنش میشدم ؟ چکاره بود؟

باور کنید نمـی دانستم . همه بـه ضـم خود، به محفل شرینی خوری رقصیدنـــد و پاکوبی کردند ٠همه می خندیدند ٠ومبارکباد میگفتند ،ولی دراین میان من بودم‌که برگور سردآرزوهایم‌آرام‌آرام میگریستم‌واشك‌میریختم من‌که زشت بودم ،حق انتخاب همسر آینده نیز از من سلب‌شده بود ٠بالاخره دانستم که‌این مردیکی از پولدار ترین رفیقان پدرم است و زن ودوبچهٔ دیگری هم دارد٠وای‌که دنیای روشن به‌سیاهی شب مبدل گشت‌سرم چرخ خورد ، گریه واشك امانم نداد .

وقتی باز درین مورد باپدرم صحبت‌کردم، پدرم خونسر دانه ترازسابق اولاشانه‌هایشں رابالا انداخت بعد بادی به گلویش گرفت وگفت :

ـفقط تو میتوانی باپولش زندگی کنی؟

بلی !این‌پدرم بودکه چنین‌حرفی برایم‌زد فقط اوپول میگفت وپول ٠٠٠ حیات وزندگی آینده ام برایشان مطر ح نبود . بالا خره دانستم که‌چه دامی برایم چیده اند٠ هنوز چندروزی ازشیرینی خوری من سپری نشده بودکه خواستند محفل‌عروسی را براه‌بیندازند این جالازم بودکه من تلاش می‌کردم وجدال می‌نمودم ،تابر نقشه ایکه قبلاً کشیده بودم پیروز شوم ٠معقولانه باردیگر باپدر ومادر صحبت‌کردم ٠ازبی علاقگی ام از نفرتـــم باآن مرد برایشان گفتم ٠اما آن‌ها هـــردو یکزبان می گفتند :

ـتو مجبوری با نا مزدت عروسی کنیـی٠ اواز سابق وزمانیکه کو چك بودی نا مـزد توبود. حالامیخواهی آبروی مارا ببری ٠

التماس آمیز برایشان گفتم :

ـاخرا وزن‌وطفل‌دارد٠اوپیر است،از خودم زشتر است من‌چگونه میتوانم با او زندگـی کنم ٠

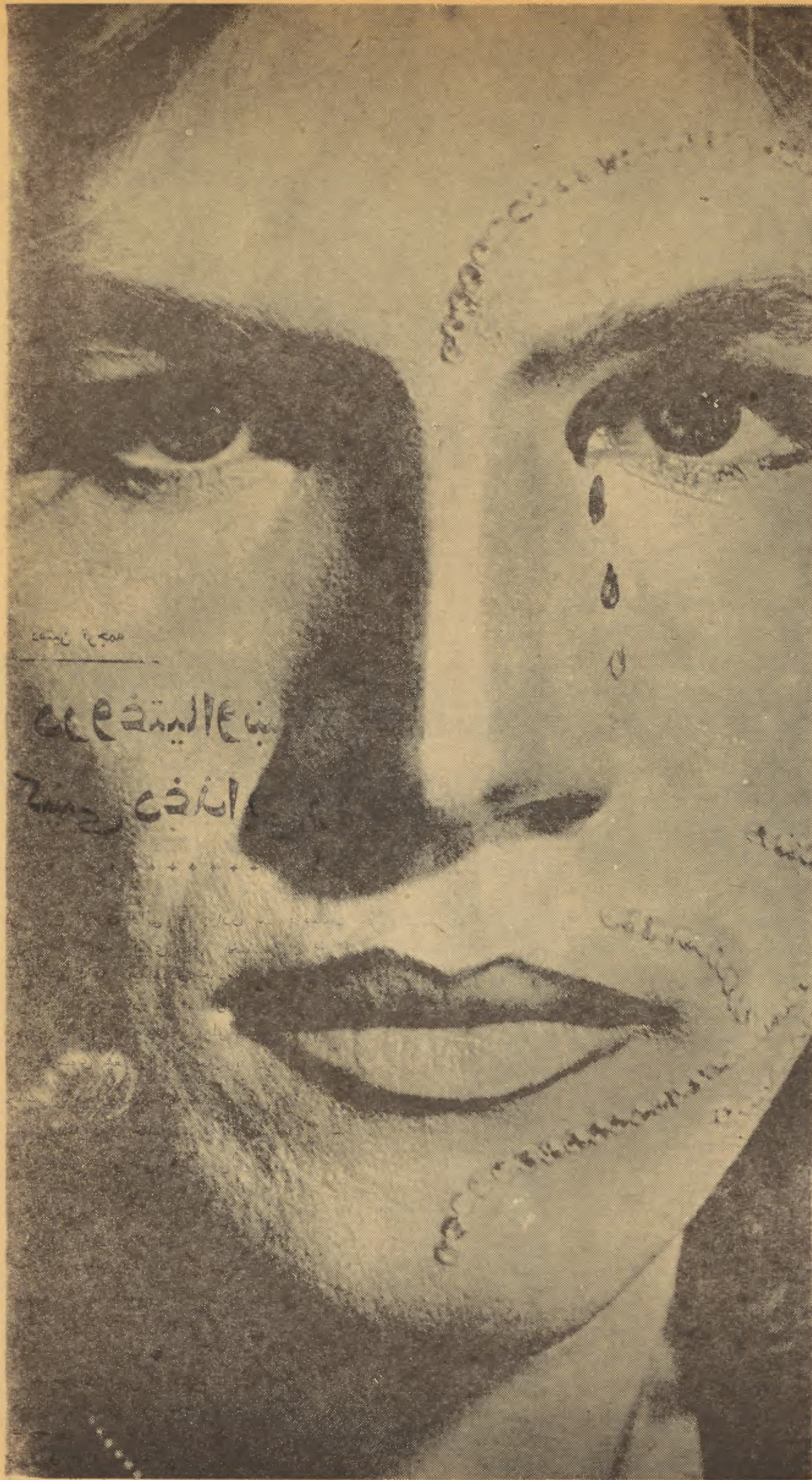
سیلی پدر بدهنم فرود آمد و دهنـم را بست ٠

گریه ها وتضرع هایم بردل سنگ شان بی‌اثر ماند ٠نامزدیکه پدر و مادر برایـــم انتخاب کرده بودند، مرتب به‌منزل مامی‌آمد ازمن دعـوت میکرد تا ر فقا یـش سینماو گردش بروم ،و قیحانه‌ازمن میخواست تـا به هر خواسته کثیف اوتن در دهم که‌من اهل این کار ها وخواسته نبودم ٠متاسفانه حر فهای پی‌درپی ام دراین مورد ،نتوانست پدر ومادرم رابردامیکه این‌مرد برایم چیـده بود واقف‌بسازد ٠آن‌ها خوشباورانه از من‌می خواستند تامطیع وفرمانبـرداریش باشم اگـر خواسته اش راعملی نمی کردم شدیداً به‌مثل حیوان درنده ووحشی به‌جان من می افتادوتا قدرت به‌بدن داشت کتکم میزد، باور کنید کاسه صبرم لبریز گردیده بود از زنـــدگی نکبت باریکه داشتم بستوه آمده‌بودم،کلمات زشتی وکثیفی که هرلحظه از دهن این مـرد برای زجردادن من‌می برآمد ٠چون تیـــری بیشں نبود ٠٠آنمردیکه به‌من علاقه مند بود، بار ها ازمن خواست تا بااو فرار کنم،ولی ترس و وحشت ازآیندهٔ گنگ و مبهمـــی که عنقریب به‌سراغم می‌آمد ،مرا از انجـام این‌کار باز میداشت گرچه او صمیما نه‌مرا دوست داشت وبی غرضانه برایم اظهـــار محبت و دوستی می نمود ،ولی باز هم می تر سیدم ٠

بالا خره اوهم ازمن بستوه آمد وظالمانه ازمن روی برتافت وبرایم گفت :

ـمن زیاده ازاین نمیتوانم باتو باشم،برو بانا مزدت عروسی کن ٠

آخرین امیدم ،برباد رفت ومن‌که بی‌خود به‌این مرد دل خوش بودم، درمانده تـراز سابق در خلوتگاه تنهائی خویش بر ایـن دردزیاد تر نالیدم و فراوانتر اشك ریختم هستیم را در برابر طوفانی دیدم‌که آرام آرام می‌لرزد واز پامی افتد ،هرچند بـه خود تلقین می کردم که مجبورا باید بااین مرد بسازم ٠ولی چهره‌ای خشن آن ،حرکات زشت‌و ناشا یست آن ،و مهمتر از همـه ظلمیکه پدر ومادر درحـــق من روا داشتنـد



مرا گریزانتر از نامزدم می ساخت، بالاخره باجرات تمام آخرین تصمیم راعملی سا ختم دریکی ازشبها مقدار داروئی راکه قبلاآماده کرده بودم سر کشیدم‌وبه‌امید این‌که شاید به زود ترین فرصت مرگ به‌سراغم می‌آید به بستر افتادم ،ولی ازآن جاییکه هنــوز بد بختی هایم تمام نشده بود مرگ ازمن روی برگرفت‌ومن‌بعداز چندی دوباره سلامتی ام رابازیافتــم حالا می بینــم که نامـزد وپدر ومادرم شدید ازمن مراقبت میکنند،به مثل مجرمین تنها وشر منده‌از کاریکه کرده ام درگوشه ای از اتاق افتاد آم ،میخواهم‌که شما مرا مقصر وملامت نکنید آنانی راکــه مستقیم به‌این بدبختی من حصه داشته‌انــد ملامت نمایند.وحالا که این نامه‌روبه‌تمامیست آخرین تصمیم رانیز گرفته‌ام ۰شاید بنظر شماباز کار احمقانه ای را انجام بدهم ،ولی می‌بینم‌که روزبروز حلقه برمن تنگتر میشود، میخواهم بمیرم ،میخواهم این حلقه های که سخت دست وپایم رابه هم بسته اند،رهایم سازند .فقط شما بکوشید هرچه زودترنامه ام رابه چاپ برسانید و آنطوریکه خــودم از واقعیت ها پرده‌برداشته ام ،شماهم عیــن آنرا در صفحهٔ قصه ای از غصه‌ها انعکاس دهید، من‌بی صبرانه به انتظار پاسخ شمابه سر می برم ،فقط همین !

ف ،ع، کریمی

خواهر !

بکوشید که شتاب نکنید ،زندگی آنقـدر هم سهل نیست که‌شما پندارش کرده اید پهلو های زندگی هرکدام دارای فراز هــاو نشیب هاست ۰خوشبخت انکه پیروز منــد و باحوصلهٔ فراخ‌این همه پستی و بلندی را طی‌کند ۰

می بخشیدشما کودکانه سخت درتلاشید تارشتهٔ حیات تانرا قطع کنید و درسدید که ازنا ملایمات زندگی فرار نمائید ،که ایــن چنین روش ،پیروزی درپی نخواهد داشت۰

دوست عزیز !

میگو یند گذشته آینده‌راپی ریزی می‌نماید شمابکوشید که‌از این همه تجربه آینــدهٔ روشنی را برایتان پیش بینی نمایدنه این که شب وروز درفکر خود کشی وقتل‌نفس باشید ،نشان دادن این همه ضعف و بــی اراده‌گی ، بالاخره شمارا از پاخواهدانداخت

بهتر است معقول فکر کنید و بادلا یل منطقی صمیما نه باپدر و مادر تان درمـورد نامزدتان صحبت نماید اگر موفق نشدید ، قانون باشماست .

به امید پیروزی تان

دمتین ترجمه

دروغتیااوښکلاپه‌ساتنه کښې دغذایي رژیم‌اغیزه

✦ ✦

تنوع اونوی والی نه یوازی د ژوند مزه بلله کیږی بلکه پخپله ژوند دی داهغه پیغام دی چه‌دخوراکی او غذایی موادو ما هرا ن په‌دی ورځو کښی هڅه کوی‌چه ټولو خلکو ته‌یې‌ورسوی هغه‌رژیمونه چه زیا ت خلك یی دځان دپاره په نظر کښی نیسی دغه ډول خلك دومره پخپل ځان‌مشغول ساتی‌حتی‌داخبره یی‌له‌یاده ووځی چه‌د غذایی تنوع څخه لکه چه لازمه ده برخورداره شی.

اوورو، ورو خلك دی ته متوجه کیږی چه‌دبیلو بیلو غذایی موادو څومره خوړل دهغوی درو غتیا په ساتنه او ځرنګوا لی کښی اغیزه لری.

په خوراك کښی له تنوع نه کار اخستل یوازینی لاره ده‌چه دا خبره تضمینوی بدن ته‌په پوره اندازه ضروری مواد رسید لی شی،یوزیات شمیر خلك شته چه‌د غذایی موادو په‌نسبت ضداونقیض‌معلومات لری‌او په نتیجه کښی نه‌شی کو لی چه‌د ځان دپاره یوسم غذایی پرو گرام جوړ کړی.

کانی مواد چه دبدن درو غتیا په ساتنه کښی لوی لاس لری تر څو کاله دمخه پوری لکه څنګه چه‌لازمه وه‌نه‌ؤ پیـ ژندل شوی، ددغو موادو له جملی څخه‌یی ځینی په ډیره لږه اندازه داړتیا وړدی په‌دی ډول چه حتی دهغو داندازه کولو کار گران بریښی خود هغو بیخی نشتوا لی انسان ته ډیری ناوړه نتیجی متو جه کوی.

دمثال په ډول یدو فلورا ید د هډو کو او غاښونو دپاره خورا زیات ار زښت لری او له عمدی کبله یدود مالگی سره گډ وی او فلوراید په‌اوبو کښی‌اچوی. وسپنه دهغو کا نی موادو له جملی څخه‌ده چه‌دبدن دپاره زیاته ګټه رسوی‌خو یو شمیر خلك دنشتوالی له‌املـه ځوریږی ،معمولا ځوانو ښځو او پیغلو ته‌دز یاتی وسپنی دلګښت سپارښت کیږی خوکه چیری‌غذایی رژیم په‌پوره ژورتیا او تنوع سره برابر شی دوسپنی لګښت به په پوره اندازه تضمین شی.

دکانی موادو او په عمو می ډول دغذایی موادو سمه اندازه دبدن درو غتیا په‌ساتنه کښی از زښت لری‌او بیاهم باید ووایو یو غذا یی رژیم چه‌ډول ډول غذایی مواد ولری کولی‌شی چه‌د هغی ضما نت‌وکړی

کله کله دیوی مادی څخه زیا ته استفاده کول‌دوینی دزیات‌فشاراو یا په‌وینه کی دکلسترول دزیا توا لی‌په څیر ناآرا می منځ ته راوړی ځینی شیان چه تاسی یی په ساد گی سره خوری که چیری زیات وخوړل شی امکان لری‌نه یوازی ضـرر ولـری بلکه دبدن دپاره مسمو میت تولید وی که چیری هره ورځ زیات نخود وخوړل شی پښی له کاره غور ځوی اودغه حالت په هند کی زیا ت‌لیدل کیږی هر څومره چه غذایی رژیم له تنوع څخه بر خورداره وی په هماغه اندازه ددغه ډول نارو غیو دمنځ ته‌راتللو امکان کمیږی.

کلسیم دهغو موادو له جملی‌څخه دی چه‌په آرامی سره داړتیا داندازی نه زیات بدن ته ورسیږی هر څوك اوپه تیره‌بیاهره‌هغه ښځه چه‌عمریی له څلویښت کلنی څخه تیر شوی‌وی باید دی مو ضوع ته زیا ت‌ارزښت ورکړی.

کلسیم دزړه ،دوینی دجر یا ن‌اود هډوکو دکاردښه‌والی دپاره ضروری دی البته دهډو کو ځینی نارو غی‌چه دکلسیم په نشتوا لی پوری اړه‌لری کله کله دیو شمیر ډاکترانو دشك اوتردید وړ گر ځی اونه شی کو لی چه په سلو کښی سل دهغه په‌باب قضا وت وکړی که چیری کلسیم دبدن له‌اړ تیانه زیات ولګو ل شی‌د بدن په‌سلو لو نو کښی زیرمه کیږی دوه گی ‌لاسه شیدی کو لی شی چه‌دبدن دورځنی اړتیا دکلسیمود دریو برخو نه دوی برخی تا مین کړی‌او که‌چیری پاتی دریمه برخه دنورو خوراکو نو له‌لاری تا مین‌شی کفایت کوی. له ټولو موادو څخه‌چه زیات ضرر لری هغه سدیوم ‌دی‌چه دزیاتی مالگی دخوړلو له لاری بدن ته‌ننو ځی ،دلږی مالگی خو ړل په بدن کښی دلږو اوبو دجذبولو سبب کیږی اوپه عمو می ډول دبدن د عمومی رو غتیا په ساتنه کښی اغیز من‌دی په عمو می ډول‌هرسړی لـه دووچندو څخه تر دریو چندو پوری هغه مواد خوری چه ورته په‌کاردی.

یو شمیر نور دویتا مین‌ارو نکو تابلیتو نو دخو ړلو سره دومره‌عادی شویدی چه فکر کوی دویتا مین‌د تابلیت نه‌پر ته به‌د هغوی رو غتیـا دخطر په‌کنده کښی ولویږی‌خوباید ووایو چه آیا واقعا تاسی دغو ټولو ویتا مینونو ته اړتیا لری؟ که‌چیری دغذایی موادو بیل بیل ډولو نه په خپل ورځنی غذایی پرو گرام کښی ځای کړی نودنورو ویتا مین لرونکو موادو خوړلو ته‌به لږ احتیا ج پیدا کړی کوم څه چه‌په وا قعی تو گـه سم نه‌دی داضافی‌ویتا مینو داندازی کموالی نه‌دی چه‌د خپل ډاکتر پـه سپا رښتنه یی بدن‌ته ور کوی بلکه د(او) او ویتا مینـو د اندازی زیا توا لی‌ډیر خطر لری د ویتا میـن ای داندا زی زیا توا لی په مغز باندی زیا ت فشار راولی‌او حتی دلید لو دقوی دکمزور تیاسبب کیږی له همدی امله دی چه زیا ت خلك دډاکتر له لار ښوونی پر ته دای او ډی ویټا مینو خو ړلو ته په آسانی سره زړه نه ښه کوی.

په‌دی ورو ستیو وختو نو کښی د(او) ویتا مین زیا ت شهرت پیـدا کړیدی ،ددغو ویتا مینو په بـا ب زیاتی ادعا گانی شو یدی خو تـر اوسه پوری په سلو کښی سـل ثبوت ته‌نه دی رسید لی.

حتی دیو شمیر ما هرا نو په عقیـده ددغو ویتا مینو نو څخه استفا ده کول دزړ ښت دوره شا نه غور ځوی خو تراوسه پوری زیاتو څیړ نو ته ضرورت شته تر څودغه ادعا ثابته کړی البته باید وویل شی چه‌د

ویټامین خپل خوراکي ارزښت سما تللی دی اود زیاتو ډاکترانو نظر یې له مخې باید هره ورځ لږ ترلږه دپنځو گرامو په اندازه د مېوو څخه سره دمبارزې دپاره وخوړل شي خو یو شمېر ازمایښتو نو دا خبره څرگنده کړې ده چه دسي ویټامین دبدن دورځنی اړتیا یو په لسمه او یادوه په لسمه برخه برابروي خو هغه آوازه چه د ځینو سرطانونو ناروغیو دمعالجې دامکان په باره کی د ویټامینو په وسیله اورېدل کیږي دومره دارزښت او باملرنی وړ نه ده د ویټامینو څخه په زیاته اندازه استفاده کول داخطر لري چه په خوراکونو دبی۱۲ دویټامین اندازه له منځه وړي په پښتورگی کښې دتیږې منځ ته راتلل په زیاته اندازه د دویټامین څخه داستفادې یو بل خطر دی. د رومي بانجانو، ځمکنیو مڼو سبزاو نورو مېوو خوړل بدن ته په پوره اندازه د سي ویټامین ورکوي او کیدای شي چه دنورو موادو سره تناسب ولري لی شي.

شك نه شته چه یو زیات شمېر خلك داړتیا له اندازې نه زیات اړتیا لهاندازې نهغوړي او وازگه خوري که چیرې ستاسې عمر په تیره بیا لهڅلوېښت کلنی څخه اوښتې وي حتما باید دهغو غوړیو اووازگی اندازه چه وینی ته ننوځي کمه کړي دښځې بدن له شنډیدو وروسته دنارینه دبدن حالت غوره کوي اودزړه دنا آرامیو دخطر په کنده کښې لوېږي، البته ددې معنی دانه ده چه په عمومي ډول دغو غوړیو له خوړلو څخه ځان وژغوري خو کیدای شي چه د ځینو غوړیو څخه استفاده وکړي ځکه ځینې غوړي لکه دښوون دغوړیو په څېر دبدن وینی ته نهور ننوزي او په نتیجه کښې زړه ته تاوان نه شي رسولی لنډه داچه همیش لږ غوړي وخوري او په تیره بیا له حیواني غوړیو څخه ډډه وکړي هر څومره چه کولی شي دچرگانو کبانو او کټمې له غوښو

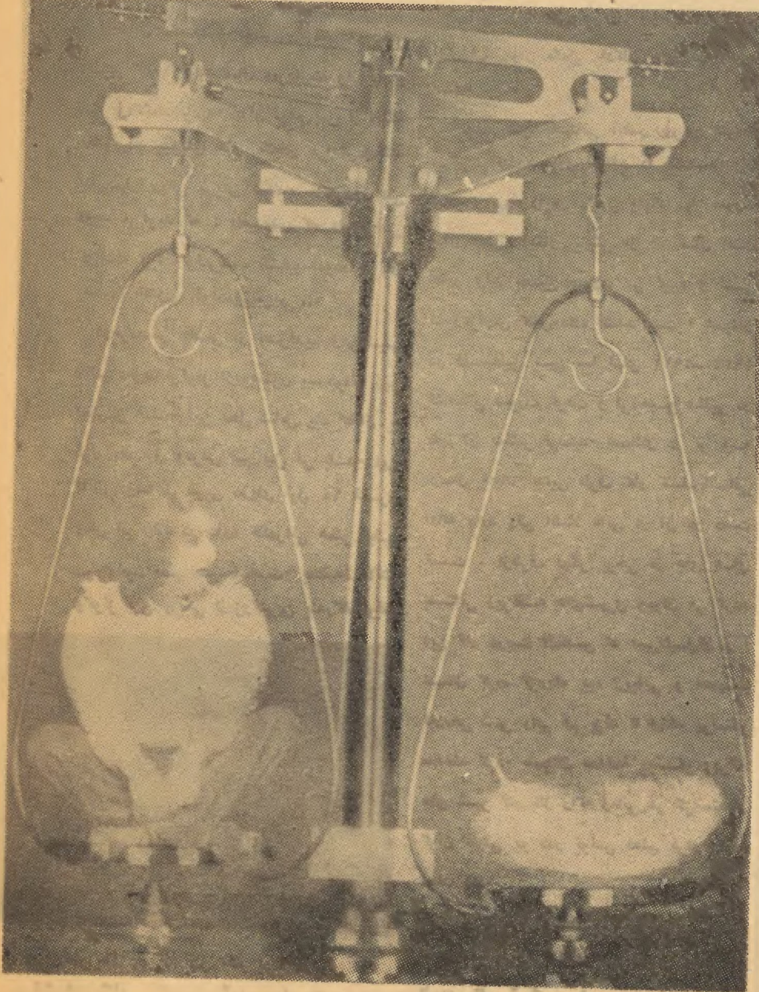
څخه استفاده وکړي او دهغو وازگی لهپخو لونه دمخه جلا کړي نوري غوښې هم خوړلی شيخوداسې برخی یې دخوراك دپاره وټاکي چه وازگی یې لږې وي.

پروټین دهغو موادو برخه تشکیلوي چه ستاسې بدن ورته اړتیا لري، دا چه تاسې څومره پروټینو ته اړتیا لرئ ښایې دهغه څه چه تاسې یې فکر کوئ ډېر لږوي دوه گیلاسه شیدې دغوړیو او مستو نه پرته چه په هر حال ستاسې دبدن داړتیا وړدې دیوې هگۍ اود چرگ اویا کب دلږې غوښې سره کولی شي چه ستاسې دبدن د اړتیا وړپروټین تامین کړي خود زیاتو پروټینو خوراك ښه کار نه دی که چیرې ستاسې عمر له څلوېښتو کلونو څخه زیات وي نود زیاتو پروټینو خوراك ستاسې په سږې او پښتورگی دهغو دقدرت نه پورته فشار راولي، ددې سره سره لازمه نه ده چه حیران پاتې شي ځکه چه ډاکتران په دې برخه کښې له دومره سختۍ څخه کار نه اخلي ځکه هغوی عقیده لري چه که اضافي پروټین حتی که چیرې له لازمي اندازې نه دوه یا درې چنده زیات هم وخوړل شي څه زیان نهشي ورسولی.

یوه بله موضوع چه باید له نظره یې لیرې ونه غورځوی داده چه پروټین لهبیلو بیلو منابعو څخه په زیاته اندازه تامینیږي، تاسې کولای شي چه دغوښې اود غوښې لهنورو ډولونو څخه پروټین ترلاسه کړي دغه راز بیل بیل حبوبات او سابه کولای شيچه په زیاتهاندازه پروټین تولید کړيکه چیرې لهبیلو بیلو پروټین لرونکو منابعو څخه استفاده وکولای شي په دې کار کښې هڅه وکړي او پرې نه ږدي چه یوازې له څو محدودو منابعو څخه کار واخلي.

فیبر یاهغه ماده چه نه هضمیږي خاص ارزښت لري اود کولمو د فعالیت اود کولمو دسرطان او نورو ناروغیو څخه دهغه دساتنی دپاره گټور دی دغه ماده له یو زیات شمېر حبوباتو مېوو او سبو څخه لاس ته را تللی شي دا مواد کولی شي چه دبدن نوري اړتیا وې چه دانرژۍ دمنځ تهراتللو سبب کیږي هم تامین کړي ترڅو چه کولی شي دبورې اوواړو په څېر دموادو له خوړلو څخه ډډه وکړي داموادهیڅ غذایي ارزښت نهلرياود موجودوکالوریو اندازه پهدې موادو کښېزیاته ده، نن تقریبا داخبره څرگنده شوې ده چه بوره او قندي مواد دزړه او قندي ناروغیو پهوده او تکامل کیسترنقش لري هر څوك دڅان دپاره مخصوصي غذایي اړتیا وې لري او په همدې دلیل امکان نه لري چه وکولای شي یوداسې مشخص او مخصوص پروگرام طرح کړي چه دغذایي اړتیاو اندازه وښیو دلی شي په راتلونکو وختونو کښې به خلك وکولی شي چه تصمیم ونیسي په ژوند کښې کوم شیان هغوی ته زیات ارزښت لري اود هغه له مخې له غذایي موادو څخه استفاده وکړي، هغه وروسته

څېړنې چه دغذایي موادو په باره کی کیږي دبشر داړتیاوو دلیرې کولو دپاره زیاتې امیدواري اچکلوي، خو په عمومي ډول یو مهم اصل شته چه په آینده کی به هم وي اوهغه دادی چه د بدن د روغتیا ښکلا دتامین دپاره غذایي پروگرام ترکومځای پوري چهامکان ولري باید متنوع او ډول ډول مواد ولري اود بیلو بیلو موادو څخه دبدن پروټین او انرژي تولیدوونکی مواد برابر شي اود روغتیا په ساتنه کښې په اغیزمنه توگه گام پورته کړي.



دبدن داړتیا سره سم خوراك ستاسې روغتیا تامینوي.

کاوش برای دریافت

رامی سازد ونوسط قوم‌میان ساخته شده است شدند. تایکال برخلاف شهر ها ی قدیمی باستانی که‌در کنار رود خانه سا خته شده بود، دورتر از آن قرار دارد . اینان بااستفاده از (چرخ) آشنایی داشتند و لی بخاطر اینکه به‌آفتاب مقدس عقیده داشتند و چرخ شباهت به‌گردی خورشید دارد آن‌رابکار نمی بردند . یگانه چرخ در تمدن میان بازیچه های اطفال بودوبس.

هنوز معادن باستانی جهان نا کشف‌مانده است.

ماه گذشته دولت چین اعلام کردکه درشهر شنسی موفق به‌کشف (اردوی) که ۲۰۰سال عمرداشته ومجسمه های جنگجو یان و اسپ ها یشان به‌اندازهٔ اصلی ساخته شده است گردید. همچنان یك جسد انسانی در لابلای گل‌سرخ ایالت اپوهی چین کشف گر د ید. این جسدکه‌ازیك مرداست دندان های سالم داشته وگفته می‌شود که ۲۱۰۰ سال عمر دارد .

همچنان یك جسد مومیایی شده یك دختر مصری که‌۱۵ تا۱٤ سال عمرداشته واز پا ی شل بودکشف‌گردید. درآن موقع پس از اینکه دخترمرده بودپای های تکه‌ای برایش‌دوختند تادرجهان دیگر بی‌پای نماند. داکترروز الی داوید می‌گوید که : (امیدواریم‌که علت‌مرضی که‌باعث مرگ دخترشده کشف نموده و بان به‌شیوهٔ تداوی آنوقت‌پی‌ببریم)).

درخودمصر بخشی از مصرقدیم زیرنظر داکتر داوید اوکونز ازپوهنتون پنسلوانیا زیر تحقیق است. این محل شامل یك کانال به طول یك میل وعرض نیم میل می باشد. این کانال درساحل غربی دریای نیل ١٤ قرن پیش از میلاد در دوره حکمرانی همنو تیفس سوم‌فرغون مصر حفرشده‌است. به‌عقیدهٔ داکتر اوکونز این ((یکی ازبزرگترین بندرگاه‌آنوقت



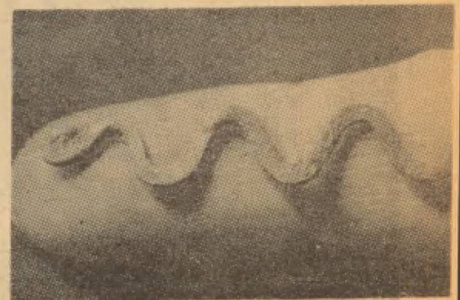
مستر مرور در عمل کشف آثار باستانی

بوده‌است ونشان میدهد که‌درآن مو قع شهر بزرگی درکنارآن قرار داشته‌است)).

درآتن دربازار قدیمی آن لیزلی شیرموفق به‌کشف بازار مکمل بادکان های آن شده است.

کشف های باستانی آنقدر سریع صورت می‌گیرد که‌دربسیاری مواقع دا نشمند ان فرصت تهیهٔ راپور رانمی یابند. به صورت مثال شهر تایکال بیش از ١٤ سال است که‌رو ی‌آن تحقیق صورت می گیرد و لی هنوزگزارش کامل داده نشده است . همچنان در فلسطین بین سا لهای ۱۹۲۱- ۱۹۲۳ کشفیاتی صورت گرفت و لی هیچ مطلبی در بارهٔ آن به‌نشر نرسید. همچنان در تر کیه ازسال ۱۹۵۰ به‌این طرف کار کشف‌باستانی ادامه دارد ولی اطلا عاتی از آن در دست نیست ، ازطرف دیگر برخی از جای های باستانی زیرنقشه های‌شهری ویران می گردد این کار دربیت المقدس که اسرائیل‌آن ر ا اشغال کرده نزدیك بود زیبایی و اهمیت تاریخی شهر رابر هم بزند تا اینکه یونسکو مداخله کرد. همچنان مداخلهٔ یونسکو ویرانه های شهر کار تاژ راکه زمانی مر کزاستعمار گران فنیقی بو ددر تونس فعلی قرار دارد، نجات داد.

اکنون با ستا نشناسان با وسایل مدرنی که‌دارند سعی می‌کنندهرچه زودتر پر ده ازروی تاریخ کهن بشری ، پیش از آنکه این آثار توسط بلدوزر تمدن فعلی، ازبین برود ،بردارند.



این مار فلزی که در حفریا ب بومیان امریکایی بدست آمده است در هشت هزار سال پیش از میلاد ساخته شده و سی مترس است .

ترس دختران

خدیجه سوال دیگرم را چنین جواب داد : یك تعداد زیاد دختـرا ن هستند که استعد اد هنری فـوق العاده دارند ولی بخا طر تعصبات خانواد گی و ترس از گپ و سخن مردم که سد راه پیشر فت ا کثر جوانا ن که می خوا هند استعداد های‌نهفته خود را تبارز د هند. ـ بعض‌ها خودشا ن اینگونه فعالیت های رابرای خود ودخترا ن عیب بزرگی میدانند حا لانکه این طرز تفکر یك اشتباه بز رگ و مانع انکشاف استعداد جوانا ن مـی باشد.

دوشیزه خد یجه بد نبا ل سخنانش افزود :

پس کلیه جوانا ن بالا خص دختران رو شنفکر و تحصیلکرده‌در راه ازبین بردن چنین ذهنیت های منفی مبارزه پیگیر شانرا تا مرز پیروزی برسا نند و مغز های مردم راازین پندار های پو چ پاك‌سازند.

وی ضمن تشر یح نمایشا ت هنری پو هنځی ساینس گفت ا ین نمایشات دو بخش دا شت : یکی موسیقی و دیگری پار چه های تمثیلی که در مورد اشترا ك خود بگویم که در هر دو بخش آ ن‌سهم گرفتم هم در بخش مو سیقی آن‌و هم دریکی ازنما یشنامه آ ن بنام «سالهای گذشته»که بوسیله ابراهیم گمشده نو شته شده بود و نقش یکزن دهقان بد و ش من‌بود. ولی نمایشنامه دیگر ی که (دختربینوا) نام داشت باوجو دیکه آنرا تمرین کرده بودم اما بعلت شر کت نکردن سایر دخترا ن بروی صحنه ظاهر نگشت .

خدیجه بجوا ب‌سوا لی د یگری گفت: هر نوع کو ششهای که‌زمینه های‌آمو زش ، اصلاحی و ا خلا قی داشته بهبود جامعه در آن نهفته باشد قابل پشتیبا نی همه جا نبه است‌وچو ن دختران و پسران پوهنتون که ماشا الله همه تحصیل یافته وروشنفکر هستند در ك می کنند که چشم انتظار مرد م بسوی آنهاست. پس باد رك مسو لیتهای بزرگ اجتما عی بسو ی شگوفانی آرمانهای مردم به پیش برو ند .

دوشیزه خد یجه میگوید : ا ز آنجا ییکه اجتما ع متشکل از زن ومرد است با یست هردودوشادوش هم‌خد مت نمایند وا گر بعض کوتاه نظران سهمگیر ی دخترا ن را در کوششها ی سازند ه اجتما عی‌حمل بربی باکی وبی شخصبتی‌آنهامیکنند یك‌گناه نابخشود نی را مر تکب میشوند وبدانند و آگاه باشند که هیچگاه ین نوع کوششهای سود ـ مند دلالت بربی شخصیتی د ختران نکرده بلکه زمینه تبارز وشگوفانی شخصیت های همه جوانا ن رامهیا میسازد و خصو صا بر همه مردان وزنان مالازم است تابا تشو یق وحمایه خود دخترا ن را مو قع بدهند تا بیشتر در اجتماع بدرخشند و بیشتر .فعا ل شو ندبه خاطر سهم مشتر ك زنان ومردا ن‌و انکشاف همگانی کشور .

دمینی په‌لوری

ـخوته په ټولو شیانو نه‌پوهیږی مایکل تا هغه ورځ وخت رانه کړچه زه ووایم چه..

خوهغه خیلی گوتی‌زماپه شونډو کښیښودی اوویی ویل:

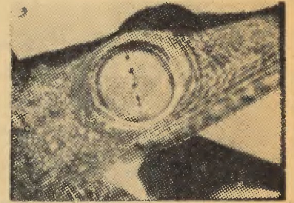
ـماپخپله په‌دی باره کښی زیا ت فکر کړی دی او پوهیږم چه تـه‌د دوستی وړ اومهربانه نجلی یی‌اوـ هیڅکله پخپله خو بنه ناوړه کارنه کوی یوازینی شی چه ماته ارزښت لری دادی چه ته‌په ماگرانه یی او غواړم چه خپل پاتی عمر ستاپـه نیکمرغه کولو تیر کړم.

اوس نو څلور میاشتی کیږی‌چه ما اومایکل واده کړیدی دهغه سره زما ژوند خوندور دی کله‌کله نیمه شپه ویښیږم تر څو ډاډه شم چه دی ورو سته خوب نه‌دی او تراوسه هغه زما تر څنگ پروت دی‌اوداتر هم دازما دپاره گرانه ده، باورو کړم چه زه دمایکل اوښی میرمن‌یم.



ترجمه و نگارش :پو هندوی فاروقه ع
گوهری استاد پو هنځی ساینس

چشم وانواع آن



انسان طبیعتا طبق عادت ،به میزان زیادی به حس بینائی خود تکیه نموده است و بوسیلهٔ آن میتواند همواره ارتباط خویشس را با دنیای ماحولشس حفظ نماید .

بشرازقدیم الایام اهمیت چشم را باوظیفه ای‌که انجام میدهد ، آشنایی کاملی داشته است .مطالعات جدید نشان میدهد که این عضو به ظاهر ساده دارای ارتباط مغلق و اسرار آمیزی بادماغ حیوان دارد .چشم‌هانه تنها وسیله دید بوده‌بلکه عضوی است که بواسطه آن حیوانات میتوانند در مقابل دشمنان محیطی و غیره عوامل از خویشتن دفاع نمایند .

در دنیای حیوانات طرز فعالیت وساختمان چشم ،به طرق مختلفی وجود دارد .چنانچه دربرخی ،چشمها برای دید در تاریکی و در عدهٔ برای دید در رو شنائی روز مساعدبوده وحتی حیواناتیکه در شب وروز فعال اند چشم میتواند بهردو موقع بخوبی فعالیت نماید .انسان ها باوجودیکه از لحاظ تکامل پیشرفته ترین مخلو قات روی زمین اند بانهم چشمان شان نسبت به عده ای از حیوانات تکامل بیشتر نه نموده است .

زیرا حیوانات متعددی رامی شنا سیم که قدرت گردش چشم وساحهٔ دیدشان بمراتب بیشتر از چشمهای انسان ها است .البته در مقابل حیوا ناتی دیگری بمثل پارازیت ها و غیره وجود دارند که اصلا احتیاجی بداشتن چشم نه دارند .

تنوع در سا ختمان و وظایف چشم :

باو جودیکه چشم جا نداران عالی ازلحاظ تکامل تقریبا دارای منشاء مشترکی میباشد. بانهم چشمها در انواع مختلف ـ وظایف مختلفی رابعهده دارند .

تعداد کثیر زنده جان های وجود دارندکه دارای چشمان ساده‌بوده و از لحاظ تکامل درمراحل ابتدائی قرار دارند .طور مثال یکی از حیوا نات ساده در طبیعت حیوانی بنام یوگلینا است که دارای نقطه سرخ رنگی که بمقابل نور حساس است میباشد این چشم‌ساده تنها قدرت تمیز نور شدید ونور خفیف را دارد یعنی چشم یو گلینا تصویر اجسام را در حیوان منعکس ساخته نمی تواند .

هرقدر ساختمان موجودات حیه تکا مل نماید ـبهمان اندازه چشمان نیز راه تکامل را می پیمایند. مثلا یکنوع حیوانی بنام‌کرم زمینی وجود داردکه برخی سلول هایی در جلدشس قرار داردکه میتواند در مقابل نور و یا تاریکی حساس‌باشد .یعنی دریـن صورت حیوان میداند که کدام قسمت از جسمشس بطرف رو شنائی مواجه است .

حیوانی بنام سکا لوپ که‌یکی از حیوانات غیر فقاریه میباشد در حدود پنجاه الی دو صد چشم ساده ای که در دورادور جسمشس قرار دارد ـ دارا است .طوریکه هر چشم دارای عدسیهٔ جداگانه بوده و در مقابل نور حساس میباشد .چشمها که در حقیقت در اطراف قشر حیوان قرار دارد ، میتواند حین شنای این نرم تن درآب کمك نماید . وحیوان رامتوجه طعمه‌ویا دشمنان وی‌گرداند.

سکا لو ب ها عبا ر ت ازحیوانات بحری اندکه ازجمله نرم تنان بوده وه‌دارای قشر سخت خارجی میبا شند چشمها درین حیوانات به تعداد زیاد در دو قطار وبدورا دور جسم وجود دارد .

یکی از ساده ترین حیوانی که میتواند به‌طریق مخصو ص ،نقشی ازاجسام ماحولشس را در دماغ سادهٔ خود ـترسیم نماید ـ عبارت از کوپلیا میباشدکه دارا ی جسم کاملا شفاف است .

در حصهٔ فوقانی جسم دوعدد ـعدسیهٔ نسبتا بزرگی قرار دارد این‌عدسیه هاکه روی بر جستگی های قراردارند میتوانند ـشعاعات واردهٔ نور را اخذ وآن را بداخل جسم‌به‌دو عدسیه کوچک دیگر برسانند .عدسیه های کوچك هرکدام دارای سا ختمان چنگك مانندی بنام راداو میباشد که در اثر حرکت غیر منظم‌مقدا ر نور وارده را اخذ وآن رابه دماغ سادهٔ حیوان که در مرکز جسم قرار دارد ـسوق دهد .شعاعات و عکس العمل های وارده به مغز ـباعث نقش یك تصویر مبهمی‌از اشیاء ـ درمغز حیوان میگردد.

در شکل عدسیه های بزرگ در قسمت فوقانی جسم ،عدسیه های کوچك در حصه تحتانی و دماغ حیوان بشکل نقطه ای‌سیاهی در وسط جسم بملا حظه‌می رسد .

حشرات جانورانی هستند که دارای‌چشمان مرکب بوده و هر چشم‌از تعداد زیادی سا ختمان های‌مشابه بهم ساخته شده‌است هرچشم حشره که از صدها ویا هزاران عدسیه کوچك تشکیل گردیده و روی یك سا ختمان محدب وپیش برآمده ای قرار دارد .قسمت زیرین هریك ازین عدسیه‌ها دارای اجسامی حساس به مقابل نور بوده و در اثر نور وارده از هریکی از عدسیه ها متاثر میگردد .شعا عات وارده از جسم ـ بقسم ذره‌ذره روی هریك از عدسیه ها تابیده وبالاخره اجتماع این ذره هاتصویری را ازجسم دیده شده درمغز حشره ـبوجود میاورد .باین صورت حشره اجسام رابشکل یکعده نقاط روشن و تاریکی مینگرد .اگرچه حساسیت چشمهای حشرات خیلی زیادنیست باین هم علما ثابت نموده اند که عده ای ازحشرات میتوانند رنگ ها را تشخیص نمایند .

سا ختمان چشم یك زنبور عسل که دارای تعداد زیادی عدسیه های کوچکی میباشد .

جالبترین نوعی چشم را میتوان دریکنوع ماهی کوچکی که در سواحل ابحار به سر مسی بـر د و پیر فتا لمـو س نامیده نامیده میشود ـملاحظه نمود .چشمان ماهی مذکور روی عضو برجسته ای که دارای عضلات زیادی میباشد ـقرار دارد. چشمان این حیوان میتواند تنها در هوا اجسام رابه بیند .بناء درموقع صید نمودن ،ماهی به سطح آب طوری قرار میگیرد که تنهادوچشم آن بکمك عضلات از کاسه سر خارج شده برسطح آب بوده و متباقی جسمشس تحت آب میباشد.

درین صورت از سطح آب طعمه را درآب دریافته و بطرفشس حرکت نموده و آن رامی بلعد .چون چشمان نمیتوانند در داخل آب فعالیت نمایند ـبناء چشم‌های مذکور دوباره در حفرهٔ کاسه سر داخل شده و رویش راپلك ضخیمی می پو شاند .

پیر فتا لموس حین‌قرار گرفتن درنزدیك سطح آب وطرز استفاده از چشمان خود

بقه ها حواناتی فقاریهٔ ای سادهٔ هستند که از چشمها دربلع نمودن مواد غذائی نیز کمك میگرند .چون غذای آن‌ها را معمولا حشرات و کرمهای زمینی تشکیل میدهد بناء جهت نگه داری و جویدن این اجسام در دهن ،بقه‌ها مجبورند که‌دندان های قوی و بزرگی داشته باشند ولی چون دندان ها قدرت کافی نه دارند بناء بقه ها حین بلع نمودن مواد غذائی چشمان خود را می‌بندند بسته شدن چشمان باعث فرو رفتن تخم چشمها در حفرهٔ سقف دهن شده و این‌فرو رفتگی ها بشکل دوکرهٔ محدب بداخل دهن آشکار میگردد .بر آمدگی های مذکورمیتواند موقتا غذا را در دهن نگه دارد .پس دیده

بقیه در صفحه ۶۲

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تهیه وترتیب از: د،د

نمایندگان افغانستان در کنفرانس برلین

در کنگرهٔ جهانی سال‌بین‌المللی زن که با شتراك دو هزار نماینده از ۱۳۵ کشو ر در جمهوری دمو کرا تیک آلمان بر گزار شده بـود ، ریاست هیات‌افغانی‌را محترمه عالیه حفیظ مدیرهٔ لیلیه دختران پو هنتون‌کابل به عهده‌داشت.

محترمه عالیه حفیظ گفت : این کنگره از ۲۰ تا ۲۴اکتوبر ۱۹۷۵ دایر گردیده بـود و زنان جهان فیصله کردند که:

ـ زنان روحا باید آرا م باشند .

ـ زنان حق مساوی بـا مردان داشته باشند .

ـ باید امتیاز از هیچ نقطه نظر میان شان وجود ندا شته

و مسایل کلو نیا لـیز م و امپر یالیز م که باعـث پس مانی زنان شده از بین برود .

ـ ملل متحد باید ده درصد

بودجه خود را در راه وسایل مختلفه برای پیشر فت زنان تخصیص بدهد واز وسایـل جنگی بکاهد .

ـ باید برای زنان ز مینـه کار در کار خانه ها، مرا کـز صنعتی و زراعتی پیدا شود .

ـ باید توجه بیشتردرقسمت صحت زنان بعمل آمده بـه تعداد شفا خانـه ها و کلنیـك های زنانه افزایش بعمل آید

ـ برای زنان زمینه تعلیمات مسلکی مهیا شود .



محترمه عالیه حفیظ

ـ زنان حق رای دهی ر ا باید داشته باشند و قانو نی در زمینه پاس شود، مخصوصا برای زنان آسیایی وافریقائی، امریکای لاتین که در ده سال گذشته از بسا جهات از حقوق خویش بی بـهره و محـرو م مانده اند .

ـ مسایل دو زن داشتـن و اضافه ازآن تاثیر زیاد ی بالای روحیهٔ اطفال شان دارد درین باره ما زنان‌میکو شیم تاقانونی وضع گردد . زیـرا احترا م خانواده ها شرطاست و آنها باید به همدیگرخویش احترا م داشته باشند . مسایل «فا میلی پلاننگ»نیز در قسمت افزایش اطفال در کشور ها مدنظر باشد . در قسمـت مو ضو عات مورد مبا حثـه و مناقشه خانواده ها بایـد سازمانهای روی کار آید تاراه حل برای مو ضو عات‌مطروحه رٔا پیدا نموده ودر دهه‌انکشاف

ارزیابی گردد .

ـ پروبلم بیسوادی که‌یکی از پروبلم های جهان شمو ل است بایداز بین رفته‌تبعیضات بین پسر ودخترازآوان طفولیت تاکلانی نظر به فر هنگ هـر کشور از میان بر داشتـه شود .

ـ امروز قرا ریکه مشاهده میشود چنین تبعیضات ما نـع تعلیم وتربیه زن ومرد گر دیده باعث عقب مانی بعض کشور ها شده‌است .

ـ باید در قسمت تعلیم و تر بیه معیو بین زن هم تو جه شده و برای شان تـاسیس مکاتب در نظر گر فته شود

ـ برای اینکه مو ضو عات متذکره جا مه عمل بپو شـد ، باید از همه او لتر مبارزهٔبرای صلح و مساوات صور ت‌گیرد زیرا پیشرفت زنا ن بـدو ن صلح و مساوات امکان پـذیر نمیباشد .

چون زنان قلب رقیق داشته رؤف‌ودلسوز میباشند متمنی صلح وسلم مردم دنیا هستـند و زنان گفتند و ابراز نـظر کردند که انکشاف در حالـی صورت می پذیرد کـه آزادی کشور ها سلب نگردیده د ر ساحات مختلف حیات‌اقتصادی سیاسی ، اجتماعی وفر هنـگی ملل تغییرات عمو می رو نما گردد . امید است که ایـن کنگره کمك زیا دی به جا معهٔ بشری بتواند وما نتایج مفیـد ومثمری از آن بگیریم. زیـرا مجاهده ما زنان مجاهده بـرای مردمان جهان است تـمـام مسایلی که در مکسیکو گفتـه

شده ما آنرا تائید و تا کیـد میکنیم مبارزه برای کار وبرای فعال ساختن‌وسایل ارتباط‌جمعی و غیره به سو یه مملکتی‌باشد زیرا در هر منطقه و هر جـا نشان دادن لیاقت و استعداد وذکاوت ز نان شرط اسـت

محترمه عالیه حفیظ گفت: نمایندگان افـغانی درسـه کمیسیون سهم گر فته‌بودند:

ـ کمیسیون تعلیمات ز نا ن

ـ وسایل ارتباط جمعی .

ـ زنان کارگر .

شامل شدن به کمیسیو ن ها آزاد بود و هر کس مـی توانست در هر کمیسیو ن‌که خوا سته باشد شا مـل گردد .

در کمیسیون وسایل‌ارتباط جمعی محترمه و سیمه حکیمی ودر کمیسیون زنان کار گـر محترمه مستوره نواز بـه نمایندگی از افغانستان سهم گر فته بودند .

وی گفت: در کمیسیون که اشتراك نموده بود موضو ع آنرا تعلیمات ز نان تشکـیل نموده بود .

درین کمیسیون ۲۲۶ نفراز ۴۷ کشور سهم گر فته‌بودند.

محترمه عالیه حفیظ نکات مهم این کنگره را چنیـن خلاصه کرد :

ما با استفاده ازین فرصت تاریخی ومسئولیت در مقا بل نسل آینده همراه باین‌مجادله که جهان در عصر آینـده چه‌خواهد باشد .

با قیدا رد



گوشه ای‌ازجریان کنفرانس‌زن در بر لین

ژ وندون

نقش زن در تکامل جامعه

اگر صفحات در خشان تاریخ وپیشرفت های شگوفان بشریت را مطالعه ،تحلیل عمیق وبررسی دقیق نمائیم درتمام شؤ ن و مراحل تکامل جوامع بشری نقش ز نان بصورت خلاق و جاویدان ثبت است .

زیرا از علوم و فنون امروزه تا صنایع مستظرفه زنان درپهلوی مردان دوشا دوش هم فعالیت نموده اند. البته میتوان نمو نه های سودمند وارزنده آنرا از مبارزهٔ را بعه بلخی برضد طرز تلقی آن عصر وفعالیت قهرمانانه و دلیرانه ملالی را در میدان نبرد خونین علیه متجاوزین استعمار وطن پر افتخار افغانستان ودیگر زنان با سهامت تاریخ جهان دریافت .

پس در جامعه ایکه حیات بسر میبریم و ترقیات که در همهٔ رشته های زندگی بشر مشاهده میکنیم زنان نیز درامر تحولات و پیشرفت های کنونی سهیم اند زنان درپهلوی سهم در خدمات عامه ثمرهٔ زندگی و اطفا ل خویش را تربیه نموده جوانان بادرك سالم ومردان مفید و سودمند به جامعه تقدیم مینمایند .

خو شبختانه با طلوع آفتاب ظفر نمون انقلاب ۲٦ سرطان ۱۳۵۲ در حیات و موقف اجتماعی زنان تغییرات کیفی و بنیادی رونما گردیده و پیشرفت های جامعه نوین سهیم دانسته وحقوق یکسان را مطابق به منشور ملل و سال بین المللی زن نائل شد ه اند پس برزنان و خواهران آگاه وو طنپر ست کشور لازم است مطابق به روحیه عالی نظام جمهوری وسنن عالی وپر افتخار افغانیت خویش این مامول برازنده راحفظ نموده باتحکیم و مبارزه بخاطر چنین اندیشه های نوین خدمت گذاری و صداقت شعاری رادر پیشبرد جامعه خویش بکار ببریم.

والبته تقلید کور کورانه ازمرد ها ی بیجا وغربزده هرگزموقف زنان و دوشیزگان مارا بلند نمیبرد بلکه زیور اصلی وجوهر اندو خته های علم و دانش رامکدر ساخته از کاروان تمدن فرسنگها دور نگهمیدارد.

خلاصه همه خواهران و زنان گرامی بکوشند تاهریك اعضاء مفید جامعه خود بوده در عمران کشور خویش سهم سود مندی رابه عهده بگیریم .

مواظبت طفل

پیشر فتهای عصر تکنالوجی و ساینس زندگی بشر را از حلقهٔ محدو دیت ها و سادگی هابیرون کشیده ومیکشد ،هرقدر که از نتایج وپدیده های نوین آن مستفید میشویم . بهمان تناسب زندگی ما پیچیده ترومغلق ترمیگردد و مخصو صا اندیشه‌های مارا نسبت به کودکان و اطفال ماعمیق‌تر می‌سازد و مامجبور میگردیم تادر مواظبت و مراقبت آنهاجدی تر باشیم وبیشتر از پیش بیندیشیم ،زیرا با فراهم آوری و استفاده از تسهیلات و هدایای ما شینی وتخنیکی عصر تکنا لوجی و ساینس بهمان تناسبی که اطفال و کودکان ما بزر گترشده میروند و فعالیتهائی مانند چار غوك ،قدم زدن ،پایین وبالا شدن ،جست و خیززدن، تجسس و کاوش راآغاز میکنند خطرات ناشی ازین‌همه فعالیتها به پیمانهٔ روزافزون متوجه آنها میگردد ،دربسا مواقع اطفال در اثر احساس تجسس و کاوش به وسایل و لوازم تخنیکی و ماشینی منزل نز دیك میشوند وآن وسایل ولوازم دسترس را مورد آز مایش قرار میدهند درین اثنا با بسا حوادث وصد ماتی مواجه میشوند که باآسیب دیدن آنها والدین متاثر میشو ند ولی در آنوقت تاثر وندامت والدین بعداز يك حادثه وصدمه ارزشی ندارد و برای شان سودی نمی بخشد .

فی الواقع کارد، چاقو، اره، تیشه ودیگر سامان برنده منزل که امروز دورتر از دسترس طفل گذاشته میشود کاوش های اوممکن است سامان مذکور را بدستر س بیاورد وظرف پرازآب جوش راکه در جا ی مصئون تری گذاشته اند امکان دارد دراثر تجسس آن طفل دیگر آن جای بحال مصو نیتش باقی نماند ،گذاشتن اجناع پارچه های شکسته ششه ،آلات جارحه وغیره در جاهائی که اطفال به‌آنها رسیده می‌توانند خطراتی رابردی آنها پیش بینی میکند .



صدای آزادی زن

زن شخصیت سازنده دارد زن درهرموقعی که قرار داشته باشد. بازهم نخستین مربی انسان وتهداب گذار شخصیت افراد اجتماع است ، چون دردامان اوست که‌کودك نخستین روزها، ماه هاوسال های زندگی رامیگذراند وبا جهان بیرون آشنا میشود .

نابرابریهای اقتصادی واجتماعی که میان دوجنس مرد وزن مرزهای مشخص ودرشتی از ناحیه حقوق وامتیازات بوجود آورده بود در طول قرنهای متمادی زن رادور از فعالیتهای عمدهٔ اقتصادی ، سیاسی وفرهنگی واجتماعی قرارداد . تاآنکه این دوره هاروبه فتور نهاد وعصر آزادی وبرابری حقوق از دست رفتهٔ مردمان فرارسید .

اکنون صدای آزادی زن در پهنای گیتی طنین افگن است . جنبش جهانی زن برابری حقوق وامتیازات اوراطلب میکند. درین میان چیزیکه ازهمه مهمتر است تبار ز شخصیت اجتماعی خودزن است . که پس ازسده های طولانی که درانقیاد بسر میبرد بازهم با شایستگی قدبر افراشت ودرکار سازماندهی اقتصادملی کشورخود موفقانه اشتراك ورزید.

زن افغان در نظام جمهوریت برازندگی بیشتری نشان داده است اوبه اثبات رسانیده که شایستگی دارد رسالت تاریخی خودرا در برابر نظام، وطن ومردم خود بدرستی انجام دهد .

زن موجود باآرزوست ودلش آگنده از امید هاست که هرچه خواهد بدومیسرگردد، واین مایه شادمانی اومی گردد، طبیعت اوگاهی گرفتگی ازآن پیدا میکند که به آرزوی خود نرسیده است زن وقتی آیینهٔ انصاف راپیش روگذارد لطف اواز احساس رقیقش تا ب می گیرد آرزو هایش درحدود امکان اقتصادی محیطش نظم می‌گیرد، وقتی روح قناعت پیدا کرد هیچگاه چین برجبین نمی زند وهمواره متبسم است، زن باید چون‌گل همواره خنده درلبان داشته باشد واززندگی راضی باشد روحیه همچشمی بیمورد رااز خوددور بداردکه یکی ازبازمانده های نا پسند دیرینه بوده انسان راهمواره رنج میدهد زن هاکه براستی هم نقش مادری دارند و هم نقش سازندگی بادل پراز مهرو عاطفه زندگی راسزند یقین زنان روشن دل این رادریافته اند بادل خوش وباصفای زنانه به زندگی لبخند می کنندوحیات فامیل ویامحیط خودرا روشنی ازمهرو محبت میدهند زیرااگرزن هاتوانایی آنرا دارند که نشاط درمحیط خانوادگی آفریننده خود به‌خود خوش وخندان زندگی نموده وچراغ ذهن شان هموار براه وبه خانه شان پرتوافگندوخانواده رامسعود دارند

شعر نو نیاز زمان

من در یکی از اشعار خود گفته‌ام:

خندهٔ کاذب به لب اما چه سود
اشک من با خنده ام
ظاهرم شاد است لیکن ای دریغ
زهر خود را غم به قلبم ریخته

به عقیدهٔ من این صدا صدای انسان امروز است که از غم خود سخن گفته و انسان هم عصرش خوب با این غم آشنا ست.

-در سرودن شعر از کدام روش استفاده میکنید؟

- من اشعاری به روش نو و همچنان سبک کلاسیک سروده ام ولی بیشتر تمایلم بسوی روش نو است چه به عقیدهٔ من در شعر نو شاعر آزادانه میتواند احساسش را بازگو کند یا به عبارت ساده تر محتوی را فدای شکل نسازد.

-به نظرت کدام شعر و چگونه با اجتماع مصدر خدمت میشوند؟

- در این جا باید روی کلمه تعهد و مسئولیت انگشت نهاد. بلی به عقیدهٔ من شاعر متعهد است که میتواند مصدر خدمتی برای اجتماعش شود. چه شاعر است که خوبتر درد مردمش را تشخیص میدهد و می تواند در پی علاج این درد بر آید و حالا این شاعر متعهد است که در این قسمت احساس مسئولیت میکند ومیکوشد راه‌چاره‌ئی برای درد های اجتماعش بیابد.

- در قسمت تشکیل انجمن ها وبزم های شاعران مثلا بزم های بهاری یا خزانی چه عقیده دارید؟

به عقیدهٔ من تشکیل چنین‌انجمن ها و بزم ها تاثیر مثبتی در قسمت بلند رفتن سطح شعر در کشور می نماید چه شاعر ازیک‌طرف میتواند چکیده های اندیشه اشرا به مردم پیشکش کند وازطرفی در برخورد مستقیم خویش با مردم ارزش های خودرا باز شناسند ویا بر عکس از محدودیت و فرد گرائی های خود آگاه شود.

-به عقیده توشعر گفتن یعنی چه؟

-شاعری که واقعا واز تهٔ قلب شعر می سراید، هدفش خدمت به اجتماع و مردم است چه، طوریکه بیشتر ذکر کردم شاعر است که میتواند درد مردم‌را خوبتر از دیگران احساس کند ودر پی چارهٔ آن درد بر آید.

-چه مدت است که‌شعر می گویی و انگیزه در این راه چه بوده است؟

- مدت شش سال میشود که شعر می سرایم و انگیزه من در راه سرودن شعر تنها و تنها احساسم بوده است و بس.

از چند سال به این طرف‌اشعار شما در مطبوعات به چاپ‌رسیده؟

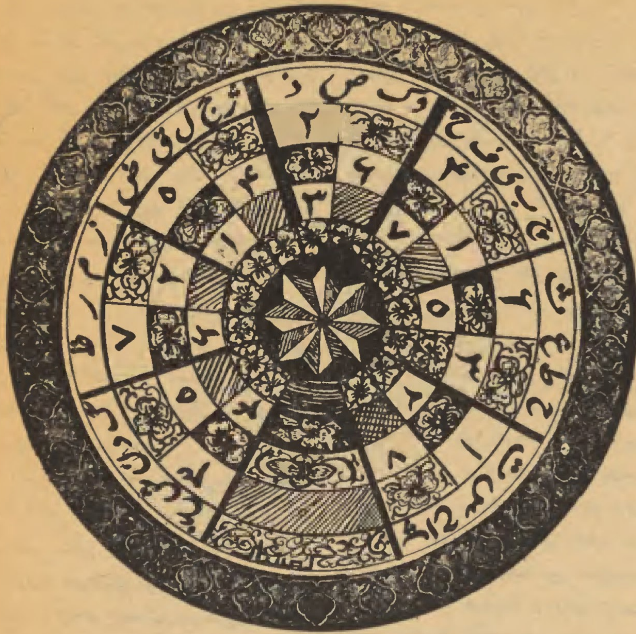
- از مدت تقریبا چهار و نیم‌سال به این طرف سروده هایم از طریق مطبوعات به چاپ رسیده به این صورت که ابتدا از نیمهٔ دوم سال ۱۳۵۰ الی نیمهٔ اول سال (۱۳۵۲) اشعارم گاهگاه شعری ازمن در مجلهٔ ژوندون و مجلهٔ پښتون ږغ هم نشر میشد ولی از اواخر سال ۱۳۵۲ الی اخیر سال ۵۳ اشعارم در صفحهٔ (کوچه باغ‌شعر) مجلهٔ ژوندون به نشر رسید همچنان باید یاد آور شوم که هم اکنون مجموعه از اشعارم بنام (توفانی ترین‌دریا) تکمیل و آمادهٔ نشر است که البته در صورت مساعد بودن زمینه‌به‌نشر آن اقدام خواهم کرد.

این هم‌شعر تازه یی ازامینه (فروغ)

(کدامین اشک حسرت)

نمیدانم کدامین مرغ اندوه-
به سر من سایه گسترده!
نمیدانم کدامین اشک حسرت
گونه ام شسته !
نمیدانم چرا این قلب من
لبریز غم گشته
نمیدانم... نمیدانم!!
ولی دانم که قلب من
بسان غنچه دلتنگ است.

فال حافظ



درهر روزاز هفته که میخواهید فال بگیریدبه‌تصویر بالا توجه نموده یک‌حرف از حروف نام خودرا انتخاب کنید وآنرا از دایره‌بزرگ‌پیدا نمایید .(فرق نمی کند که حرف اول باشد یادوم باشد یامثلا پنجم) درزیر همان‌حرف مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفیدو سیاه میباشد ودر داخل‌خانه‌های سفید آن‌سه‌عدد ثبت شده است ازآن سه عدد هر کدام راکه دلخواه شماست انتخاب کنید وآنگاه‌به‌همان شماره در زیر نام همان روزاز هفته مراجعه کنید وجواب خودرا اززبان حافظ شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه‌حرف چهارم نام‌خودراکه‌سین است انتخاب واز جمله سه عددی که‌در پرتوس مربوطه به این حرف دیده می‌شود‌بیت «۷» را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحهٔ مقابل‌مراجعه کنید وبخوانید لسان اللغیب بشما چه می گوید !

تأثیر مواد غذایی

زیاد بوده مانند سودیم ، پتاسیم، کلسیم وگوگرد .

۳:- عناصری که مقدار شان جزئی است مانند منگنیز ،نکل کوبالت المونیم .

کلور :برای حیات سلولهای بدن‌لازم‌بوده ودر اغذیه زیر موجود است

مغز گاو،زردی مرغ ،شلغم انجنیر .

سودیم :برای رشد ونمو و اعمال عصبی موجود درکاکو ،مغزگاو ،زیتون ،جگر .

پتاسیم :در انقباض کردن عضلات و اعصاب رول داشته در زیتون ،لوبیا ،انجیر نخود ،کشمش ،بادام .

کلسیم :برای مقاومت استخوانها ودندانها رول بس ارزندهٔ رابازی نموده در بادام، شیر ،انجیر ،زرده تخم مرغ و پنیرپیدا میشود .

مگنیزیم :برای سخت شدن استخوانها و مقاومت بدن بکار رفته و در لوبیا ، عدس، خرما وبرنج موجود است .

فسفر :برای تکمیل شدن هسته سلولها بکار رفته درشیرخشک ، زردی تخم مرغ، نخود ،قند، لوبیا ،پسته ،جگر ،عدس موجود است .

گوگرد: برای تسریع جریان‌خون بفعالیت نموده درتخم‌مرغ ،نخود لوبیا، گوشت ، عدس .

آهن :برای ترکیب وتولید همو گلوبین خون وتبادلات گازات ضروری بوده در لوبیا عدس، نخود،بادام وجود دارد .

مس: وجودمس برای تمام اندامهای بدن لازمی بوده برای جگر مخصوصا بسیار ضروری می باشد و در مغزبادام ،لوبیا، نخود ،عدس موجود است .

کوبالت والمونیم :برای ساختن خون فعالیت‌نموده و درجگر موجود است وهمچنان در پسته ،جگر موجود میباشد .

فال حافظ

شنبه

۱ـ دل دونیم شدو دلبر بملامت برخاست
گفت باما منشین کزتو سلامت بر خاست
۲ـ که‌شنیدی‌که درین بزم دمی‌خوش بنشست
که‌نه در آخر صحبت بندامت بر خاست
۳ـ در چمن باد بهاری زکنار گل سرو

به هواداری آن عارض و قامت بر خاست
۴ـ مست بگذشتی واز خلوتیان ملکوت
به تما شای تو آشوب قیامت بر خاست
۵ـ خیال روی تو درهر طریق همرهٔ ماست

نسیم موی تو پیو ند جان آگهٔ ما ست
۶ـ اگر بزلف دراز تو دست ما نرسد
گناه بخت پریشان و دست کوتهٔ ماست
۷ـ زلف‌آشفته وخوی کرده‌وخندان‌لب‌ومست
پیرهن چاك و غزلخوان و صراحی دردست

یکشنبه

۱ـ نرگسش عربده‌جوی‌و لبش‌افسوس‌کنان
نیم شب دوش به بالین من آمد بنشست
۲ـ عاشقی راکه چنین بادهٔ شبگیر دهند
کافر عشق بود گـر نشود باده پر ست
۳ـ بروای زاهدو بردرد کشان خرده مگیر

که ندادند جز این تحفه بما روز الست
۴ـ آنچه او ریخت به پیمانهٔ مانوشیدیم
اگر از خمر بهشت است واگر بادهٔ مست
۵ـ نگویم از من بیدل بسهو کردی یاد

که در حساب خرد نیست سهو بر قلمت
۶ـ بیاکه باسر زلفت قرار خواهم کرد
که گر سرم برود بر ندارم از قدمت
۷ـ زان یار دلنواز شکریست با شکایت
گر نکته دان عشقی بشنوتو این حکایت

دوشنبه

۱ـ مدامم مست میدارد نسیم‌جعدگیسویت
خرابم می‌کند هردم فریب چشم جا دویت
۲ـ پس‌ازچندین‌شکیبائی شبی‌یارب‌توان‌دیدن
که‌شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت
۳ـ سواد لوح بینش راعزیز ازبهرآن دارم

که جانرا نسخه‌باشد ز لوح خال هندویت
۴ـ من‌و بادصبا مسکین دوسرگردان‌بی‌حاصل
من‌از افسون چشمت مست‌و اوازبوی‌گیسویت
۵ـ شراب وعیش نهان چیست کاربی بنیاد

زدیم برصف رندان و هر چه بادا باد
۶ـ ز حسرب لب‌شیرین هنوز می بینم
که لا له میدمد از خون دیدهٔ فر هاد
۷ـ جما لت آ فتا ب هر نظـر با د
ز خو بی رو ی خو بت ، خوبتر بـاد

سه‌شنبه

۱ـ کسی کـو بسته زلفت نبا شد
چو ز لـفت در هـم و زیرو زبر باد
۲ـ دلی کـو عاشق ر و یت نبا شد
همیشه غـر قه د ر خـو ن جگر با د
۳ـ مرا از تست هـر دم تا زه عشقی

تـرا هـر سا عتی حسن د گـر باد
۴ـ نرگس مست نوازش کن مردم دارش
خون عاشق بقدح گر بخورد نو شش باد
۵ـ چشمم از آئینه داران خطو خالش‌گشت

لبم از بوسه ربا یان برو دو شش بـاد
۶ـ همای او ج سعادت بدام ما افتد
اگـر ترا گـز ر ی بـر مقام ما افتد
۷ـ درخت دوستی بنشان‌که‌کام دل بیارآرد
نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

چهارشنبه

۱ـ مطرب عشق عجب سازو نوائی دا رد
نقش هـر نغمه کـه زد ره بجائی دا رد
۲ـ عالم از نالـهٔ عشاق مـبا دا خالی
که خوش آهنگ و فرح بخش صدائی دارد
۳ـ ستم از غمزه میاموزکه در مذهب‌عشق

هرعمل اجری و هر کـرده جـزائی دارد
۴ـ شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد
بندهٔ طلعت آ ن باش کـه آ نـی دارد ـ
۵ـ خم ابروی تو درصنعت تیر اندازی

برده از دست هر آنکس که کمانی دارد
۶ـ در رهٔعشق نشدکس بیقین محرم راز
هرکسی بر حسب فـکر گـما نی دا رد
۷ـ با خرا بات نشینان ز کرا مات مـلاف
هر سخن جائی و هـر نـکته مکانی دارد

پنجشنبه

۱ـ نی من تنها کشم تـطاو ل ز لـفت
کیست کـه او داغ آن سیاه نـدا رد
۲ـ با غبا نا ز خزان بی خبرت می بینم
آه ازآن روز که بادت گـل رعنا ببرد
۳ـ رهزن دهر نخفتست مشو ایمن از او

اگر امروز نبر د ست کـه فردا ببرد
۴ـ نیست در شهر نگاری کـه دل ما ببرد
بختم ار یار شود رختم ازین جا ببرد
۵ـ اگرنه بادهٔ غـم دل زیاد مـا ببرد

نهیب حادثه بنیاد ما ز جا ببرد
۶ـ اگرنه عقل به مستی فروکشد لنگر
چگونه کشتی ازین و رطهٔ بلا ببرد
۷ـ طبیب عشق منم باده ده‌که این معجون
فرا غـت آرد و اند یشهٔ خطا ببرد

جمعه

۱ـ سحر بلبل حـکا یت با صبا کـرد
که عشق ر و ی گـل با ما چها کـرد
۲ـ مقام اصلی ما گوشهٔ خرا بات است
خداش خیر دهد هرکه این عما ر ت‌کرد
۳ـ نماز در خـم آن ابروان محـرابی

کسی کند که بخون جگر طهارت کـرد
۴ـ دلم زحلقهٔ زلفش بجان خرید آشوب
چه سود دید ندانم که این تجارت کـرد
۵ـ فرداکه پیشگـاه حقیقت شود پـدید

شر منده رهروی که عمل بر مجاز کرد
۶ـ بلبلی خون دلی خورد وگلی‌حاصل‌کرد
باد غیرت بصدش حال پریشال دل کـرد
۷ـ چوباد عزم سر کوی یار خواهم کرد
نفس ببوی خو شش مشکبار خواهم کرد

هنر در لابلای قرنها

است . (صفحه تاریخ مدنیت های آسیای مرکزی بخش مربوط‌به‌مدنیت مو هنجو دارو هر په نویسنده.. تا مالا تال بوت رایس چاپ واشنگتن ۱۹٦۵) .

گرچه ها مو رابی او لین پاد شاه قانونگزار بین النهرین قدیم تااندازه حقوق و وجایب اهالی بابل را تعین کرداما قانون ها مورابی با حملا ت آسوری ها بر بابل تا ثیرات خودرا آهسته آهسته از دست داد . ازهمین جاست که طرز زند گی وا حدی در مدنیت بین النهرین به ملاحظه نمی رسد .

این نوع طرز زندگی خصو صیاتی به هنر بین النهرین بخشید که آنرا از هنر مصر متفاوت می سازد گرچه تبارز خصوصیات هنر پریمتیف،چون عدم موجودیت پرسپکتف (تناسبات دقیق.) پراگندگی اشکال از نگاه دیزاین وترکیب، هنر بین النهرین را تا اندازه شبیه هنر دوره های‌اولی مدنیت مصر می سازد اما با آنهم چنانچه قبلا تذکر یافت ، طرززندگی وموقعیت جغرافیایی بین النهرین به هنر آن خصو صیات جدا گانه بخشید .

آنچه د رهنر بین النهرین بحیث يك خصوصیت عمده تبارز می کند عدم مو جودیت يك شیوه بخصوص است که بصورت عنعنه از طرف هنر مندان قبول و برای سالهای متمادی حفظ شده باشد . زیرا برخلاف تمدن مصر، فرهنگ بین‌النهرین زاده انکشاف تاریخی است که خشت های آنرا اقوام مختلف با عقاید مختلف در دوره های مختلف تاریخ گذاشته اند .

سو مری هاو بابلی تفا وت لسانی داشتند ،گرچه تاثیر آنرا بالای‌هنر های بصری‌کمتر دیده می تـوا نیم) اقوام هیتی که از شمال غرب به‌سر زمین بین النهرین مهاجرت نمودند بنابر نداشتن سابقه فر هنگی قوی قادر به ایجاد يك شیوه یا مکتب هنری مستقل نگردیدند (صفحه ۱۵ تاریخ هنر ملل شرق نویسنده چین ان وینسان چاپ دوم نیویورك) و هنرشان تااندازه‌ای خصو صیا ت هنر «پری تیف (بدوی) برخور دار بوده آسوری ها تمایل به پذیرش شیوه های مختلف هنری شرق‌میانه وفرهنگ های همجوار آن داشتند . فارس ها که از نگاه فر هنگی‌وارثین

صفحه ٦٢

سومری ها بودند به اندازه زیادی تحت تاثیر مکتب های هنری یونان قدیم قرار گرفتند . عبرانی نظر به عقاید مذهبی (قانون منع هنـــر موزائیك) موفق به ایجاد مکتب‌هنری مستقلی نگر دیدند. بر علاوه یکعده زیاد از عبرانی ها مردمان‌خانه‌بدوشی بودند و پیشه های چون بنایی ، آهنگری و نجاری تا به مدت های مدیدی بین شان متداول نبوده‌است.

این شیوه زندگی به هنر مند بین النهرین فرصت آن داد تا بیشتر به شکل منفردانه تبارز نمایدوانگیزه های شخصی خود را باز گو کند تا اینکه متعهد به‌يك پاره مسایلی چون عنعنات وشیوه های قبول شده‌هنری ازنگاه مذهب و قدرت فر مانروا باشد . البته منکر این شده نمی توانیم که هنر بین النهرین عاری از تاثیر چنین عناصری باشد و لی با آنهم عدم تسلط کا مل آن به هنرمند اجازه آن‌رادادکه بیشتر احساسات‌و برداشت های مستقیم مستقیمش را از پدیده های اطرافش تبارز دهد . ازینروست‌که آثار هنری بین‌النهرین باو جود نواقص تکنیکی بیانگری‌ای بیشتر دارند واز حرکت بیشتر و ارزش های عاطفی بیشتر نظر به هنر مصر بر خور دار می باشد . چه اکثر آثار مصری باوجود آنکه‌زندگی روز مره انسان ها را نشان میدهد. اماکرکتر های خلق شده صا مت بی روح و فاقد حرکت اند .

یکی‌از مثالهای ارزنده درین‌مورد تحرك‌وبیانگری‌عاطفی‌هنربین‌النهرین مجسمه‌ریلفی است که شیر ما ده زخمی را در حالت نزع نشان‌میدهد کشیدگی عضلات حرکت بدن شیرکه در حال ناله است چنان بیانگری پر قدرتی دارد که در کمتر آثار مصری چنین مثالی دیده میشود . این اثرکه مربوط بدوره مدنیت آسوری است وصحنه شکار آسوربانی پال‌امپراطور مقتدر آسوری را نشان میدهد . بیانگر گرایش هنر مند بسوی شیوه ریالیزم وباوجود عدم بکار بر دن تناسبات دقیق حالت طبیعی حیوان زخمی را به و ضاحت آشکارمیسازد . مثال در ی درینمو رد مجسمه ریلیف دیگری است که از سنگ تراشیده یافته و نار ماسین یکی ازفرمانروایان بین النهرین را در حال رهبری قشونش نشان میدهد . با وجود آنکه اثر از تناسب درست و پرس پکتیف (دوری و نزدیکی منطقی آسیا از همدیگر) بر خوز دار نیست

(باقی دارد)



گاو بالدار باسرآدم (۸۷۰ ق ۰م) مربوط بدوره مدنیت آسوری .این مجسمهٔ از نگا ه تکنیك دارای دو روش است (از پروفیل و تکنیك‌ریگلیف درآن بکار رفته واز مقا بل شکل مجسمه آزاد را دارد) موزیم برتانیه

چشم‌وانواع آن

میشود عضلاتی چشم راکه انسان ها برای حرکت چشمهای خود بکار میبرند - دربقه‌ها وظیفه محکم گرفتن غذا را در دهن بعهده دارد۰

برخی حیوانات بحری دارای چشما ن بزرگ و چر خنده ای هستند ،که میتواند به‌اطراف خود به‌حددد ۳٦۰ درجه نظراندازی نمایند ۰برخی دیگر بمانند خارجنگ ها دارای چشمانی بروی یک ساقة نسبتابلندی هستند ۰که ساقه های چشمی میتواند درائر حرکت -جهات مختلف راتحت نظر گیرد۰ یکنوع صدف بحری بنام کوین کو نـچ دارای چشما نی بز ر گ روی عضو گو شتی و نر می بنام نتتا کـل‌هامیباشد. این نوع چشمان رادر حلزو ن ها ی خشکه‌ئی که در مملکت ما بکثرت یافت میشود -نیز مشاهده کرد ۰

در شکل اول خارجنگی را با چشمان متحرك وی‌که روی ساقه‌ای قرار داردمشاهده می نماند ۰

شکل دوم ۰متعلق به صدف بحری است طوریکه هرچشم دارای یک عدسیه محدب وبزرگی بوده که روی تنتاکل ها قرار داردومیتواند در عمل یافتن غذا به حیوان کمک نماید ۰

موقعیت چشمان ماهیان - معمولا به محیطی که درآن زیست مینماید تعلق زیادی دارد. علاوتا درین عمل عادت وطرز شکا ر هر حیوان نیز سهمی دارد ۰چنانچه نوعی ماهی چا پانی وجود دارد که دارای چشمانی در نواحی فوقانی سرش میباشد چون‌ماهی مذکور معمولا درسطح زیرین آب زندگی مینماید - بناء مواد غذای راکه در حصه فوقانی درآب وجود دارد -میتواند بواسطه چشمان خود بخوبی به‌بیند و ازان تغذیه نماید ۰

نما یش گاه چشما ن حیوانات مختلف :

حیوانات عالی دارای سا ختمان چشمان متفاوت وده ولی اصلا تشا بهی زیادی در ساختمان های داخلی آن وجود دارد ۰طور مثال سطح داخلی چشم همهٔ آنها دارای حجرات حساس بمقابل نور میباشد که میتوانند - شعاعات وارده از اجسام رابه دماغ مرکزی حیوان انتقال دهند ۰حیواناتی که معمولا بهنگام شب تغذیه مینمایند - دارای چشمان بزرگ با مردمک دائیروی و بزرگ میبا شند و میتوانند از کمترین ذره ای نوری راکه برجسمی به‌تابد -استفا ده نموده وآن رابه بینند ۰

چشم حیواناتی مثل گربه راکه درشب و روز ازان استفاده‌میشود -دارای ساختمانی مخصو ص اندکه مردمك چشم میتواند درشب به حد اعظمی طور دایروی بزرگ گردد -بر خلاف بهنگام روزکه نورزیادوجود دارد - روزنه ای آن خیلی کوچك ترگردد۰ میتوان ازروی ساختمان ظاهری چشم - تا اندازه ای نـوعی حیوان را دانست

که‌درین بحث دیده میشود .

بحث دیده میشود مید هد. ساختمان چشم فقاریان عالی رانشان میدهد.

الف -چشم گربه

ب: چشم نوعی ماهی بنام سکیت

ج:چشم شارك

د:چشم مار

ه :چشم اختاپوط بحری

و: چشم چلپاسهٔ گیکو

زوندون

بجواب نامه های شما

سلام دوستان!

امید واریم روز های پراز خوشی وسرور رادر ایام فرخنده عیداضحی سپری نموده وبادلهای مملو از صفا وصمیمت دوباره بکار های محولهٔ تان پرداخته باشید .

خوب حالا می پر دازیم به‌بررسی نامه های دوستان تادیده شود چه سوالها ونظر یاتی برای مجله خود شان دارند .

بناغلی محمد حسن متعلم صنف یازدهم دال لیسه شیر خان کندز

نامهٔ بلند بالاومطول‌برای مادارند آنها پس ازتهنیت گویی وپیام‌های محبت آمیز شان به مجله ژو ندون وکار کنان آن، نظریات وپیشنهاداتی بسیار دارند که طی هفده سوال طرح کرده اند .که البته بسیا ری ازنظر یات شان‌قسما درژوندون‌عملی شده است.

ولی درمورد سایر سوالات‌بناغلی محمد حسن عرض میشود که تلاش مافقط‌بخاطر بر آورده ساختن‌خواهش خوانند گان ژوندون است ازینروتا جایی که امکانات وزمینه عملی شدن آن موجود باشد .بطورختم به منصه اجراء گذاشته میشود .

پیغله فهیمه از لیسه زر غو نه

طی نامه‌مینویسند که‌درمجله ژوندون مانند سابق فوتو رومان نشر شود البته منظور ایشان از نشر فوتـو رومان های خارجی است.

دوست عزیز: قبلا در مورد نشر فوتو رومان واشکا لاتیکه از ناحیه مصرف جست پیش می آید خدمت خوانند گان در صفحه بجواب‌نامه‌ها چیزهای نوشیم. ولی باز هم بخاطر قناعت بیشتر شما می نویسیم کـه درین مورد خوانند گان مجله‌ژوندون نظریات یکسان ندارند وبسیاری‌از آنها طرفدار نشر فوتو رومان در مجله نیستند .

پیغله صدیقه ازمکتب ملالی!

درمکتوبی که‌برای ما فرستده‌اند مجلهٔ ژوندون خواسته آند تا مجله ژوندون بیشتر به نشر مو ضوعات داخلی بپردازد.

در جواب باین عرض شود کـه کار کنان مجله تاحدود امکان درین راه تلاش مینمایند. یعنی منظور ما دردرجه اول نشر مطالب دا خلـی است.

البته خدمت خوانند گان محترم باید عرض شود که مازیاد ترین‌نامه ایکه تاامروزگرفته ایم‌در موردهمین موضوع بوده است وعلا قمنـدان ژوندون این سوال رابه نحوی‌ازانجا طرح نموده اند .

بناغلی غلام محمد نیاز مند!

مامور وزارت داخله پیشنهادیکه‌شما طرح نموده ایدامکان‌حل آن درهمین صفحه بجواب نامه های شماموجود است .

شما اگر سوالی داشته باشیـد درهمین صفحه بجواب نامه های‌شما جواب گفته میشود.ازینرو لازم‌نیست که‌صفحه اختصاصی که‌در گذ شته هادر ژوندون بچاپ میرسیده‌است دوباره احیا گردد .

شاغلی محمد عزیز از قلعـه زمانخان!

به نظر ما این سوال را، شـما بایست‌از کسی‌میپرسیدید که درین رشته معلو مات اختصاصی داشته باشد .البته همانطوریکه خود شما میدانید کسانیکه درین باب سـر رشته ومعلو مات اختصاصی دارنـد تعداد شان خیلی زیاد است.عرض اینست که شمابیك مشوره‌ضرورت دارید واین باید بطور شفا هـی برایتان گفته شود .

آقای محمد اکرم!

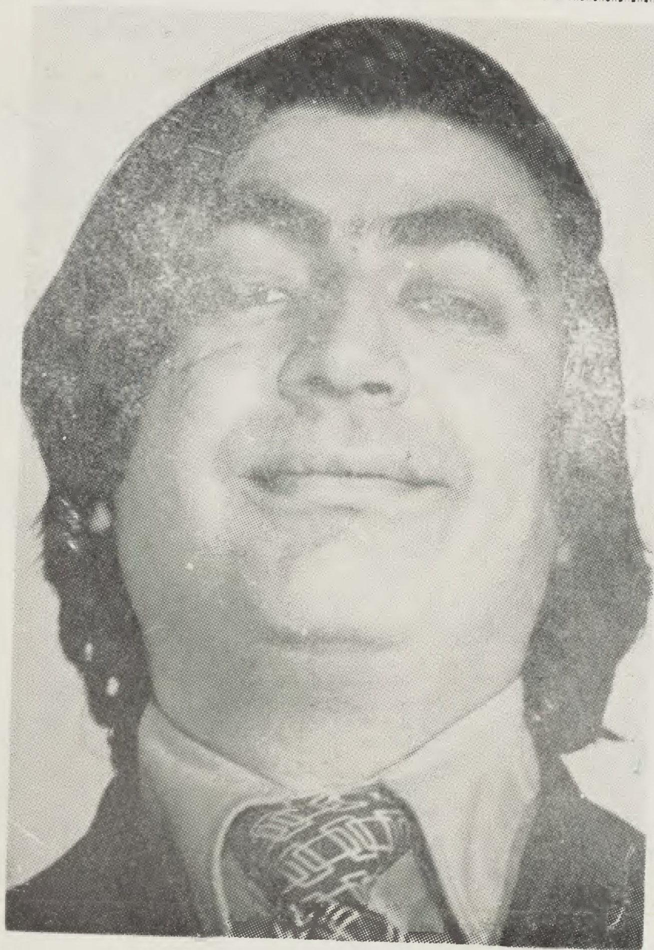
چیزیکه عیان است چه حا جت به بیان است. ما هیچ فهمیـــده نتوا نستیم که منظور ازین سوا ل شماچه بوده است‌بخاطری‌که سوال تقریبا درمکتوب خود تان حـل‌شده است .

پیغله محبوبه صنف هـشتم دال لیسه عا یشه درانی !

ازینکه‌شما درنامه تان به مطبو عات اظهار علاقمندی کرده اید جـای بسیار خوشی است.

راه ها ووسایل‌همکاری باروزنامه‌ها ومجـلات بسیار ساده است شـما یا مطالب ارسالی تانرا پست نموده برای ما بفر ستید ویا اینکه بـرای سپردن مضمون به دفتر تشریـف بیاورید .تا با نحوه وچگو نگی‌کار بیشتر آشنا شوید. در حال‌حاضر نظر ما اینست که شما نخستیـن همکاری قلمی تانرابا مجله محبوب دکمکیانو انیس شروع کنید واین یك نقطه آغاز بسیار خوب بـرای شما خواهد بود .

راستی خد مـت یـك تعـدا از علاقمندان مجله ژوندون باید عرض شود که آنها نیز مثل همکـار مـا پیغله محبوبه به تماس های با مجله اطفال داشته باشند. چه فکر میکنم این مجله بهتر میتوا ند بحـل پیشنهادا تو سوالا ت شان‌بپردازد



حامد شکران خوا ننده محبو ب‌جوانان

دولتی مطبعه

مودوفیشن





سه نمونه لباس که ازجدیدترین کتلاك ها برای علاقمندان جهان مود انتخاب نموده ایم